

(۲) اسم : (آد ad)

- اسم کلمه ای است که برای نامیدن موجودات به کار گرفته می شود. مثال:

اسم انسان: کیشی، قادین، قیز، اوغلان، عباس، حسن، یاشار و...

اسم حیوان: مئیمون، پیشیک، قویون، قوزو، ایت، اوکوز و...

اسم حشرات: قاریشقا، چیبین، میغمیغ، کپه نك (کپه نك) و...

اسم اشیاء (بی جان): انو، قلم، کاغاذ (کاغذ)، داغ، یئر، آی، یئل و...

اسم پدیده هائی که دیده نشده و یا لمس نمی شود:

فیکیر (فکر)، یوخو، نظر، ایده و...

- اسم در جمله به شکل زیر شناخته می شود:

a (اگر کلمه ای در مقابل کلمات سوالی امثال « کیم »، « نه »، « نه منه دیر »، « هارا » و... قرار گیرد، اسم محسوب می شود. مثال:

کیم گلیر؟ عباس گلیر. او کیم دیر؟ او عباس دیر.

کیم یئدی؟ حسن یئدی. بو کیم دیر؟ بو حسین دیر.

او نه دیر؟ او انودیر. بو نه دیر؟ بو ماشین دیر.

- نه دئدین؟

من « های های » دئدیم. « لای لای » دئدیم.

(« لای لای »، « های های » در جمله مستقل به کار گرفته شده و اسم شمرده می شود.)

نه دئدین؟ من حسن دئدیم. (حسن اسم می باشد.)

نه منه پیس دیر؟ (نه پیس دیر؟) پیسلیک پیس دیر. (پیسلیک پیس دیر)

- آی بابا. نه دئدین؟ من آی بابا دئدیم. (« آی بابا »، در مقابل سوال « نه »

قرار گرفته و اسم محسوب می شود.)

- نه بابا. سن نه دئدین؟ من « نه بابا » دئدیم. سن « نه بابا » دئم.

(« نه بابا » در مقابل کلمه سوالی « نه » قرار گرفته و اسم محسوب می شود.)

b) کلمه ای که در حالت تصریفی صرف شود، اسم نامیده می شود. مثال:

من بۇ كىتابى حسن دن آلدیم. كىتاب كیم ده دیر؟ قلم حسن ده دیر.

(کلمه « حسن، كىتاب »، در حالت تصریفی صرف شده و اسم محسوب می شود.)

- من « دنمکن » یۇرولدوم. دنمکن دیلیمده توك بیتدی. نه دن دیلینده توك بیتدی؟

(دنمکن، از مصدر « دنمک » است که در حالت تصریفی صرف شده و اسم محسوب می شود.)

- من گۆزلدن گوسدوم. (کلمه « گۆزل » صفت است، که در جمله در حالت تصریفی صرف شده و اسم محسوب می شود.)

- من آخشامدان بۇرادایام. (« آخشام » قید است که در حالت تصریفی صرف شده است.)

(c) کلمه ای که در جمله معرفی شود، اسم به حساب می آید. مثال:

بۇ بى حسن دیر. حسن یاخشی آدم دیر. قارا، نه دیر. قارا رنگ دیر. قارادان دا قاراسى وارمى؟

(d) اگر کلمه « بی معنی » و یا « معنی دار » باشد و در جمله مستقل به کار گرفته شود، اسم محسوب می شود. مثال:

لاکین [کلمه ربطی]: بۇ جمله ده « لاکین » یازما.

کی [کلمه ربطی]: « کی » معناسیز بیر سۆز دنگیل.

ده [حروف ربطی]: « ده » بیر ربطی کلمه دیر.

اوچون [کلمه ربطی]: « اوچون » ده بیر ربطی کلمه دیر. و...

های [کمک، توجه]: های سالما، هارای هارای دنم. های گوی سالما

- در رابطه با « لای لای » به شعر زیر توجه کنید:

لای لای دنیم یاتاسان قیزیل گوله باتاسان.

قیزیل گولون ایچینده شیرین یۇخو تاپاسان

(ğ) کلمه ای که جمع بسته شود، اسم محسوب می شود. مثال:

یاخشی، یاخشی بیر سۆز دور. بیزدن یاخشی لار، بیزدن یاخشی دیر [لار].

مجید صباغ ایرانی (یالقیز): اؤزوموزدن قۇپان هایلار، چاتاجاق هایمیزا

اؤزگه یئردن گلن هایدان بیزه بیرهای اولماز...

۲-۱) اسم در ترکیب جمله با نامهای مختلف زیر به کار گرفته می‌شود: در دستور زبان اسم به انواع مختلف تقسیم شده و هر کدام از آنها از لحاظ ترکیب، معنی و عملکرد به گروه‌های گوناگون تجزیه شده و با نام و با ویژگی‌های خاص خود به کار گرفته می‌شود:

اسم	اسم
۱۲) اسم ذات و اسم معنی	۱) اسم (اسم ساده) و ...
۱۳) اسم معرفه و نکره ...	۲) اسم ترکیبی
۱۴) اسم مجرد و اسم غیر...	۳) اسم قیدی
۱۵) اسم جنسیت	۴) اسم صفتی و ...
۱۶) اسم اصغر	۵) اسم مرکب و ...
۱۷) علائم مقیاس و ...	۶) اسم فعلی، فاعلیت صفتی
۱۸) اسم و علامت جمع و ...	۷) اسم بدلی
۱۹) فاعل (فاعل جمله) و ...	۸) اسم خاص
۲۰) اسم فاعلی	۹) اسم عام و ...
۲۱) مصدر	۱۰) اسم عام و خاص و ...
۲۲) اسم مصدری و ...	۱۱) اسم جمع

اسامی مذکور با ترکیبات مختلف به اشکال زیر به کار گرفته می‌شوند:

- اسم را می‌توان به شکل زیر به طور خلاصه معرفی کرده و شرح داد:
اسم ساده، اسمی است که تنها يك جزء دارد و با اسمی دیگر و یا با پسوندی ترکیب نیافته است. مثال:

یاشار yaşar ، باغ bağ ، آغاج ağac (ağaç) ، حسن Həsən ، داغ dağ ، بادام badam ، دده dədə ، گول gül ، داش daş ، یئر yer ، و ...

اسم ترکیبی ، (اسم پسوندی) اسمی است، که با پسوند ترکیب می‌یابد؛ یعنی اگر اسم ساده ای برای بیان مفهومی موجود نباشد، با ترکیب اسم ساده و پسوند می‌توان اسم جدیدی به وجود آورد و به کار گرفت. مثال:

- اسم ترکیبی با یک پسوند:

دمیرچی dämırçı ، آدملیق adamlıq (آدمیت)، گوللوك güllük (گلزار)، چیمنلیک çimənlik (چمنزار)، گۆزلوك gözlük (عینک)، بیلگی bilgi (دانش)، سئوگی ، ...

- اسم ترکیبی با چند پسوند:

دمیرچیلیک dämırçilik ، ایشچیلیک ، چۇبان چیلیق ، چۇدارچیلیق ، ...

- اسم قیدی، کلمه قیدی است، که در جمله در جای اسم به کار گرفته می‌شود:

تئز، گنج، دونن، صاباح، سحر، بۇگون، بۇگون سحر ...

دونن هوا ایسییدی . dūnən hava isiydi . بۇگون آخشام هوا سۇیوقدور ...

- کلمات قیدی را می‌توان به وسیله پسوند « لیق ، لوك » (که با هماهنگی بزرگ) به شکل اسم جدیدی در آورد و به کار گرفت. مثال:

تئزلیک، صاباح لیق، بۇگونلوك، هفته لیک، ایللیک، یاییق، قیشلیق، ساعات لیق، ...

اسم صفتی، کلمه صفتی است که در جمله به جای اسم به کار گرفته می‌شود. مثال:

قارا، اۇجا، یاخشی، پیس: قارا یاخشی دنگیل. من قارا سئومه رم (سئومرم). اۇ قیرمیزی

سئومز. قارادان گوزلی یۇخدور. قارا نه دیر؟ قارا بۇیاقدیر ...

- کلمات صفتی را می‌توان به وسیله حروف پسوندی « لیک ، لوك ، لوق » به اسم جدیدی تبدیل کرد و به کار گرفت. مثال:

- اسم صفتی با یک پسوند: یاخشی لیق yaxşılıq ، پیسلیک pislik ، گۆزلیک ...

- اسم صفتی با چند پسوند: گۆزلیکلر ، پیسلیکدن ، یاخشی لیقار ، ...

- اسم فعلی ، فعلی که در جمله به جای اسم نشانده می‌شود. مثال:

- اسم فعلی با پسوند « آق » : قاچاق، قۇناق، آخاق، یاتاق، آتاق ...

- اسم فعلی (فاعلیت صفتی) با پسوند « آن ، آن » : گلن، گولن، قالان، سالان ...

- اسم فعلی با پسوند، «چی» و «لیک، لوك»:

قاچاقچی: قاچاقچیلیق، قۇناق: قۇناقچیلیق، چالیشقان: چالیشقان چیلیق و...

اسم مرکب، کلمه ای است که از ترکیب دو یا چند جزء ساخته می‌شود. یعنی اگر در زبان کلمه ساده و ترکیبی برای بیان اسمی موجود نباشد، با ترکیب دو و یا چند کلمه می‌توان اسم جدیدی به وجود آورد و به کار گرفت. مثال:

- از ترکیب دو اسم:

گول چیچک gülçiçək ، داغ داش dağdaş ، قۇیونقوزو qoyunquzu و...

- از ترکیب صفت و اسم: قارا (قره) باغ ، قارا داغ ، قاراغاج ، آغ بۇلاق ، ساری گول و...

- اسم مرکب با پسوند «لی، لو»: آغ ساقاللی، قاراساقاللی، اۇجا بۇیلو و...

- اسم مرکب با پسوند «لی، لو» و علامت جمع:

تورك دیللی لر، آغ قۇیونلور، قارا قۇیونلور، قاراساقاللی لار و...

- اسم مرکب با صفت همراه «ی» ملکی (با هماهنگی بزرگ):

آیاق آلتی ayaqaltı ، آیاق قابی ayaqqabı ، آیاق آدمی، گولوستان باغی، گولباغی،

آغاج کؤکو، قۇیون سۇتو، قۇیون توكو و...

- دو اسم همراه علامت جمع با حرف «ی» ملکی: آیاق آدملاری ، گولوستان باغلاری و..

- صفت و اسم با حروف اضافی «لی»: آغ ساقاللی، ساری توكلو، قارا ساچلی و...

- اسم با دو کلمه مستقل با علامت جمع: قارا قوشلار، قۇیون قۇزولار، مال حنیوانلار و...

توجه: اگر کلمه مرکب، با علامت «لر، لار» جمع بسته شود، پسوند ملکی به آخر کلمه

کشیده شده و حرف صدادار آن نیز تنها به دو فرم «ا، آ» صرف می‌شود. چرا که

آخرین حرف صدادار پسوند جمع حرف «a، ə» می‌باشد. مثال:

آیاق آلتلاری ayaqaltları، آیاق آدملاری ayaqadamları، قۇچ بۇرنوزلاری، قۇیون توكلری

- در اسم سازی می‌توان جای کلمات ترکیب یافته را پس و پیش کرده و با مفهوم

جدیدی به کار گرفت. مثال:

- صفت در جلو و اسم در پس:

ساری باش sarıbaş ، آغ ساقال ağsaqal ، بۇش بئیین boşbeyin ، قاراگۆز ... و...

– اسم با «ی» ملکی در جلو و صفت در پس:

باشی ساری başısarı ، ساقالی آغ saqalıağ ، بئیینی بۇش beyniboş ، قارنی یۇغون ،

باشی یئکە ، باشی اۇجا ، بیغی بۇرما ، بۇرکوساری ... و...

– علامت جمع در وسط: ساچلاری ساری ، بیغلاری بۇرما ، بۇرنوزو آیری ... و...

علامت جمع در آخر: باشی اۇجالار ، بیغی بۇرمالار ، باشماقی ییرتسیق ... و...

– اسم با ترکیب سه کلمه که صفت در پیش قرار می گیرد:

قاراباش اۇغلان. ساری ساقال کیشی. آغ بیرچک قادین. ... و...

صفت در پیش همراه «لی»: ساری چیچکلی گول. ساری گولو آغاج. ... و...

اسم در جلو: چیچکلی ساری گول. یارپاقلی ساری آغاج. ... و...

اسم مرکب با پسوند «لیق، لوق»: داغداشلیق ، باغباخچالیق ، قاری قۇجالیق ... و...

– اسم و صفت:

صفت در پیش و اسم در پس:

بۇیوک آقا Böyükağa ، بالا خانیم Balaxanim ، اۇجاداغ ucadağ ، انلی خیابان ، اۇجابۇی

uçaboy ، ساری گول sarıgül ، قیرمیزی گول qırmızı,gül ، درین قۇیو ... و...

اسم (با «ی» ملکی) در پیش و صفت در پس: باشی یئکە ، اوزو قارا ، ساقالی آغ ... و...

اسم با ترکیب سه کلمه که کلمه صفتی در وسط قرار می گیرد:

ساقالی آغ کیشی. باشی ساری قۇزو. بیرچه یی آغ قادین. ... و...

– فعل با اسم، فعل در پیش، اسم در پس: آخار سۇ axar,su ، گولر اوز ، قانماز آدان ... و...

– اسم با ترکیب دو فعل با علامت «آن ، آن»:

گلن گئدن ، گئدن گلن ، انشیدن بیلن ، یالان یۇلان ... و...

– فعل و علامت «آن» در پیش و اسم در پس: آسن یئل ، بیشن آش ، قاچان سرباز ... و...

– اسم فعلی با یک علامت «ایب» همراه با «آن ، آن»:

دئییب گئدن. چالیب اؤینایان. گلیب گئدن. انشیدیب بیلن. ... و...

- فعل در پیش و اسم در پس: قاچان کیشی qaçankişi ، دانیشان قیز danışanqız ...
 - دو اسم همراه پسوند « ی » ملکی:
- آلما آغاجی alma ağacı ، آنادیلی ana dili ، داغ پیشیپی dağ pişiyi ، انو ایتی ev iti ...
- اسم مرکبی که با کلمه صفتی و تکرار ضمیر ملکی (به شکل: « این » ، « ی ») ساخته می شود: انوین قاباغی evin qabağı ، ماشینین چیراغی ، دامین اوستو ، چؤلون ایسیسی ...
- اسم با فعل فاعلیت صفتی (با علامت « آن ، آن »):
- اسم همراه « ی » ملکی در پیش و فعل با علامت « آن ، آن » در پس:
- انوی آلان ، دؤواری ییخان ، سؤیو ساتان ، دؤزوالان ...
- (اسم ساده با فعل و بدون علامت ملکی) انو آلان ، دؤوار سالان ، سؤساتان ، ماشین سورن ...
- اسم ترکیبی (مجهولی) با فعل و میانوند و اسم: (سات - ایل - آن - ماشین)
- ساتیلان ماشین ، سالینان دؤوار ، ییخیلان انو ، قیریلان ایپ ...
- اسم با ترکیب دو فعل و یک اسم همراه میانوند با مفهوم جمله:
- ییخیلیب تیکیلن انو ، کسلیب ساتیلان آغاج ...
- اسم مرکب با ترکیب دو اسم و دو اضافه ملکی (« این » و « ی »):
- تاریخین اثری tarixinəsəri ، گونون ایشیغی ، پاییزین یئلی ، باهارین یاغیشی ...
- اسم مرکب با ترکیب دو اسم و یک اضافه ملکی (ی): تاریخ اثری. گون ایشیغی. پاییز یئلی
- اسم مرکب ، اسم در پیش و فعل (فاعلیت) در پس:
- گؤنه باخان günəbaxan ، دویوسوزن ...
- اسم با مصدر ، اسم در پیش و مصدر در پس:
- قۇلاق آسماق qulaqasmaq : قۇلاق آسماقدان (یۇرولدوم) ، سۇ ایچمکدن (شیشدیم) ...
- اسم مرکب با ترکیبات متضاد:
- اسم مرکب با دو اسم متضاد:
- آرآرواد ararvad ، قیز اۇغلان qizoğlan ، دؤس دوشمن dosdüşmən ، ننه دده nənədədə ،
- آل آفاق əlayaq ، باش آفاق başayaq ، یئر گۆی yergöy ، دره تپه dərətəpə ، دده ننه ،

- قیز اوغلان، اوغلان قیز، گۆی یئر، ایت پیشیک و...
 - اسم همراه پسوند «لیق، لوق، لیک»:
 دؤس دوشمانلیق، ننه دده لیک، آلت اوسلوك و...
 - اسم مرکب (فعل مرکب) با ترکیب فعل متضاد:
 آل وئر، گل گنت، یاز پوز، آت توت، یات اویمان و...
 - اسم مرکب با فعل متضاد همراه میانوند و پسوند «ایش»:
 گلش گندیش (آمد و رفت)، آیش وئریش، گیریش چیخیش (دخول و خروج)،
 گندیش گلش (رفت و برگشت) و...
 - اسم مرکب با دو صفت متضاد: پیس یاخشی، یاخشی پیس، آچاق اوجا و...
 (با پسوند مصدری:) آچاق اوجالیق، باش اوجالیق، قام قارانلیق و...
 - اسم مرکب مصدری با میانوند ایب، اوب: گلیب گنتمک، اوتوروب قالخماق و...
 اسم بدلی، کلمه ای است که در جمله جایگزین اسم می گردد. مثال:
 یاشار پهلوان دیر. (پهلوان به شکل صفت)، پهلوان گلیر. (پهلوان اسم بدلی، یاشار می باشد).
 - بابک ایستیقال اوچون ساواشدی. او بیزیم انلیمیزین قهرمانی دیر. انلین قهرمانی کیم دیر؟ انلین
 قهرمانی بابک دیر. بیزیم قهرمانیمیزین آدی و اونون آزادلیق اوچون ساواشاری، بیزیم انلیمیزین
 خاطره سیندن سیلینمز. عباس، علی نین قارداشی دیر. اگر بگوئیم علی نین قارداشی گلیر. « علی
 نین قارداشی » اسم بدلی عباس می باشد. علی نین قارداشی پهلوان دیر. پهلوان گلیر.
 - اسامی مختلفی که مفهوم واحدی دارند، به شکل اسم بدلی نیز محسوب می شوند. مثال:
 قادینیم، آروادیم arvadım، منیم خانیمیم mənim xanımım، حیاط یولداشیم həyat yoldaşım و...
 اسم خاص، کلمه ای است که اسم و شئی خاصی را با نام خاص خود منعکس می کند:
 - اسم خاص ساده: تبریز təbriz، باکی baki، تهران tehran، ایستانبول و...
 اسامی مذکور اسامی خاصی هستند که تنها مختص خود آنها می باشد.
 اسم خاص مرکب، اسمی است که به شخص و یا شئی خاصی دلالت کند و برای گوینده و
 شنونده مطلب شناخته شده و مشخص باشد. مثال: (همراه با اضافه ملکی)

أحمدین قادینی əhmədın qadını (خانم احمد)، رسولون انوی، لاله نین آری، حسنین قارداشی، یاشارین باجیسی، حسنین انوینین قاپیسی، اؤنون انوینین قاپیسی. سنین خالانین انوی.] در محاوره: سنین خالوین انوی. [در جملات مذکور، حسن، خانه، در خانه حسن و... برای ما مشخص و شناخته شده هستند و در نتیجه اسم خاص (خاص به خود) محسوب می‌شوند.

اسم عام، کلمه ای است که افراد و اشیاء هم نوع را در یک کلمه با مفهوم علم بیان می‌کند. مثال: (اسم عام ساده)

قاپی qapı، انو ev، یؤل yol، شهر، کد (کند)، داغ و...

- در زبان ترکی کلمات مختلف را می‌توان با پسوند «لیق، لوق» به اسم مصدری تبدیل کرد و به شکل زیر با مفهوم اسم عام به کار گرفت. مثال:

با اسم: منشه لیک، قۇملوق، داشلیق، اۇتلوق، یۇنجالیق، تۇزلوق و...

با صفت: پیسلیک، یاخشی لیق، گۇزلیک، اۇجالیق، چۇخلوق و...

با قید: تنزلیک، گونلوق، آیلیق، هفته لیک، ایلیک و...

با عدد: اۇتلوق، آلی لیک، یوزلوق، و...

- اسم عام را می‌توان با علامت «لر، لار»، به شکل زیر جمع بسته و به کل گرفت: آدام لار adamlar، قاپیلار qapılar، انولر evlər، یۇللار yollar،

یۇنجالیقار، منشه لیکلر، قۇملوقلار، داشلیق لار، اۇتلوقلار و...

اسم عام مرکب: (همراه پسوند ملکی «ی»)

انو قاپیسی ev qapısı (در خانه)، انو کیلیدی ev kilidi (کلید خانه) انو پیشیسی ev pişiyi (گره خانگی- اهلی)، چؤل پیشیسی çöl pişiyi (گره وحشی) و...

- اسم عام به شکل زیر در جمله به کار گرفته می‌شود:

بۇ ایل انو قاپیسی باهادیر. بۇ چؤل - ده چؤل پیشیگی اۇلماز.

مدرسە اۇشاقلاری تۇپ اۇینایارلار. mədrəsə uşaqları top oynayırlar.

تورکمن آتی گوزل دیر. türkmen atı gözəldir. (اسب ترکمن زیبا است.)

- در موارد کمی ضمیر ملکی «ی» (مثل: آتی) را از اسم مرکب حذف کرده و به

جای آن حروف ملکی « این » را به آخر کلمه پیوند می‌زنند. مثال:

تورکمن آتین. türkmen atın. [تورکمن آتی] (اسب ترکمن)

آغاچ یارپاغین. ağaç yarpağın. [آغاچ یارپاغی] (برگ درخت)

مدرسە اۇشاغین. mədrəsə uşağın. [مدرسە اۇشاغی] (بچه مدرسە)

– اسم عام مرکب به شکل زیر نیز ساخته شده و با « لر ، لار » جمع بسته می‌شود:

دره تپه لیک (لر)، داغ داشلیق (لار)، بارباداملیق (لار)، اوت علفلیک (لر) و ...

– اسم خاصی که از دو اسم ترکیب می‌یابد به شکل زیر با تکرار علامت ملکی (in)

این) ، اسم دوم را به اسم اولی نسبت می‌دهد. مثال:

قاپیسی، ماشینین لامپاسی، باجی سینین اری، قارداشینین قئین آتاسی و ...

منیم ائویمین قاپیسی mənim evimin qapısı ، بیزیم ائویمیزین قاپیسی bizim evimizin qapısı

سنین ائوینین قاپیسی sənin evinin qapısı ، سیزین ائوینیزین قاپیسی sizin evinizin qapısı

اؤنون ائوینین قاپیسی onun evinin qapısı ، اؤنلارین ائولرینین قاپیسی onların evlərinin qapısı

– توجه شود که اسامی مرکب با مفهوم یک جمله ناقص (نا کامل) نیز فهمیده می‌شوند.

حذف اضافه ملکی از اسم خاص:

در صرف اسم خاص اگر اسمی به اسم دیگری نسبت داده شود، آن اسم به وسیله

تکرار ضمیر ملکی به شکل « این ، این » عملی می‌شود؛ ولی در مواردی (به ویژه در

محاورة در رابطه با اشیاء) یکی از این علائم را حذف کرده و آن را تنها یک مرتبه

صرف می‌کنند. مثال:

منیم ائوین قاپیسی mənim evin qapısı (به جای: منیم ائویمین قاپیسی)

سنین ائوین قاپیسی sənin evin qapısı (به جای: سنین ائوینین قاپیسی)

اؤنون ائوین قاپیسی onun evin qapısı (به جای: اؤنون ائوینین قاپیسی)

بیزیم ائوین قاپیسی bizim evin qapısı (به جای: بیزیم ائویمیزین قاپیسی)

سیزین ائوین قاپیسی sizin evin qapısı (به جای: سیزین ائوینیزین قاپیسی)

اؤنلارین ائوین قاپیسی onların evin qapısı (اؤنلارین ائولرینین قاپیسی)

- در موارد کمی (در محاوره در رابطه با اشیاء) هر دو ضمیر ملکی را از اسم حذف می‌کنند. مثال: (به جای منیم انویمین قاپیسی)

منیم انو قاپیسی، سنین انو قاپیسی، اونون انو قاپیسی،

بیزیم انو قاپیسی، سیزین انو قاپیسی، اونلارین انو قاپیسی (قاپیلاری)

اسم عام و خاص،

اسمی است، که به شکل مفرد بیان می‌شود، ولی در معنی عده کثیری از اسم هم نوع را در خود منعکس می‌کند. مثال:

آدام، انو، قاپی، داغ، داش و...

- اسم عام و خاص با این مفهوم بیان می‌شود، که در اطراف ما هزاران چیز موجود است، که «آدام» و «انو» در بین آنها برای ما با اسم خاص خود آشنا هستند و در نتیجه اسم خاص محسوب می‌شوند؛ اما آدام و انو در بین هزاران آدام و انو دیگر برای ما نا مشخص و نا آشنا می‌باشند، در نتیجه آنها با مفهوم عام نیز به کار گرفته می‌شوند، زیرا منظور از «خانه» و «آدم»، شخص و خانه خاص و مشخصی به حساب نمی‌آید.

- اسم عام و خاص را می‌توان از لحاظ ترکیب، همانند سایر کلمات در فرمهای ساده، ترکیبی و مرکب به کار گرفت. مثال:

- اسم عام و خاص ساده: انو əv، شهر şəhər، یول yol و...

- اسم عام و خاص ترکیبی: باداملیق badamlıq، آغاجلیق ağaclıq و...

- اسم عام و خاص مرکب: داغ داش dağdaş، دره تپه dərətəpə و...

داغ داشلیق، دره تپه لیک، مئر منشه لیک و...

- اسامی عام و خاص با علامت «لر، لار» به شکل زیر جمع بسته می‌شود:

- اسم عام ساده با علامت جمع: انولر، داغلار، دؤوارلار، کیتابلار و...

- اسم ترکیبی با علامت جمع: باداملیقلار، یونجالیقلار، خیارلیقلار، آیدینلیقلار و...

- اسم مرکب با علامت جمع: داغداشلار، چیر چیمین لر، اوت علف لیکلر و...

- اسم عام و خاص باکلمات سوالی:

اؤ ئو کیمین دیر؟ (اؤ: ضمیر مشخص. کیم: ضمیر نا مشخص)
 اؤ ئو و قاپی حسنین دیر. (« اؤ »، « قاپی » و « حسن »: کلمه مشخص و خاص)
 حسن کیم دیر؟ (نا مشخص) حسن بۇ ئوین و قاپینین صاحیبی دیر؟ (مشخص و خاص)
 هانسی دیر؟ بۇدور. اؤدور. هارادایر؟ بۇرادایر. اؤرادایر. (کلمه « اؤ » و « بۇ » ضمیر
 شخصی مشخص و کلمه سوالی « کیم »، « هانسی » ضمیر نا مشخص و « نه ره » و « هارا »
 قید نا مشخص و « بۇرا » و « اؤرا » قید مشخص می باشند.)

- اؤ کیمین ئوینین کیلیدی دیر؟ « اؤ ئوین »: ضمیر مشخص است، ولی « گیمین »:
 ضمیر نامشخص:

جواب: منیم ئویمین کیلیدی.. mənim evimin kilidi (açaarı) (اسم خاص و مشخص)
 سیزین ئوینیزین قادینی. sizin evinizin qadını. (اسم خاص و مشخص)
 اکبرین ئوینین پیشییی. Əkbərin evinin pişiyi. (اسم خاص و مشخص)
 اونون ئوینین ایتی [سگ خانه او] onun evinin iti (اسم خاص و مشخص)

- در رابطه با کلمات مذکور به سوال و جوابهای زیر نیز توجه کنید:

اؤ کیم دیر؟ (اؤ: مشخص. کیم: نامشخص)
 اؤ بۇ ئوین و قاپینین صاحیبی دیر. (اؤ ئوین صاحیبی حسن دیر.)
 بۇ قاپی نه یین دیر؟ (بۇ قاپی: مشخص. نه یین: نامشخص.) بۇ قاپی، بۇ ئوین دیر.
 اؤ گۆزل آت، کیمین دیر؟ (کیمین: نامشخص) اؤ گۆزل آت، تورکمنین دیر. (مشخص)
 اؤ تورکمنین آتی گۆزل دیر. o türkənin atı gözəldir. (اسب آن ترکمن زیباست.)
 اؤ، تورکمنین آتی هانسی دیر؟ (هانسی: نامشخص) اونون آتی، اؤ، گۆزل آت دیر. (مشخص)
 اؤ اۇشاقلار کیمین اۇشاقلاری دیرلار؟ من اۇنلاری تانیمیرام، آما اۇنلار بۇ مدرسه نین اۇشاقلاری دیرلار.
 بۇ مدرسه نین اۇشاقلاری فۇتبول (فۇتبال) اؤینا ییرلار.

bu mədrəsənin uşaqları futbol (futbal) oynayırlar.

بۇ یارپاقلار، بۇ آغاجین یار پاغی دیر (لار). (یارپاقلاری دیرلار). bu yarpaqlar bu ağacın yarpağıdır.

اسم جمع:

اسم جمع، کلمه ای است که همانند اسم عام و خاص به شکل اسم ساده و مفرد بیان می‌شود، ولی مفهوم و معنی افراد و اشیای زیادی را در خود بیان می‌کند:

ائل el ، خالق xalq ، تۆپلوم toplum ، سورو sürü ، قۇشون qoşun ، ایلخی ilxi ، ناخیر naxır ، کاروان karvan ، منشه، قۇشون، و...

- اسم جمع را می‌توان به وسیله علامت (لر، لار، لر) جمع بسته و به کار گرفت. مثال:

ائللەر ellər ، خالقلار xalqlar ، تۆپلوملار toplumlar (اجتماع) ، سورولر sürülər ، قۇشونلار qoşunlar ، کاروانلار karvanlar ، منشه لر ...

توجه: با پسوند « لیق » ، « لوق » (با هماهنگی بزرگ) ، می‌توان اسم مصدری ساخته و

با مفهوم « اسم جمع » و « اسم عام » به کار گرفت. مثال:

قۇملوق، شۇخوملوق، منشه لیک meşəlik ، اۆتلوق، داشلیق، چیمین لیک و...

سۇزلوک، داغلیق dağlıq ، قمیشلیک، کوللوق (مکان خاکستر)، گوللوق (گلزار) و...

اسم ذات، اسمی است که وجودش به اسم دیگری وابسته نبوده و مستقل از خواست و فکر کسی موجود باشد. مثال:

یاشار Yaşar ، تبرییز təbriz ، کیتاب kitab ، یئر yer و...

اسم معنی، اسمی است که وجودش بر عکس اسم ذات مستقل نبوده و بر اسم

دیگری وابسته می‌باشد. مثال: بیلیم، علم، هوش، فکر (فیکیر)، ساواد (سواد) و...

a) کلمات مذکور مستقل بر ذات خود نیستند، زیرا اگر شخصی (اسم ذات) موجود نباشد، هوش و فکر و یا اندیشه ای و... نیز نمی‌تواند موجود باشد، در نتیجه وجود اسم معنی وابسته به

اسم دیگری (اسم ذات) می‌باشد. مثال:

حسن هوشلودور. (کلمه « هوشلو » در این جمله صفت است.)

هوش، حسن اوچون بیر بؤیوک نعمت دیر. (کلمه « هوش » در این جمله اسم است. در جمله

مذکور « حسن » اسم ذات و « هوش » اسم معنی می‌باشد.)

b) اسامی همچون « آغاج یارپاغی، قۇزو اتی، اینک سوتو، اۇشاق سسی » از دو اسم تشکیل

می‌یابند، که اسم اولی مستقل (به شکل اسم ذات) و اسم دومی وابسته به اسم اولی می‌باشد. اسم معرفه، اسمی است که برای بیان کننده و شنونده مطلب شناخته شده (معرفی شده) باشد. اگر فردی بدون معرفی شخصی، بگوید «حسن گلیر»، با این مفهوم است که وی و شنونده مطلب «حسن» را می‌شناسند، به همین دلیل نیز بیان کننده مطلب، اسم «حسن» را بر زبان می‌آورد؛ در غیر این صورت وی می‌گفت «شخصی می‌آید»، («بیر آدم گلیر»، «بیر کس گلیر»، «بیری گلیر») و ...

- اگر بگوئیم «حسن گولور»؛ از این جمله چنین مفهوم می‌شود، که گوینده و شنونده کلام با «حسن» آشنائی دارند. (یعنی در اصطلاح دستور زبان، حسن، اسم معرفه می‌باشد).
 - اگر اسمی برای گوینده مطلب آشنا و برای شنونده نا آشنا باشد، گفته می‌شود «حسن یولدا دیر»؛ او بۇر ایا گلنده، من اؤنو سن ایله (له) تانیش ائله یه رم. حسن برای شنونده اسم نکره است، ولی وقتی حسن به وی معرفی شود، حسن برای او نیز اسم معرفه می‌شود.
 اسم نکره، اسمی است که برای گوینده و شنونده مطلب نا آشناست. علامت «نکره» در زبان ترکی کلمه «بیر، شخص، نفر، زاد (ذات)، شئی» می‌باشد که به شکل زیر صرف می‌شود: بیر گلیر. بیر نفر گلیر. من بیر کیتاب آلاجاغام. بیر گون واریمش، بیر گون یۇخموش، تانیردان سؤنرا هئچ کیم یۇخموش. و ...

اسم مجرد، اسمی که قابل لمس و دیده شدن می‌باشد. مثال:

آغاج ağac ، آدم adam ، یئر، گون، کیتاب، گول و ...

اسم غیر مجرد، اسمی است که دیده نشده و لمس نمی‌شود. مثال:

هوش huş ، فکر (فیکیر) fikir ، عاغیل، ایده، سواد [ساواد] و ...

اسم جنسیت، کلمه ای است که جنسیت را در خود منعکس می‌کند. مثال:

اسم نر (ارکک)، اسمی که جنسیت نر را در خود بیان می‌کند. مثال:

آتا ata ، کیشی kişi ، بی bəy ، اوغلان oğlan ، کورکن kürəkən ، تکه təkə ،

اؤکوز öküz ، کل kəl ، قوچ qoç ، خروس (خوروس)، بیچه، آقا، ارکک erkək و ...

اسم ماده [دیشی]، کلمه ای که جنسیت ماده را در خود بیان می‌کند:

آنا ، قادین qadın ، بیان bayan ، قیز qız ، گلین gəlin ، اینک inək ،
جامیش camış ، قویون qoyun ، گنچی ، تویوق ، فریک ...
- اسامی جنسیت نیز به وسیله علائم « لار ، لر » جمع بسته می شوند. مثال:
گلین ، گلینلەر .gəlinlər ، قادین ، قادینلار .qadınlar ، قیز ، قیزلار .qızlar .
اوغان ، اوغلانلار oğlanlar ، اینکلەر inəklər ، گنچیلەر geçilər ...
اسم نامشخص و خنثی:

کلماتی امثال « ذات » ، « شی » و ... برای بیان اسم خنثی و یا برای نامیدن اسم
غیر مشخص به شکل زیر به کار گرفته می شوند:
بۇرادا بیر شئی یۇخدور . اۇطرفدن بیر زاد گلیر . بۇرادا بیر زاد وار . بۇرایا بیر شئی گلیر .
اسم اصغر (کوچک):

اگر پسوند « چە çə ، چا ça » و یا « جە ، جا » (که با هماهنگی کوچک صرف
می شود) به اسمی پیوند بخورد، به شکل زیر با مفهوم اسم کوچک (اصغر) بیان
می شود. مثال:

کیتاب : کیتابچا kitabça [چیچیک کیتاب] ،

باغ : باغچا bağça [چیچیک باغ + باخچا] ،

دفتر : دفترچه dəftərçə [چیچیک دفتر] ،

بالا : بالاچا balaca [چۇخ چیچیک] ، بالاچا بیر قیز ...

- اسم با علامت اصغر (مثل : بالاچا) با مفهوم « زیبا » و « عزیز » نیز به کار گرفته
می شود. مثال : بالاچا قیزیم balaca qızım [دختر کوچک و زیبای من] ، منیم بالاچا بالام .
- اسم اصغر، به کلماتی نیز گفته می شود، که اسم را از لحاظ سن و سال (توان ،
حق و حقوق [نسبتاً] و...) نا بالغ می نامد:

اۇشاق ، اوغلان ، قیز ، قوزو ، چۇجوق ، قاجاق ، جوجه ، فریک ...

اۇهلە اۇشاقدیر . اۇهلە جوجه دیر . اۇهلە جۇجوقدور . اۇهلە سۇت امر دیر

توجه: - در مواردی علامت « جە ، جا » برای کوچک کردن شخصیت انسان نیز به

کار گرفته می‌شود: آچاق: آچاقجا ، آچاقجاسینا ، آنلامازجاسینا و...

حئیوان جاسینا، دلی جه سینه، سفح جه سینه و...

- در مواردی حروف «جه، جا» با مفهوم «تقریباً، حدوداً» نیز به کار گرفته می‌شود:

منیم یاشیم اونجا وار. سن منجه سن. اونون دا بیزجه پؤلو وار. بونون وزنی اونجادیر.

علائم مقیاس به شکل اسم:

کلمات مقیاس (مقدار معین و غیر معین) کلماتی هستند که برای بیان مقدار مشخص و نامشخص به کار گرفته می‌شوند. (این کلمات به شکل قید عددی و صفت نیز به کار گرفته می‌شوند.)

- اسم مقدار معین به شکل کلمه ساده:

اون on ، اییرمی iyirmi ، یوز yüz ، مین min ، میلیون milyon و...

- اسم مقدار معین و مرکب: اون ایکی oniki ، ایکی یوز ikiyüz ، اون مین onmin ،

یوزمین yüzmin ، بیر میلیون birmilyon ، بیر میلیارد و...

- اسم نامعین ساده: چوخ، آز، آرتیق، اسکیک و...

- اسم نامعین ترکیبی: ساییس، سایی یوخ، چوخلارجا و...

- اسم مقدار نامعین ترکیبی و مرکب: چوخلارجا، سایی چوخ، سایدان آرتیق و...

(توجه شود که کلمات مذکور در موارد زیادی به شکل صفت و قید نیز به کار گرفته می‌شوند.)

- اسم جمع به شکل مقدار معین مقیاس «عرض، طول و وزن»:

امروزه در آذربایجان کمیت، وزن، بزرگی، طول، عرض، عمق و قطر و... به وسیله

کلماتی که از زبانهای غربی گرفته شده اند، بیان می‌شوند. مثال:

کیلو kilo ، تون (تن) ton ، متیر (متر) metir ، کیلو متیر kilometr ،

هیکتار hiktar (هکتار) ، اون هیکتار و...

- توجه شود که مردم آذربایجان مقدار اندازه گیری را از ایام قدیم، با نامهای «آرشین» ،

«باتمان» ، آتدیم ، قریچ، ایپ ، میسقال و... بیان می‌کرده اند، ولی امروزه چنین واژه هائی

جای خود را به کلمات غربی (مثل: کیلو، کیلو متتر: به عنوان مقیاسهای بین المللی) می‌دهد.

اسم مرکب با مفهوم جمله نا کامل:

اسم مرکب، به شکل جمله ناکامل (بدون فعل و فاعل) نیز فرمیده می شود. مثال:

ياشیل يارپاق yaşılıyarpaq (برگ سر سبز)، گوللو چيمن (چمن پر از گل)،
 قارانلیق گنجه (شب سیاه و تاریک)، قاران قۇلوق گنجه. و...
 بخته ور قیز، خوش بخت قادین، ایگیت اؤغلان، و... (جمله ناکامل در صفحه ۷۳۹)
 اسم و ضمیر پنهانی در کلمه معنی دار و بی معنی:

اسم در مواردی به شکل ضمیر منفصل شخصی (من ، سن ، او ...) و در مواردی نیز
 (به ویژه در محاوره) به شکل پنهانی در ضمیر متصل شخصی به کار گرفته می شود. مثال:

اؤ گلیر. (اؤ: ضمیر سوم شخص مفرد.)
 به به گلیر. (اسم سوم شخص مفرد به شکل پنهانی در پسوند بیان می شود.)
 باخ گور، گلن وار می؟ بلی وار. دی گلسین ایچری. (به جای اؤنا دی، اؤ گلسین ایچرییه.)
 - اسم در جمله به شکل حروف « بی معنی »:

هئی، های (ای آقا : ای مرد. ای زن.) هئی گل. hay gal (ای آقا، ای خانم بیا) هاوار
 گلین (یعنی ای کسی که مرا می شنوی بیا.) هارای هارای (کمک، یار دیم) ...

۳) اسم و علائم جمع:

علامت جمع در زبان ترکی، دو پسوند « لر lar و لار lar » می باشد، که هر کدام از آنها از دو حرف بی صدا و یک حرف صدادار تشکیل می یابد. حرف صدادار علامت جمع با هماهنگی کوچک به شکل « a ، ə » صرف می شود. به عبارت دیگر کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، با پسوند « لر » و کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، با علامت « لار » جمع بسته می شود.

- برای آشنائی هر چه بهتر با اصول جمع بستن اسم، جدولهای در صفحات زیر کشیده شده و در هر کدام از آنها کلماتی درج شده اند، که آخرین حرف صدادار آنها با یکی از ۹ حروف صدادار (e , i , ö , ü , a , ı , o , u , ə) ساخته شده است؛ لطفاً به جمع بستن کلمات مختلف در جدولهای زیر توجه کنید:

الف) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با یکی از پنج حرف « ə, e, ö, ü, i » باشد، با پسوند « lər » جمع بسته می‌شود:

a) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با حرف « ə » می‌باشد:

فارسی	ترکی	آخرین حرف صدادار کلمه	کلمه جمع	علامت جمع
دست	əl	ə	əl lər	لر lər
گوشت	ət	ə	ət lər	لر lər
الك	ələk	ə	ələklər	لر lər

- به جمع بستن کلمات زیر نیز توجه کنید:

الْبَجَاكُ (دستکش): əlcək . əlcəklər (زحمت): əməklər

چيچېك (گل): çiçək . çiçəklər . دَرَه : dədə . dədələr ...

b) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با حرف « e » می‌باشد:

فارسی	ترکی	آخرین حرف صدادار کلمه	کلمه جمع	علامت جمع
خلق	el	e	el lər	لر lər
پاکت	paket	e	paket lər	لر lər
خانه	ev	e	evl ər	لر lər

- به جمع بستن کلمات زیر نیز توجه کنید:

يئل (باد): yellər . يئللر . سئل sel , sellər . سنلر . دئو dev (دیو)، devlər

دئولر . يئر، يئرلر . بئل، بئلر ...

توجه: - حرف « e » یکی از سه حرف صداداری است، که تنها در بند اول کلمت

ترکی آذربایجان به کار گرفته می‌شود.

- اگر کلمه ای تنها یک حرف صدادار داشته باشد و آن نیز در اول و یا در

آخر کلمه قرار گیرد، آن حرف در قانون هماهنگی، آخرین حرف صدادار کلمه

محسوب می‌شود و حرف صدادار پسوندها با هماهنگی آن صرف می‌شوند.

(c) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با حرف « i » می‌باشد:

فارسی	ترکی	آخرین حرف صدادار کلمه	کلمه جمع	علامت جمع
سگ	ایت it	i	ایتلر itlär	لر lär
طناب	ایپ ip	i	ایپلر iplär	لر lär
جوانمرد	ایگیت igit	i	ایگیتلر igitlär	لر lär

- به جمع بستن کلمات زیر نیز توجه کنید:

دنییز deniz دنییزلر. پیشیک pişik ، پیشیکلر pişiklär. دیشی dişi (ماده)

دیشیلر dişilär. ایکی، ایکیلر. پیس، پیسلر. بیر، بیرلر. مین، مینلر.

سیز، سیزلر. ...

(d) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با حرف « ö » باشد، به

شکل زیر به کار گرفته می‌شود:

فارسی	ترکی	آخرین حرف صدادار کلمه	کلمه جمع	علامت جمع
چشم	گöz göz	ö	گözلر gözlär	لر lär
حرف	سۆز söz	ö	سۆزلر sözlär	لر lär
چوب خرد	چۆپ çöp	ö	چۆپلر çöplär	لر lär

- به جمع بستن کلمات زیر نیز توجه کنید:

دۆرت dört ، دۆرتلر dörtlär. گۆل göl (دریاچه) ، گۆللر göllär. بۆرک bürk (کلاه)،

bürklär بۆرکلر. کۆک، کۆکلر. دۆش، دۆشلر. ...

توجه: حرف « ö » یکی از سه حرف صداداری است، که تنها در بند اول کلمات

ترکی به کار گرفته می‌شود.

i) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی و با حرف « ü » باشد به شکل زیر صرف می‌شود:

فارسی	ترکی	آخرین حرف صدادار کلمه	کلمه جمع	علامت جمع
گُل	گول	gül	گوللر	لر lar
بلبل	بولبول	bülbül	بولبوللر	لر lar
اتو	اتو	ütü	اتولر	لر lar

- به جمع بستن کلمات زیر نیز توجه کنید:

- اوچ (سه) üç (اوچلر üçlər) اوست (بالا ، روی) üst (اوستلر üstlər) اوست لر.
دوز düz (دوزلر düzlər) یوز (یوزلر yüzlər) سوز (سوزلر süzlər) و...

توجه: هر کلمه ای که با علامت « لر ، لار » جمع بسته شود، اسم محسوب می‌شود.

ب) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با یکی از چهار حرف (a , ı , o , u) باشد، همانند کلمات درج شده در چهار جدول زیر با علامت « لار »

جمع بسته می‌شود:

a) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با حرف « a » می‌باشد:

فارسی	ترکی	آخرین حرف صدادار کلمه	کلمه جمع	علامت جمع
مادر	آنا	ana	آنالار	لار lar
آدم	آدام	adam	آداملار	لار lar
سنگ	داش	daş	داشلار	لار lar

- به جمع بستن کلمات زیر نیز توجه کنید:

بادام badam ، باداملار badamlar . باغ bağ (باغلار bağlar) . آلبا (سیب) alma ،

آلمالار almalar . قوچاق (با جرات) ، قوچاقلار . پیچاق (کارد) پیچاقلار . و..

b) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی و با حرف « ı » باشد به شکل

زیر صرف می‌شود:

فارسی	ترکی	آخرین حرف صدادار کلمه	کلمه جمع	علامت جمع
نور	ایشیق	ا	ایشیقلار	لار
دختر	قیز	ا	قیزلار	لار
خواهر	باجی	ا	باجیلار	لار

- به جمع بستن کلمات زیر نیز توجه کنید:

عاشیق، عاشیقلار aşıqlar . آجی aci (تلخ)، آجیلار acılar . آجیلیق acılıq ، آجیلیقلار acılıqlar . آیدینلیق ، آیدینلیقلار . یازی ، یازیلار
توجه: اگر کلمه ای تنها یک حرف صدادار در اول و یا آخر کلمه داشته باشد، آن حرف در قانون هم‌هنگی آخرین حرف صدادار محسوب شده و حروف صدادار پسوندها با هم‌هنگی آن به کار گرفته می‌شود.

c) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پایینی و با حرف « o » باشد، به شکل زیر با پسوند « لار » جمع بسته می‌شود:

فارسی	ترکی	آخرین حرف صدادار کلمه	کلمه جمع	علامت جمع
آتش	اود	o	اودلار	لار
راه	یول	o	یوللار	لار
علف	اوت	o	اوتلار	لار

- به جمع بستن کلمات زیر نیز توجه کنید:

توز toz ، توزلار tozlar . اوخ ox (تیر)، اوخلار oxlar . توخ (سیر)، توخلار . اون ...
توجه: حرف « o » یکی از سه حرف صداداری است، که تنها در بند اول کلمات ترکی آذربایجان به کار گرفته می‌شود. tox , yol , sol

d) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پایینی و با حرف « u » باشد، به شکل

زیر با پسوند « لار lar » جمع بسته می‌شود:

فارسی	ترکی	آخرین حرف صدادار کلمه	کلمه جمع	علامت جمع
نخود	noxud	u	noxud lar	لار lar
نمک	duz	u	duz lar	لار lar
پول	pul	u	pul lar	لار lar

- به جمع بستن کلمات زیر نیز توجه کنید:

دۇل (بیوه)، دۇللار dullar . سۇ (آب)، سۇلار sular . قۇز ، قۇزولار quzular .
یۇرد (یورت)، یۇردلار yurdlar . اۇن ، اۇنلار

- در زبان ترکی، تمام اسامی ترکیبی و مرکب همانند اسامی ساده به وسیله علائم « لار » و « لار » جمع بسته می‌شوند؛ حرف صدادار آن در کلمات مرکب وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه آخر می‌باشد. مثال:

- اسم ترکیبی (اسم پسوندی) به شکل زیر جمع بسته می‌شود:

گۈللۈکلەر güllüklər ، چیمنلیکلەر çimənliklər (چمنزارها) ، گۈزلۈکلەر gözlüklər (عینکها) ،
بیلگیلەر bilgilər (دانشها ، دانستنیا) ، یۇنجالیق لار yoncalıqlar ، باداملیق لار badamlıqlar

- اسم مرکب به شکل زیر جمع بسته می‌شود:

گۈل چیمن لار gülçimənlər . دۈنە نە لار dədə,nənələr . داغداشلار dağdaşlar . قۇیونقۇزولار
qoyunquzular . گۈل چيچکلەر . آغاچ يارپاقلاری

- اسم جمع نیز به وسیله « لار، لار » به شکل زیر جمع بسته می‌شود:

اسم جمع ساده با پسوند: انل، انلر ellər . تۇپلوم، تۇپلوملار toplumlar . سورو sürü ،
سورولر sürülər . منشه، منشه لار meşələr

اسم جمع مرکب با پسوند: داغداشلیقلار، گۈل چيچکلیک لار ...

اسم جمع مرکب با تکرار صفت: چيرچيمنلیکلەر، بارباداملیقلار، یۇم یۇنجالیق لار ...

- اسامی که از سایر زبانها و بخصوص از زبان عربی گرفته شده و در زبان فارسی با اصول

زبان عربی جمع بسته می‌شوند، در دستور زبان ترکی همانند اسامی ساده و مرکب به سادگی با علامت « ل، لار » جمع بسته می‌شوند و نیازی به یاد گیری و به کار گیری علائم جمع عربی در این زبان موجود نیست. مثال:

متفق: متفق لر müttəfiqlər [متفقین]، خالق: خالقلار xalqlar [خلقها]، مخالف: مخالفلر
 موخالیفتلیکلر moxalifətlıklər، احتیاج: احتییاچلار ehtiyaclar، احتیاط: احتییاطلار،
 اتحادیه لر، جمعیت لر، حیزب لر، عالیم لر، اینسانلار ...

– بعضی از کلمات فارسی که وارد زبان ترکی شده اند همانند سایر کلمات به شکل زیر جمع بسته می‌شوند: دؤسلار (دوستلار)، قهوه خانلار، آبگوشلار ...
 دانشگاهلار، دانشمندلر، شاگردلر و....

جمع بستن اسم با اعداد (با تعداد معین):

اسم را می‌توان به وسیله عدد نیز جمع بست. اگر اسمی با اعداد (شماره) معین جمع بسته شود، دیگر نیازی به به کار گیری علامت جمع (لر، ل) نمی‌باشد. مثال:
 یکی آدم ikiadam، اون اوغلان on oğlan، یوز کیشی yüz kişi، مین قادین ...
 اون یۇلداش، آلتی کیشی، بئش قادین، اوچ تومن پۇل، یکی کیلو پنیر ...
 مینلر جه آدم، اونلار جا سازمان (قورولتای)، مینلر جه قویون، مینلر جه حیوان و...
 مینلر جه سورو، مینلر جه دسته، مینلر جه گروه، اونلار جا ناخیر ...

– ولی در مواردی اسامی عدد معین را به شکل زیر با علامت « ل، لار » جمع بسته و به عنوان عدد تقریبی (ما بین عدد معین و غیر معین) به شکل زیر به کار می‌گیرند:
 اونلار، یوزلر، مین لر، میلیونلار، میلیاردلار، منتیرلر، کیلومنتیرلر، هیکتارلار،
 آغاجلار، آرشینلار، مینلر کیلومنتر، اونلار هیکتار، یوزلر باتمان ...
 – با کلمات مقدار نا معین: چۇخلار، آزلار، آرتیققلار و...

عدد با علامت « جه » به شرح زیر به شکل صفت و قید نیز به کار گرفته می‌شود:
 اسم عددی با پسوند « جه، جا » و « لر » با مفهومی « مثل »، « تقریباً »، « حدوداً » به کار گرفته می‌شود. مثال: یوزلر جه آدم، یوزلر جه شَهر، مینلر جه آدم، مینلر جه آغاج،
 میلیونلار جا بالیق، میلیونلار جا اولدوز ...

(۴) فاعل:

فاعل کسی یا چیزی است که انجام عملی (در جمله) به آن نسبت داده شود.

فاعل می تواند در جمله به شکل انسان، حیوان و شیئی ظاهر شود. مثال:

- انسان به شکل فاعل: عباس [عباس] گلیر. *Əbbas gəlir.*

در جمله مذکور عباس کاری را انجام می دهد و فاعل می باشد.

احمد بۇگۈن بۇرايا گلیر. (*Əhməd bu gün buraya gəlir.*)

احمد کاری را انجام می دهد و او فاعل جمله محسوب می شود.

- حیوان و حشرات به شکل فاعل:

قۇزۇ اۇشاغى وۇرۇر. بولبول اۇخۇيۇر. كپە نك اۇچۇر. قۇيۇن مەلە ييىر.

- شیئی به شکل فاعل: آغاچ بۇيۇيۇر. *ağaç böyüyür.* (درخت رشد می کند.) ایلدیریم

آدامى وۇرۇدۇ. (*ıldırım adamı vurdu (vurdu)*) (برق آدم را زد.)

تیرین بۇگۈن گلیر. *tiren bu gün gəlir.* (قطار امروز می آید.) در

جملات مذکور آغاچ، ایلدیریم، تیرین و قۇزۇ فاعل هستند.

فاعل در جمله با علائم زیر شناخته می شود:

- فاعل در جمله در جواب سوال چه کسی « *kim* » و یا چه چیزی « *nə* »،

« *nəmə* » بیان می شود. مثال:

- جمله به شکل خبر: یاشار بۇگۈن گلیر. [یاشار امروز می آید.]

سوال: کیم بۇگۈن گلیر؟ *kim bu gün gəlir?* (چه کسی امروز می آید؟)

جواب: یاشار بۇگۈن گلیر. (امروز یاشار [فاعل] می آید.)

- بیان مطلب به شکل خبر: آغاچ بۇيۇيۇر. تیرین *tiren* بۇگۈن گلیر.

سوال: نە [نەمە] بۇيۇيۇر؟ « *nə* » (نە مەنە) بۇگۈن گلیر؟

جواب: آغاچ بۇيۇيۇر. [درخت رشد می کند.] تیرین بۇگۈن گلیر.

- بیان مطلب به شکل خبر: قۇچ وۇرۇر. [قۇچ مى زند.] قۇيۇن مەلە ييىر. قۇزۇ امير. ...

سوال: نە وۇرۇر؟ نە مەلە ييىر؟ نە امير؟ ...

جواب: قۆچ وۇرۇر. قۆيون مله يير، قۆزو أمير. و...

– فاعل می تواند در جمله به شکل مفرد، جمع، عام، خاص، ساده و مرکب و یا به شکل ضمیر به کار گرفته شود. مثال:

- ۱) فاعل به شکل اسم ساده و مفرد: کریم گلیر. (کریم اسم مفرد و خاص و معرفه است.)
- ۲) فاعل به شکل اسم مرکب: علی رضا گلیر. (علی رضا اسم مرکب و خاص و معرفه می باشد.)
- ۳) فاعل به شکل ضمیر مفرد: او بۇگون گله جک. (ضمیر در شکل فاعل)

بیان فاعل با فعل کامل و یا با فعل نا کامل:

– بیان فاعل در جمله به وسیله فعل کامل:

تئرنن ساعت ۸ ده گلدی. (قطار در سر ساعت ۸ آمد.)

در جمله مذکور کلمه « گلدی »، ترکیبی از ریشه فعل همراه با ضمیر متصل سوم شخص مفرد و علامت زمان گذشته (دی) می باشد. به عبارت دیگر جمله مذکور با فعل کامل به کار گرفته شده و فاعل نیز به طور مشخص، کاری را در زمان مشخصی انجام داده است. (به بخش فعل مراجعه شود.)

– بیان فاعل در ترکیب فعل ناکامل:

اگر جمله تنها با فعل « ایملک » (پسوند صرفی، بدون علامت دیگری) به کار گرفته شود، فعالیت و زمان کار فاعل مشخص و روشن نمی شود، بلکه تنها اسم (فاعل) معرفی می شود. مثال: (به نحوه صرف فعل « ایملک » در بخش فعل توجه کنید.)

اؤنون آدی یاشار دیر. او قیز چؤخ گؤزل و ادبلی دیر.

در دو جمله مذکور، « یاشار و قیز » معرفی شده اند، ولی آنها کاری را انجام نداده اند، اما اگر پرسیده شود، فاعل جملات مذکور چه کسانی هستند؛ در جواب گفته می شود، فاعل جملات مذکور « یاشار و قیز » می باشند.

– اسم و فاعل می تواند در جمله به شکل اسم مصدری، قیدی، صفتی ظاهر شده و به کار گرفته شود. مثال:

فاعل به شکل اسم: حسن گلیر.

فاعل به شکل اسم مصدر: گلمک چتین دیر. (گلمک به جای اسم به کار گرفته شده است.)
 فاعل به شکل اسم صفتی: یاخشی، پیسدن یاخشی دیر. (یاخشی در جای فاعل نشانده شده است.)
 فاعل به شکل اسم قیدی: زامان تئز گئچیر. زامان قیسادیر. زامان یوخ، واخ یوخ و...
 فاعل به شکل اسم عددی: اؤنلار (ایله) بیر، اؤلار اؤن بیر. (ده با یک می شود یازده.)
پسونده صرفی در جای اسم و فاعل:

اگر فاعل در جمله مشخص باشد، در مواردی برای کوتاه و یا برای زیبا کردن جمله، فاعل را از جمله حذف می کنند و به جای آن ضمیر شخصی و یا پسوند صرفی را به کلر می گیرند: حسن دونن گلدی و حسن بؤگون گئندی.

در جمله مذکور « حسن » به عنوان اسم و فاعل و علامت « گذشته » به شکل « دی » دو مرتبه تکرار شده است، که یکی از آنها را می توان حذف کرد و به اشکال مختلف زیر در آورد و به کار گرفت. مثال:

حسن دونن گلدی و او بؤگون گئندی .

- از جمله مذکور می توان حرف ربطی (و) را نیز حذف کرد و به جای آن « کما » به کار گرفت. مثال:

حسن دونن گلدی، بؤگون گئندی.

- از جمله مذکور می توان یکی از دو علامت گذشته (دی) را حذف کرد و به جلی آن پسوند « ایب » را (که فعل آخری را در خود انعکاس می دهد) به فعل اولی پیوند زد. مثال:

حسن دونن گلیب و او بؤگون گئندی. (در جمله فاعل و علامت گذشته از پسوند « دی » فهمیده می شود.) از جمله مذکور می توان ضمیر شخصی و حرف ربطی (و) را نیز به شکل زیر حذف کرد: حسن دونن گلیب، بؤگون گئندی [گئندی].

از جمله مذکور می توان « کما » را نیز حذف کرد:

حسن دونن گلیب بؤگون گئندی.

فعل، به عنوان فعل و فاعل جمله:

در مواردی در محاوره، اگر فاعل برای طرفین صحبت کننده مشخص و آشنا (اسم معرفه) باشد، اسم آن را از جمله حذف می‌کنند. مثال:

- جمله خبری: حسن منہ دئمیشدی کی، او بۇگون بۇر ایا گله جك، آما او گلمه دی.

جواب: عجله انله مه، گلر. (به جای، سن حوصله انيله، او گلر.)

در جمله «حوصله انيله، گلر»، اثری از فاعل و ضمیر وی نیست، ولی

آن در ترکیب کلمه «گلر galər» به شکل پنهانی بیان شده است.

سوال: سن نجه سن؟ (حال تو چطور است؟)

[نه جور سن؟ نه سیل سان؟]

جواب: یاخشی یام، ساغ اول [بجای من یاخشی یام، سن ساغ اول]. دو کلمه «یاخشی یام، ساغ اول» بدون

ضمیر شخصی به کار گرفته شده و فاعل به شکل پنهانی در صرف فعل «ایمک» بیان می‌شود.

- تعارف: بۇیۇرون بیرچای ایچین! (بجای: سیز بۇیورونوز [بۇر ایا، انوه] بیرچای ایچینیز.)

جواب و تشکر: ساغ اولون، آغزینیز شیرین اولسون، واخ یوخ، گرک گندم. (بجای: سیز ساغ

اولونوز، سیزین آغزینیز شیرین اولسون، منیم واختیم یوخدور؛ من گرک گندم.)

- جمله خبری: حسن دونن بیزه گلدی، بۇگون دوروب گنتدی.

جواب به شکل زیر با حذف اسم بیان می‌شود:

آی باب! او انله کنچن ایلده گلیب ایکی گون قالدی، «دندی گندیرم»، بیزنه قدر یالواریق کی

«بابا بۇجور اولماز، بیر ایکی هفته قال، سؤنرا گنت»، حکمن دندی «یو یو اولماز، انله بیر بئله بس

دیر»؛ انله بۇجور دوروب «شیطان آتینا مینیب»، شی شو یون ییغیب باغلادی و بیزی ده باخابا

قویوب، خدا حافظ له شدی و چیخیب گنتدی.

- در رابطه با حذف فاعل و بیان آن به وسیله فعل «ایمک»، به شعر زیر توجه کنید:

صمد وورغون:

یخیلیب یانینا اولمک ایسته رم آنالیق مهرینی گورمک ایسته رم

در شعر مذکور، شاعر خودش فاعل است، ولی وی اسم و ضمیر خود را حذف کرده است.

۵) اسم فاعلی،

کلمه ای است، که از ترکیب اسم و علامت (پسوندهای فاعلی) «چی» ساخته شده و فاعلیت شغلی شخص را در خود انعکاس می‌دهد.

علامت اسم فاعلی (چی çı) از ترکیب یک حرف بی‌صدا (ç) و یک حرف صدادار (i) تشکیل می‌یابد و حرف بی‌صدا (چ) در مواردی در بین دو حرف صدادار به شکل حرف «ج» (در فرم قدیمی) صرف می‌شود و حرف صدادار آن نیز با هماهنگی بزرگ به شکل «i, ı, ü, u» به کار گرفته می‌شود. برای مثال در جدول زیر به طریقه ساختن اسامی مختلف مصدری توجه کنید:

اسم فارسی	اسم ترکی	اسم فاعلی فارسی	اسم فاعلی ترکی
کار	ایش	کارگر	ایشچی
آهن	دَمیر	آهنگر	دَمیرچی
نوشته	یازی	نویسنده	یازیچی (ci)
بیابان	چؤل	بیابانگرد	چؤلچؤ
قایق	قایق	قایق ران	قایقچی (ci)
دَر	قاپی	دربان	قاپیچی (ci)
کشتی	گَمی	کشتی ران	گَمیچی (ci)
راه	یؤل	راه بان	یؤلچؤ
سر	باش	سردار	باشچی

گول: گولچؤ، معدن: معدنچی، ساغ: ساغچی، اؤت: اؤتچؤ و ...

- اسم فاعلی در جمله، به شکل زیر به کار گرفته می‌شود:

من کارگر هستم. (من کارگرم.) من ایشچی یم.

من ایشچی یم و بۇرادا ایشله بیرم (ایشلیرم).
 من ایشچی یم və burada işləyirəm .

من ایشچی اولاراق بۇرادا ایشله ییرم (ایشلیرم).
 mən işçi olaraq burada işləyirəm.
 من اؤیرنجیم. (شاگیردم، من دانشجویام).
 mən şagirdəm (öyrənciyəm).
 من اؤیرنجی اولاراق بیر ایل دیرکی، بۇرادا یاشاییرام (من شاگیردم و بیر ایلدیر کی بۇرادا
 یاشاییرام). [یاشیرام].
 mən şagird (öyrənci) olaraq, bir ildir ki burada yaşayıram.
 من اؤیرنجیم و بیر ایلدیرکی، بۇرادا یاشاییرام.

اسم فاعلی همانند سایر کلمات با فعل «ایمک» برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی کوچک و برای سایر ضمائر شخصی با هماهنگی بزرگ صرف می شود:

اسم	سبدچی	دمیرچی	قایقچی	سوروجو (چو)	قۇروخچو (محافظ)
من	سبدچی یم	دمیرچی یم	قایقچی یام	سوروجو یم	قۇروخچو یام
سن	سبدچی سن	دمیرچی سن	قایقچی سان	سوروجو سن	قۇروخچو سان
اؤ	سبدچی دیر	دمیرچی دیر	قایقچی دیر	سوروجو دور	قۇروخچو دور
بیز	سبدچی بیک	دمیرچی بیک	قایقچی بیک	سوروجو بوک	قۇروخچو بوق
سینیز	سبدچی سینیز	دمیرچی سینیز	قایقچی سینیز	سوروجو سونوز	قۇروخچو سونوز
اؤنلار	سبدچی دیرلر	دمیرچی دیرلر	قایقچی دیرلار	سوروجو دورلر	قۇروخچو دورلار

توجه: در موارد کمی، حرف «چ» در بین دو حرف صدادار به شکل «ج» تلفظ می شود. مثال:
 سوروجو، قایقچی (قایقچی) و...

– اسم فاعلی با پسوند «لر، لار» به شکل زیر جمع بسته می شود:
 دمیرچیلر، ایشچی لر، باخچی لار، یازیچی لار، قوشچولار، اؤغچولار، چالچیلار،
 دوه چی لر، آتچی لر، اؤتچولار و...

– اسم فاعلی به وسیله عدد معین نیز به شکل زیر جمع بسته می شود:
 ایگی دمیرچی، اؤن ایشچی، یوز یازیچی، یوز اؤغچو و...

(۶) مصدر:

(a) مصدر کلمه ای است، که از دو بخش تشکیل می‌یابد، بخش اول آن را ریشه مصدر (ریشه فعل) و قسمت دوم آن را پسوند مصدری (علامت مصدری) می‌نامیم.

در زبان ترکی آذربایجان علامت مصدری پسوند « ماک mək » و « ماق maq » می‌باشد. پسوند « ماق maq » به افعالی (ریشه مصدرهائی) پیوند می‌خورد، که آخرین حرف صدادر آنها با آهنگ پائینی و با یکی از چهار حرف « a , ı , o , u » می‌باشد؛ پسوند « مک mək » به افعالی پیوند می‌خورد، که آخرین حرف صدادر آنها با آهنگ بالائی و با یکی از پنج حرف « ü , ö , ı , e , ə » می‌باشد. مثال:

یک) ریشه مصدر و یا فعلی که آخرین حرف صدادر آن با آهنگ بالائی و با یکی از پنج حرف « ü , ö , ı , e , ə » باشد، به شکل زیر با پسوند « ماک mək » به کلمه مصدری تبدیل می‌گردد:

ریشه مصدر (ریشه فعل و یا فعل ساده)					پسوند مصدری
g ə l	get	iç	döz	düş	} ماک mək
ə l ə	ye	din	söy	gül	

– لطفاً به طریقه ساختن مصدرهای زیر نیز توجه کنید:

(ə) ریشه مصدر و یا فعلی، که آخرین حرف صدادر آن « ə » می‌باشد:

گلمک gəl,mək ، دلمک dəl,mək ، آلمک mək ، سپمک سپمک ، سرمک سرمک و...

(e) ریشه مصدر و یا فعلی، که آخرین حرف صدادر آن « e » می‌باشد:

انتمک et,mək ، یتمک ye,mək ، دتمک دتمک ، گتمک گتمک ، وئتمک وئتمک ، سئتمک سئتمک ، دئتمک دئتمک و...

(i) ریشه مصدر و یا فعلی، که آخرین حرف صدادر آن « i » می‌باشد:

ایچمک iç,mək ، بیتمک bit,mək ، بیلمک بیلمک ، سیلمک دینمک ، بیشمک بیشمک و..

ö (ریشه مصدر و یا فعلی، که آخرین حرف صدادر آن « ö » می باشد:
 اۆپمک öp,mək ، دۆنمک dön,mək ، گۆرمک ، اۆتمک ، سۆنمک و...
 ü (ریشه مصدر و یا فعلی، که آخرین حرف صدادر آن « ü » می باشد:
 دوزمک düz,mək ، دوشمک düş,mək ، گولمک ، سورمک ، اوشومک ، سوزمک و...
 - مصدر در جمله به شکل زیر به کار گرفته می شود:

صمد وورغون: ییخیلیب یانینا اۆلمک ایسته رم آنالیق مهرینی گۆرمک ایسته رم
 - در رابطه با مصدر به شعر زیر نیز توجه کنید:

هیدجی: بیل حقی مصدر کیمی اصل کلام عافم حقیین کلماتی تمام
 مصدر و مشتق ده یوخ فرق چوخ مصدر اگر اولمایا، مشتق یوخ
 دو) ریشه مصدر و یا فعلی که آخرین حرف صدادر آن با آهنگ پائینی و با
 یکی از چهار حرف « a, ı, o, u » باشد، به شکل زیر با پسوند
 «maq» به مصدر تبدیل می شود:

ریشه افعال (ریشه مصدر)					پسوند مصدری
al	yix	don	dur	ξ	maq ماق

- لطفاً به طریقه ساختن مصدرهای زیر نیز توجه کنید:

a (ریشه مصدر و یا فعلی، که آخرین حرف صدادر آن « a » می باشد:
 آماق al,maq ، قالماق qal,maq ، سالماق ، تاپماق ، دانماق ، یازماق و...
 ı (ریشه مصدر و یا فعلی، که آخرین حرف صدادر آن « ı » می باشد:
 ییغماق yığ,maq ، سیخماق six,maq ، ییخماق ، قیلماق ، جیرماق و...
 o (ریشه مصدر و یا فعلی، که آخرین حرف صدادر آن « o » می باشد:
 اؤلماق ol,maq ، دؤلماق dol,maq ، سؤلماق ، دؤلماق ، سؤیماق ، قؤیماق و...
 u (ریشه مصدر و یا فعلی، که آخرین حرف صدادر آن « u » می باشد:
 اؤتماق ut,maq ، تؤتماق tut,maq ، بؤلماق ، دؤرماق ، قؤرماق و...)

- مصدرهایی که آخرین حرف صدادار ریشه آنها با یکی از چهار حرف « a, i, o, u » می باشد (مثل: قالماق، سالماق) در مواردی به ویژه در محاوره به نا درست به شکل « قاتماخ، سالماخ » صرف می شوند؛ ولی همین مصدرها را در حالت های تصریفی به شکل صحیح مثل « قالماغیم »، « سالماغیم »، صرف می شوند. با این وصف که « ق » حرف بی صدای ضعیفی است، که در بین دو حرف صدادار به « غ » تبدیل می شود، در صورتی که حرف « خ » تغییر صدا نمی دهد. برای مثال در جدول زیر به صرف کلمات مختلف (به شکل صحیح و نادرست) توجه کنید:

تغییر حرف در صرف کلمه	نحوه صرف محاوره ای	اصل ادبی کلمه	تغییر حرف در کلمه	نحوه صرف محاوره ای	اصل ادبی کلمه
قالماغیم	قالماخ	قالماق	آلماغیم	آلماخ	آلماق
سینماغیم	سینماخ	سینماق	ییمخماغیم	ییمخماخ	ییمخماق
اؤخوماغیم	اؤخوماخ	اؤخوماق	قؤخماغیم	قؤخماخ	قؤخماق
دؤیماغیم	دؤیماخ	دؤیماق	سؤلماغیم	سؤلماخ	سؤلماق
قؤرماغیم	قؤرماخ	قؤرماق	دؤرماغیم	دؤرماخ	دؤرماق
صحیح	نادرست	صحیح	صحیح	نادرست	صحیح

- چنانکه، ملاحظه می شود، مصدر « آلماق » و صرف « آلماغیم » صحیح و مصدر « آلماخ » نادرست می باشد.

- کلمات مصدری به شکل زیر در حالت های تصریفی صرف می شوند. مثال:

گلمک: منیم گلمه ییم *mənim gəlməyim* ، گولمک: منیم گولمه ییم *mənim gülməyim*
 قالماق: سنین قالماغین *sənin qalmağın* ، دانیشماق: اونون دانیشماغی *onun danışmağı*
 سئومک: سئومه ییم ، یاتماق: یاتماغیم ، بانناماق: خوروسون بانناماغی ...

(b) مصدر از لحاظ ترکیب:

چنان که قبلاً اشاره شد، مصدر کلمه ای است، که از دو بخش تشکیل می‌یابد، قسمت اول آن را ریشه مصدر (ریشه فعل) و قسمت دوم آن را پسوند مصدری می‌نامیم. چنین مصدرهایی را در زبان ترکی می‌توان « مصدرهای ساده » نامید؛ چرا که در این زبان با پسوندهای مختلف می‌توان فعل ترکیبی و مرکب ساخته و با پیوند زدن علامت مصدری آنها را به مصدرهای جدیدی تبدیل کرد و به کار گرفت. برای مثال به نمونه هائی از آن توجه کنید:

- ریشه فعلی که با حروف نفی « مە » همراه شود با پسوند « مك » به مصدر نفی تبدیل می‌گردد:

مك mək	}	düşmə	dözmə	içmə	getmə	gəlmə	با پسوند « مە »
--------	---	-------	-------	------	-------	-------	-----------------

نفی مصدر: گلە مك، گئتمە مك، ایچمە مك، دۈزمە مك، دوشمە مك و...

- در زبان ترکی، کلمات مختلف (اسم، صفت، قید) را می‌توان با علائم « لە، لا » به شکل فعل در آورد و با پیوند زدن علامت مصدری آنها را به مصدر جدیدی تبدیل کرد:

- نحوه ساختن فعل: قار: قارلا. قیر، قیرلا. اۋد: اۋدلا. دۈز: دۈزلا سۇ.

یئر: یئرلە. یئل: یئللە. بئل: بئللە بۇران. و...

- افعال مذکور به شکل زیر به مصدر تبدیل می‌شوند:

ماق maq	}	duz,la	son,la	qır,la	qar,la	}	افعال ترکیبی با پسوند « لا »
---------	---	--------	--------	--------	--------	---	------------------------------

- به مصدرهائی که با کلمات مختلف ساخته می‌شوند، توجه کنید:

مصدری که از صفت ساخته می‌شود: اۋجا، اۋجالماق، اۋجالدیرلماق و..

یاشیل، یاشیللماق، یاشیللاتماق و...

مصدری که از کلمه قیدی ساخته می‌شود: گنج، گنجلە مك، گنجلە نمک و...

مصدری که با قید عددی ساخته می‌شود: بیر، بیرلە مك، بیرلە شمک، بیرلە شیلیمک و...

- مصدرهایی که با ترکیب دو فعل با يك میانوند (a ، ə) همراه پسوند مصدری

ساخته می‌شوند. مثال: گوله بیلمك، ییخابیلمك، قاچا بیلمك، سالا بیلمك و...
مصدر مرکبی که با دو مصدر ساخته می‌شود:

گلمك بیلمك، یئمك بیلمك، اوخوماق بیلمك و...

- مصدر مرکبی که با ترکیب دو فعل همراه یک میانوند «ایب» و پسوند مصدری ساخته می‌شود: چیخیب دوشمك، گلیب گنتمك، دوروب اوتورماق و...

۷) اسم مصدری:

اسم مصدری به کلمه ای گفته می‌شود، که به آخر آن حروف اضافه و پسوندی «لیق»، لیک، لوق» پیوند بخورد.

پسوند «لیک»، «لوق» را می‌توان به کلمات مختلف از جمله اسم، صفت، قید، عدد پیوند زد و آنها را به اسم مصدری تبدیل کرد. مثال:

اسم:	آداملیق،	قارداشلیق،	ننه لیک،	باجی لیق،	دهه لیک و...
صفت:	یاخشلی لیق،	پیسلیک،	اوجالیق،	آچاق لیق،	بویوکلوک و...
قید:	هفته لیک،	آیلیق،	تنزلیک،	حله لیک،	صاباحلیق و...
عدد:	بیرلیک،	یوزلوک،	اونلوق،	مین (بین) لیک و...	

آخرین حرف علائم مصدری دو حرف ضعیف «ق» و «ک» می‌باشد، که در صرف در بین دو حرف صدادار به حرف «غ، ی» تغییر شکل می‌دهند. مثال:

آداملیق: آداملیغیم و...

یوزلوک: یوزلویوم و...

حرف صدادار پسوند «اسم مصدری» با هماهنگی بزرگ به چهارشکل (که دو فرم آنها با حروف صدادار با آهنگ بالائی و دو فرم دیگر آنها با آهنگ پائینی می‌باشد) صرف می‌شوند:

کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از چهار حرف صدادار «a, i, o, u» باشد، به دو شکل زیر به اسم مصدری تبدیل و با هماهنگی

بزرگ صرف می‌شود:

فرم اول) کلمه ای که آخرین حرف صدادر آن با یکی از دو حرف « a,ı » می‌باشد:

اسامی مصدری با پسوند « ııq »		}	کلمات ساد ه		
فارسی	ترکی		فارسی	ترکی	نام کلمه
بادام زار	badam,ııq	}	بادام	badam	اسم
خوبی	yaxşı,ııq		خوب	yaxşı	صفت
یایلیق	yay, ııq		تابستان	yay	قید
میلیاردی	milyardlıq		میلیارد	milyard	عدد
هستی	varlıq		وار	var	فعل
			هست		

فرم دوم) کلمه ای که آخرین حرف صدادر آن با یکی از این دو حرف o,u باشد، به شکل زیر صرف می‌شود:

اسامی مصدری با پسوند « luq »		}	کلمات ساد ه		
فارسی	ترکی		فارسی	ترکی	نام کلمه
نیستی	yox,luq	}	نیست	yox	یوخ
شن زار	qum ,luq		شن	qum	قؤم
خویشاوندی	qohum ,luq		خویش	qohum	قۆهوم
بندگی	qulluq		بنده	qul	قؤل
ده تومنی	onluq		ده	on	اؤن

- کلمه ای که آخرین حرف صدادر آن با آهنگ بالائی و با یکی از پنج حرف صدادر « ə, e, ı, ö, ü » باشد، به دو شکل زیر به اسم مصدری تبدیل می‌شود:

يك فرم) كلمه اى كه آخرين حرف صدا دار آن با يكي از اين سه حرف « a, e, i » باشد ، به شكل زير صرف مى شود:

اسم مصدرى با پسوند « lik »		اسم ساده	
فارسی	ترکی	فارسی	ترکی
چمن زار	çimən,lik	چمن	çimən
کشاورزی	əkinçilik	کشاورز	əkinçi
کارگری	işçi, lik	کارگر	işçi
دانشوری	bilgilik	دانش	bilgi
بدی	pis,lik	بد	pis
پنجاه تومنى	əlilik	پنجاه	əli

دو فرم) كلمه اى كه آخرين حرف صدا دار آن با يكي از دو حرف « t,ä » باشد، به شكل زير صرف مى شود:

فارسی	ترکی	فارسی	ترکی
پیش بند	ön,lük	پیش	ön
لغت نامه	söz,lük	حرف	söz
راستی	düz,lük	راست	düz
گلزار	gül,lük	گل	gül
صد تومنى	yüzlük	صد	yüz

- اسم مصدرى به شكل زير در حالتهاى تصریفى صرف مى شود:

سۆزلویوم: سوزلویومه ، سۆزلویومده ، سۆزلویومدن ، سۆزلویومو ، سۆزلویومون

قۇملوق (شىنزار): قۇملوغا، قۇملوقدا، قۇملوقدان، قۇملوغو، قۇملوغون ...

اسم مصدرى در تركيبات گوناگون زير نيز به كار گرفته مى شود:

- با تركيب دو اسم:

dosduşmanlıq	دۇسدۇشمانلىق	دۇسدوشمان:	nənədədəlik	ننه دده لیک
otələflik	اوت علفلیک	اوت علف:	dağdaşlıq	داغداشلیق
bacıqardaşlıq	باجی قارداشلیق	باجی قارداش:	nənəbalalıq	ننه بالالیق

تۇز تورپاق، تۇزتورپاقلىق. كت شالوار، كت شالوارلىق. قير قوم، قير قوملوق.

بار باداملىق، دوم دوزلوق، دام داشلىق ...

اسم مصدرى را مى توان همانند ساير كلمات به شكل زير با علائم « لار، لر » جمع

بست و به كار گرفت. مثال:

almalıqlar	آلمالىق لار	çətinliklər	چتىنلىك لار
otluqlar	اوتلوق لار	önlüklər	اۆنلوك لار
xıyarlıqlar	خىيارلىق لار	meşəliklər	مئشه لىكلر

پىسلىك لار، قانمامزلىق لار، ياخشى لىقلار، اينسانلىق لار، دۇسلوق لار،

يۇنجالىق لار، كوللوكلر، ...

- كلمه مركب: داغداش لىقلار، چيرچىمنلىكلر، تۇزتورپاقلىقلار ...

- با تركيب صفت تكرارى:

dümdüzlük	دوم دوزلوك	دوم دوز:	çirçimənlik	چيرچىمنلىك
çirçişəklik	چيرچىچكلىك	چيرچىچك:	bomboşluq	بۇم بۇشلوق

مئر مئشه لىك، بار باداملىق، قام قارانلىق، سئر سئفئحلىك،

دوم دوزلوك، يام ياشىللىق، زىم زىغلىق، مئر مئشه لىك ...

- كلماتى كه از ساير زبانها وارد زبان تركى شده اند، همانند كلمات تركى به وسيله

پسوند مصدری (لیک، لیتق، لوق)، به اسم مصدری تبدیل شده و با مفهوم جدیدی به کار گرفته می‌شوند. مثال:

کلمات عربی: انسان insan، اینسانلیق insanlıq. حلال həlal، حلالیق həlalıq. عمّله، عمله لیک (ایشچیلیک). عالیم، عالیم لیک. اتحادلیق، عدالتچی لیک. اشتراکچی لیتق. شراکتلیک. متفیقلیک. عداوتلیک. دین چیلیک. امت چیلیک. ارتجاعچیلیق. مؤالیق. حزب الله چیلیق، شیطانلیق، شیطانچی لیتق و... کلمات غربی: منتیرلیک. کیلومتیرلیک. هنکتارلیق. کمونیستچیلیک. ایشچیلیک. فاشیست چیلیک. پروفوسورچولوق. و...

- کلمات مذکور به شکل زیر در حالت‌های تصریفی صرف می‌شوند. مثال:

منیم اینسانلیغیم، سنین اینسانلیغین، اونون اینسانلیغی، بیزیم اینسانلیغیمیز، سیزین اینسانلیغینیز، اولارین اینسانلیقلاری و...

- از کلمات فارسی نیز می‌توان اسم مصدری ساخت. مثال:

دوس (دوست)، دوس دوشمان، دوس دوشمانلیق، دوسدوشمانچیلیق کارگرچیلیک، بیکارچیلیق، همکارچیلیق. و...

- اسم مصدری را می‌توان در ترکیبات مختلف زیر نیز به کار گرفت:

یاخشیلیق ائتمک (خوبی کردن)، یونجالیق اکمک (یونجه زار کاشتن)، اینسانلیق بیلیمک (طریقه انسانیت)، اینسانلیق ائتمک، اینسانلیق آنلاماق، پیسلیک ائتمک، سیرتیخلیق ائتمک، قارداشلیق ائتمک، اوستونلوك وئرمک، پیسلیک ائتمک، یاخشی لیتق ائتمک، سئفح لیک ائتمک، آداملیق بیلیمک، آداملیق قانماق، حیوانلیق ائتمک، دوشمانلیق ائتمک، عداوت لیک ائتمک و...

توجه: - کلمات مذکور را می‌توان جمله ناکامل نیز به حساب آورد.

- کلمات مذکور را می‌توان به شکل زیر در جای اسم به کار گرفت. مثال:

سیرتیخلیق ائتمک (اندمک) هر آدامین ایشی دنگیل.

بیری ایله دوشمانلیق ائتمک، منطق دن اوزاق دیر.

بخش چهارم:

۱) ضمایر شخصی و مسائل مختلف در این رابطه:

ضمیر به کلمه ای گفته می‌شود که در جمله جایگزین اسم گشته و شخص و یا شی مورد نظر را در خود منعکس می‌کند.

ضمایر شخصی در ترکیب جمله به دو شکل، یعنی به شکل « منفصل » (جدا از کلمات دیگر) و « متصل » (پیوسته در شکل پسوند) به کار گرفته می‌شوند:

الف) ضمایر منفصل شخصی، ضمایری هستند که به شکل زیر مستقل و جدا از کلمات دیگر به کار گرفته می‌شوند:

نام ضمایر شخصی فارستی	فارسی	ضمایر منفصل ترکیبی
ضمیر اول شخص مفرد	من	mən من bən بَن
ضمیر دوم شخص مفرد	تو	sən سن
ضمیر سوم شخص مفرد	او	o او bu، şu
ضمیر اول شخص جمع	ما	biz بیز
ضمیر دوم شخص جمع	شما	siz سیز
ضمیر سوم شخص جمع	آنها	onlar اونلار

در رابطه با ضمایر منفصل شخصی به مطالب زیر توجه کنید:

- a) ضمایر شخصی در زبان ترکی جنسیت (نر، ماده) نمی‌شناسد.
- b) ضمایر سوم شخص مفرد و جمع (او، بُو، اونلار، بُونلار)، ضمایر اشاره ای نیز محسوب می‌شوند.
- c) ضمیر سوم شخص مفرد و جمع (او، بُو، اونلار، بُونلار) در رابطه با حیوانات و اشیاء نیز به کار گرفته می‌شود.
- d) ضمیر شخصی و اشاره ای سوم شخص جمع (اونلار onlar، بُونلار) کلمات مرکبی هستند، که

به شکل زیر از سه بخش تشکیل می‌یابند، اما آنها دو سیلابی هجی می‌شوند. مثال:

- تجزیه کلمه « اؤنلار »:

(۱) اؤ: ضمیر شخصی، (۲) « ن »: حرف اضافه، (۳) لار: علامت جمع

- هجی کلمه « اؤنلار »: (۱) اؤن، (۲) لار

(k) کلمه « اؤنلار، بؤنلار»، در محاوره به شکل « اؤلار » و « بؤلار » نیز بیان می‌شوند.

(m) ضمیر اول شخص مفرد در زبان ترکی « بن bən » می‌باشد، که امروزه آن به شکل « من mən »

بیان می‌شود:

جمع « بن bən » می‌شود « بیز biz » ،

جمع « سن sən » می‌شود « سیز siz » و

جمع « اؤ o » می‌شود « اؤنلار onlar ».

چنانکه ملاحظه می‌شود، اولین حرف ضمیر شخصی مفرد و جمع به یک شکل (sən, biz, bən)

(onlar, o + siz) به کار گرفته می‌شوند، در صورتی که اولین حرف کلمه « من mən » با کلمه

« بیز biz » هم شکل نمی‌باشد و « من mən » را نمی‌توان به شکل « میز miz » جمع بست.

کلمه « بن bən » امروزه در ترکی آذربایجان به شکل « من mən » صرف می‌شود، در نتیجه در این

کتاب نیز به شکل « من » به کار گرفته می‌شود. در کتب و اشعار قدیمی (همانند ترکی استانبولی)

ضمیر اول شخص مفرد را به شکل « بن bən » نیز به کار برده اند. برای مثال به شعری از

خلیلی توجه کنید:

نییته کیم عشقینده بِن فریاد و افغان انیله رم مرغ جانی هر سحر شوقیله نالان انیله رم

(z) در صرف افعال، ضمیر شخصی در جمله به دو فرم (به شکل منفصل و متصل) تکرار

می‌شود. مثال:

من گلیرم. من گندییرم. گولورم. و...

در جمله « من گلیرم »، ضمیر شخصی یک بار به شکل ضمیر منفصل (من) و یک بار دیگر به

شکل ضمیر متصل (صرف فعل ایملک: ام) به کار گرفته می‌شود.

- در مواردی پسوند صرفی (دیر) را از سوم شخص مفرد و جمع حذف می‌کنند. مثال:

« اؤ گلیردیر »، به شکل « اؤ گلیر » و « اؤنلار گلیردیرلر »، به شکل « اؤنلار گلیرلر » صرف می‌شود.

۲) ضمائر منفصل و متصل شخصی:

ضمائر متصل شخصی کلماتی هستند، که از صرف فعل (ریشه مصدر) «ایمک» به وجود می‌آیند و به شکل پسوند صرفی به کلمات مختلف پیوند می‌خورند. به عبارت دیگر مصدر «ایمک» از دو بخش (سیلاب) ترکیب می‌یابد، که بخش اول آن حرف صدادر «i» (که در صرف به شکل ضمیر متصل شخصی در می‌آیند) و بخش دوم آن پسوند مصدری (mæk) می‌باشد.

- مصدر «ایمک» برعکس سایر مصدرها، به شکل مصدر به کار گرفته نمی‌شود، بلکه ریشه آن به شکل «ام، سن، دیر» (هستم، هستی) و گذشته آن به شکل «دی، ایمیش» (بودم، بودی) و... برای ضمائر شخصی صرف می‌شود. پسوند صرفی فعل ایمک (مثل: ام، سن، ایک) در مباحث مختلف این کتاب با نامهای مختلف (ریشه مصدر ایمک، ریشه فعل، پسوند صرفی و ضمیر متصل شخصی) به کار گرفته می‌شود:

- در جدول زیر فعل «ایمک» (پسوند صرفی) به تنهایی به شکل ضمیر متصل و یا به شکل ضمیر منفصل صرف می‌شود، لطفاً به آنها توجه کنید:

فارسی	ت ر ک ی			
	ضمیر متصل شخصی	ضمیر منفصل	صرف ضمیر منفصل و متصل برای ضمائر شخصی	صرف ضمائر
من هستم	am، ام	mən، من	mən, əm، منم	
تو هستی	sən، سن	sən، سن	sən, sən، سن سن	
او است	dur، دور	o، او	o, dur، او دور	
ما هستیم	ik، ایک	biz، بیز	biz, ik، بیزیک	
شما هستید	siniz، سینیز	siz، سیز	siz, siniz، سیز سینیز	
آنها هستند	dırlar، دیرلار	onlar، اونلار	onlar, dır (lar، اونلار دیر (لار)	

- در رابطه با فعل ایمک (ضمیر متصل شخصی) به مطالب زیر توجه کنید:

a) ضمیر سوم شخص مفرد (o) و جمع (onlar) با حرف صدادر با آهنگ پایینی ساخته می‌شود، در نتیجه پسوند آنها نیز با حروف صدادر با آهنگ پایینی به کار گرفته می‌شوند. مثال:

o , onun , onunku . onlar , onların , onlarınkılar.

b) فعل «ایمک»، فعلی است که اسم و موقعیت آن را معرفی و کلمات مختلف جمله را به یکدیگر ربط می‌دهد، ولی عمل و زمان کارِ فاعل را روشن نمی‌کند. مثال: يك) او حسن دیر. o , Həsən dir. (او حسن است).

- چنانکه ملاحظه می‌شود کلمات مختلف جمله به کمک پسوند صرفی (دیر)، به هم ربط داده می‌شوند.

- با وجودی که در جمله مذکور اشاره ای به فاعلیت حسن نشده است، ولی پسوند « دیر » فاعل بودن حسن را نشان می‌دهد و در نتیجه حسن فاعل جمله محسوب می‌شود.

دو) حسن یاخشی آدم دیر. Həsən yaxşı adam dir. [او آدم خوبی است.]

در جمله مذکور حسن فاعل جمله محسوب می‌شود. از صرف فعل ایمک چنین فهمیده می‌شود، که بیان کننده جمله از قبل با حسن آشنایی داشته است، به همین دلیل نیز می‌تواند به کمک فعل ایمک موقعیت (خوب و بد بودن) حسن را دانسته و معرفی کند. بدین سان فعل « ایمک » به عنوان فعل ربطی و کمکی به کار گرفته می‌شود.

۳) طریقه صرف کلمات با فعل « ایمک » ... :

فعل « ایمک » در صرف کلمات مختلف به شکل پسوند (پسوند صرفی، یا ضمیر متصل شخصی) به آنها پیوند می‌خورد.

فعل « ایمک » به عنوان پسوند صرفی، در صرف کلمات تغییر شکل می‌دهد و به همین دلیل آن را فعل بی‌قاعده می‌نامیم. توجه شود که در زبان ترکی، تنها يك فعل بی‌قاعده موجود است، که آن همین فعل « ایمک » می‌باشد که به اشکال زیر در صرف، تغییر شکل می‌دهد:

a) فعل ایمک به عنوان پسوند صرفی در صرف اشکال مختلف فعل تغییر شکل داده و در ترکیبات متفاوت به کار گرفته می‌شود. مثال:

گله سن، گلدین، گلمیش (سن، دین، میش) ...

(b) در صرف فعل «ایمک» قانون هماهنگی به درستی به کار گرفته نمی‌شود، با این مفهوم که در قانون هماهنگی، حروف صدادارِ پسوندها به یک فرم یعنی با هماهنگی بزرگ و یا با هماهنگی کوچک به کار گرفته می‌شوند، در صورتی که حرف صدادار فعل ایمک (i) در مواردی برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی کوچک و برای سایر ضمائر شخصی با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود.

(c) در صرف فعل ایمک، حروف بی‌صدا به آن افزوده می‌شود و تغییر شکل می‌دهد. مثال: گلدی، گلسین، گله جک (دی، سین، اجک) ...
تغییرات فعل ایمک به شرح زیر می‌باشد:

من ام، سن سن، اؤ دؤر، بیز یک، سیز سنیز، اؤنلار دیرلار (ام، سن، دؤر، ایک، سینیز، دیرلار) - برای آشنائی با طریقه صرف فعل «ایمک» به جدولهای زیر توجه کنید:

کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از این چهار حرف صدادار با آهنگ پائینی (a, i, o, u) باشد، به شرح زیر با هماهنگی بزرگ و کوچک به کار گرفته می‌شود: [هماهنگی کوچک به دو شکل صرف می‌شود: (۱) ə, e, i, ö, ü = ə، (۲) a, i, o, u = a] کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با یکی از این چهار حرف «a, i, o, u» باشد، به شکل زیر با هماهنگی کوچک برای اول شخص مفرد صرف می‌شود:

آخرین حرف صدادار کلمه	پسوند صرفی	صرف کلمات مختلف با فعل «ایمک»
a	am	من یاشارام mən Yaşar,am
i	am	من عاشیغام mən aşığ,am
o	am	من توخام mən tox,am
u	am	من یورقونام mən yorqun,am
فرمول هماهنگی a, i, o, u = a		

- کلمات زیر نیز با پسوند «am» صرف می‌شوند:

من یازیرام (am) yazıram، قیریرام، سالیرام، قاندریرام، من اؤخویورام

oxuyuram (am) ، دۇلورام ، يۇنورام ، اۇلورام ، سۇلورام ...
 (b) كلمه اى كه آخريين حرف صدا دار آن با آهنگ پائينى و با يكي از اين چهار حرف « a , i , o , u » باشد، به شكل زير با هماهنگى كوچك براى دوم شخصى مفرد صرف مى شود:

صرف كلمات مختلف با فعل « ايمك »		پسونده صرفى	آخريين حرف صدا دار كلمه
سن	ياشارسان	san	a
سن	عاشيق سان	san	i
سن	توخسان	san	o
سن	يۇرقون سان	san	u

فرمول هماهنگى
 $a, i, o, u = a$

– كلمات زير نيز با پسوند « san » صرف مى شوند:

يازيړسان (san) yazırsan ، قازيړسان ، قير ييړسان ، ساليړسان ، قانديړ ييړسان ،
 سن اوخويورسان (san) oxuyursan ، دۇلورسان ، يۇنورسان ، اۇلورسان ،
 سۇلورسان ، اۇتوزورسان ...

(c) كلمه اى كه آخريين حرف صدا دار آن با يكي از اين چهار حرف « a , i , o , u » باشد، به شكل زير با هماهنگى بزرگ به دو فرم « dir , dur » براى سوم شخص مفرد صرف مى شود:

صرف كلمات مختلف با فعل « ايمك »		پسونده صرفى	آخريين حرف صدا دار كلمه
او ياشاردير	o Yaşar,dır	dır	a
او عاشيقديړير	o aşiq,dır	dır	i
او توخدور	o tox,dur	dur	o
او يۇرقوندور	o yorqun,dur	dur	u

فرمول هماهنگى
 $a, i = i$
 فرمول هماهنگى
 $o, u = u$

– كلمات زير نيز با دو پسوند « dir , dır » صرف مى شوند:

او قارادير ، آغدير ، آتادير ، داغديړ ، قارداشديړ ، آنادير ، آتديړ ، قازديړ ،

يازيردير، قازيردير، قيريردير، سالييردير، قانيردير، اؤددور، اؤتدور، يۆلدور،
قۆلدور، دۆندور، بۆلدور، يۆخدور، دۆلدور، يۆنوردور، اۆلوردور،
سۆلدور، قۆروردور ...

(d) كلمه اى كه آخريين حرف صدا دار آن با آهنگ پائينى و با يكي از اين چهل حرف « a, ı, o, u » باشد، به شكل زير با هماهنگى بزرگ به دو فرم « ıq, uq » برای اول شخص جمع صرف مى شود:

آخرين حرف صدا دار كلمه		پسونده صرفى	صرف كلمات مختلف با فعل « ايمك »
a	فرمول هماهنگى a , ı = ı }	ıq	بیز آدامیق biz adam,ıq
ı		ıq	بیز عاشیغیق biz aşğ,ıq
o	فرمول هماهنگى o , u = u }	uq	بیز تۆخوق biz tox,uq
u		uq	بیز یۆرقونوق biz yorqun,uq

– كلمات زير نیز با دو پسوند « ıq, uq » صرف مى شوند:
يازيريق (ıq) yazırıc, قازيريق، ساييريق، آچيريق، آليريق، قيريريق (ıq)
qırırıc، بيخيريق، سيريريق، قيزيريق، ييغيريق، سؤلوروق (uq)
sulurıc، قوروروق، دوروروق (uq) dururıc، توتوروق، تۆخوق،
يۆخوق، چۆخوق و ...

توجه: اگر آخريين حرف كلمه همانند اولين حرف پسوند صرفى با حرف صدا دار باشد، در صرف بين آنها يك حرف تكميلی (y) افزوده مى شود. مثال:

من آنایام، باجی یام، خالایام، قاپیچی یام، قوروخجويام، ...
بیز آناییق، باجی ییق، خالاییق، قاپیچی ییق، قوروخجويوق ...

(e) كلمه اى كه آخريين حرف صدا دار آن با آهنگ پائينى و با يكي از اين چهار حرف « o, u, a, ı » باشد، به شكل زير با هماهنگى بزرگ به دو فرم برای ضمير دوم شخص

یۆنور (دور) لار، اۇلور (دور) لار، سۇلور (دور) لار، قۇرور (دور) لار،
دۇرونور (دور) لار، دورور (دور) لار ...

توجه: - کلمات مختلف را می توان با علامت « ل، لار » به دو شکل جمع بست و به کار گرفت:

علامت جمع در پس:

اۇخۇيور (دور) لار، دۇلور (دور) لار، یۆنور (دور) لار، اۇلور (دور) لار.

- علامت جمع در وسط:

اۇنلار اۇخویورلار (دیر)، دۇلورلار (دیر)، یۆنورلار (دیر) ...

کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از پنج حرف « a, ə, e, ü »

« i, ö » باشد، به شکل زیر با هماهنگی بزرگ و کوچک به کار گرفته می شود:

[هماهنگی کوچک به دو شکل صرف می شود: (۱) ə, e, i, ö, ü = ə ، (۲) a, i, o, u = a]

(a) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با یکی از این پنج حرف « ə, e, i, ö, ü »

باشد، به شکل زیر با هماهنگی کوچک برای اول شخص مفرد صرف می شود:

آخرین حرف صدادار کلمه	پسونده صرفی	صرف کلمات مختلف با فعل « ایمک »
ə	əm	مَن دَدَه یم mən dədəy,əm
e	əm	مَن سَئَل یم mən səl,əm
i	əm	مَن اَیْگَیْد یم mən igid,əm
ö	əm	مَن گۆک یم mən gök,əm
ü	əm	مَن اوز گۆن یم mən üzgün,əm

- کلمات زیر نیز با پسوند « əm » صرف می شوند:

مَن گَیْرَم (əm) ، گَندَیْرَم ، اَندَیْرَم ، اَیْچَیْرَم ، دَیْیَیْرَم ، دَیْنَیْرَم ،

اَکَیْنَجَی یم ، اَیْشَچَی یم ، دۇنورم ، دۇزورم ، گۆرورم ، گولورم ، اوزورم ،

سوزورم ، دوزورم ، دوشورم ، اوشورم (اوشویورم) ، بوزورم ...

(b) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با یکی از این پنج حرف « ə, e, i, ö, ü » باشد، به شکل زیر با هماهنگی کوچک برای دوم شخص مفرد صرف می‌شود:

آخرین حرف صدادار کلمه		پسوندهای صرفی		صرف کلمات مختلف با فعل « ایمک »
ə	فرمول هماهنگی ə, e, i, ö, ü = ə	sən		sən dədə, sən سن دده سن
e		sən		sən sel, sən سن سئلسن
i		sən		sən igid, sən سن ایگیدسن
ö		sən		sən gök, sən سن گؤکسن
ü		sən		sən üzgün, sən سن اوز گونسن

- کلمات زیر نیز با پسوند « sən » صرف می‌شوند:

سن گله سن، گنده سن، بیله سن، گوره سن، گوله سن، گلیرسن، گئدیرسن، گورورسن (sən) görürsən، اوشویورسن و...

(c) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با یکی از این پنج حرف « ə, e, i, ö, ü » باشد، به شکل زیر با هماهنگی بزرگ به دو فرم برای سوم شخص مفرد صرف می‌شود:

آخرین حرف صدادار کلمه		پسوندهای صرفی		صرف کلمات مختلف با فعل « ایمک »
ə	فرمول هماهنگی ə, e, i = i	dir		o dədə, dir او دده دیر
e		dir		o sel, dir او سئل دیر
i		dir		o igid, dir او ایگید دیر
ö	فرمول هماهنگی ö, ü = ü	dür		o gök, dür او گؤک دور
ü		dür		o üzgün, dür او اوز گوندور

- کلمات زیر نیز با دو پسوند « دیر، دور » صرف می‌شوند:

او گلیر دیر، یازیر دیر، تنبلدیر، گئدیر دیر، گولور دور، او گوز دور، گوز دور،

سۇزدور، دۇشدر، دوزدور، اوزومدور، گولدر و...

e) کلمه ای که آخرین حرف صدادر آن با یکی از این چهار حرف « ə, e, i, ö, ü » باشد، به شکل زیر با هماهنگی بزرگ به دو فرم برای اول شخص جمع صرف می‌شود:

آخرین حرف صدادر کلمه		پسوندهای صرفی با علامت جمع		صرف کلمات مختلف با فعل «ایمک»	
ə	فرمول هماهنگی ə, e, i = i	ik		biz dədəy,ik	بیز دده ییک
e		ik		biz sel,ik	بیز سئلیک
i		ik		biz igid,ik	بیز ایگیدیک
ö	فرمول هماهنگی ö, ü = ü	ük		biz gök,ük	بیز گۆکوک
ü		ük		biz üzgün,ük	بیز اوزگونوک

- کلمات زیر نیز با دو پسوند صرف می‌شوند:

گلیریک، اکیریک، بیچیریک، آزیریک، بزیریک، اندیریک، یئییریک، سۇنوروک، گۇروروک، دۇزوروک، سوزوروک و...

i) کلمه ای که آخرین حرف صدادر آن با یکی از این پنج حرف « ə, e, i, ö, ü » باشد، به شکل زیر با هماهنگی بزرگ به دو فرم برای دوم شخص جمع صرف می‌شود:

آخرین حرف صدادر کلمه		پسوندهای صرفی		صرف کلمات مختلف با فعل «ایمک»	
ə	فرمول هماهنگی ə, e, i = i	siniz		siz dədə,siniz	سبیز دده سینبیز
e		siniz		siz sel,siniz	سبیز سئلسینبیز
i		siniz		siz igid,siniz	سبیز ایگیدسینبیز
ö	فرمول هماهنگی ö, ü = ü	sünüz		siz gök,sünüz	سبیز گۆکسونوز
ü		sünüz		siz üzgün,sünüz	سبیز اوزگونسونوز

- کلمات زیر نیز با این دو پسوند siniz, sünüz صرف می‌شوند:

سيز گله سينيز، دَره سينيز، بَله سينيز، دَله سينيز، بيلير سينيز، دينير سينيز، سيلير سينيز، گورورسونوز، دوزورسونوز، اوچونجو سونوز، دوردونجوسونوز، يوزونجوسونوز ...

- کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با یکی از این پنج حرف «ə, e, i, ö, ü» باشد، به شکل زیر با هماهنگی بزرگ به دو فرم برای سوم شخص جمع صرف می‌شود:

آخرین حرف صدادار کلمه		پسوندهای صرفی	صرف کلمات مختلف با فعل «ایمک»
ə	فرمول هماهنگی ə, e, i = i	dirlər	اؤنلار دده دیر (لر) onlar dədə,dirlər
e		dirlər	اؤنلار سئلیدیر (لر) onlar sel,dirlər
i		dirlər	اؤنلار ایگیددیر (لر) onlar igid,dirlər
ö	فرمول هماهنگی ö, ü = ü	dürlər	اؤنلار گؤگدور (لر) onlar gök,dürlər
ü		dürlər	اؤنلار اوز گوندور (لر) onlar üzgün,dürlər

- کلمات زیر نیز با دو پسوند «dir, dür» صرف می‌شوند:

علامت جمع در پس:

اؤنلار گلیدیرلر، گندیر (دیر) لر، اندیر (دیر) لر، ایچیر (دیر) لر، دئییر (دیر) لر، چیمین (دیر) لر، چؤنور (دور) لر، گورور (دور) لر، گولور (دور) لر، اؤپور (دور) لر، اوشویور (دور) لر، دؤشور (دور) لر، دوز (دور) لر، سوزور (دور) لر، دوشور (دور) لر ...

علامت جمع در پیش: اؤنلار گلیرلر (دیر)، اؤنلار گندیرلر (دیر)، اؤنلار اندیرلر (دیر)، ..

توجه: از اینکه علامت جمع «لر، لار» با هماهنگی کوچک با حرف «a, ə» صرف می‌شود،

در نتیجه پسوندهائی، که به دنبال آنها با هماهنگی بزرگ صرف شوند، تنها با یکی از

دو حرف صدادار «i, ɪ» ساخته می‌شوند. (یعنی به دنبال علامت جمع، دو حرف

«ü, u» به کار گرفته نمی‌شوند.)

- اکنون برای مثال دیگر کلمه سوالی «کیم» را با فعل ایمک صرف می‌کنیم. پسوند

صرفی چنین کلمات نیز برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی کوچک و برای سایر ضمایر شخصی با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود. مثال:

kim,əm	من کی‌م؟	فعل «ایمک» برای اول و دوم شخص مفرد
kim,sən	سن کی‌م سن؟	با هماهنگی کوچک صرف می‌شود:
kimdir	اؤ کی‌مدیر؟	فعل «ایمک» برای اول شخص و دوم شخص
kim,ik	بیز کی‌میک؟	جمع همانند سوم شخص مفرد و جمع با
kim,siniz	سبیز کی‌م سببیز؟	هماهنگی بزرگ صرف می‌شود.
kim,dirlər	اؤنلار کی‌مدیرلر؟	

– کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پایینی باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود: (هارادا؟ در کجا؟)

haraday,am?	من هارادایام؟	فعل ایمک برای اول و دوم شخص مفرد
harada,san?	سن هاراداسان؟	با هماهنگی کوچک صرف می‌شود:
harada,dir?	اؤ هارادادیر؟	فعل «ایمک» برای اول و دوم شخص
haraday,iq?	بیز هاراداییق؟	جمع همانند سوم شخص مفرد و جمع با
harada,siniz?	سبیز هاراداسببیز؟	هماهنگی بزرگ صرف می‌شود.
harada,dirlar?	اؤنلار هارادادیرلار؟	

توجه: کلمه ای که آخرین حرف آن همانند اولین حرف پسوند صرفی صدادار باشد، در صرف بین آنها یک حرف «ی» افزوده می‌شود. البته چنین تغییراتی در صرف کلمات برای اول شخص مفرد و جمع به وجود می‌آید، زیرا اولین حرف پسوند صرفی آنها حرف صدادار می‌باشد. مثال:

من هارادایام haraday,am، من آنایام anayam، من ننه یم mən nənəyəm، من بابایام، هاراداییق haradayıq، (محاوره ای: هاراداییق harday,iq) بیز آناییق anayıq، بیز اؤراداییق، بؤراداییق، ایچه ریده ییک، انشیکده ییک، چۆلده ییک، ائوده ییک و...

در رابطه با ضمیر متصل شخصی به مطالب مهم زیر نیز توجه کنید:

(a) در صرف کلمات برای سوم شخص مفرد و جمع، پسوند صرفی (دیر، دور) را می‌توان حذف کرده و به کار گرفت. مثال:

- با علامت «دیر»: او گلیدیر. او گولوردور. او آلیردیر. او سؤلوردور.

- بدون علامت «دیر»: او گلیر. او گولور. او آلیر. او سؤلور.

- ضمیر سوم شخص جمع با علامت «دیرلار، لاردیر» و بدون «لار»:

با علامت جمع و پسوند صرفی: اؤنلار گلیدیرلر. اؤنلار گولوردورلر.

با علامت جمع و بدون پسوند صرفی: اؤنلار گلیرلر. اؤنلار گولورلر. اؤنلار آلیرلر.

بدون علامت جمع و پسوند صرفی: اؤنلار گلیر. اؤنلار گولور. اؤنلار آلیر.

- چنانکه ملاحظه می‌شود، همه فرمهای مذکور صحیح بوده و درست فهمیده می‌شوند.

(b) فعل «ایمک» در زبان فارسی معنی «بودن» را می‌دهد که در زبان ترکی مترادف با آن فعل «وار» از مصدر «وارماق» (به مقصد رسیدن) نیز هست، با وجودی که صرف هر دو فعل (ایمک: ام، وارماق: وار) در زبان فارسی معنی «بودن» را می‌دهد، ولی آنها در زبان ترکی با دو مفهوم متفاوت به کار گرفته می‌شوند. مثال:

منم (منم، من هستم). من حسنم. سنین قارداشین منم.

من سنین قارداشینام. من یاشاییرام. و...

- صرف فعل «وار» از مصدر «وارماق» با مفهوم «موجود بودن»، «چیزی داشتن» به کار گرفته می‌شود:

من ورام. (من هستم. من زنده هستم. من نمرده ام. من هستی دارم.) بۇرادا بییرکیتاب وار. در اینجا یک کتابی موجود است. بۇرادا کیتاب وار.

به شکل سوالی: بۇرادا کیتاب وار [دیر] می؟ (آیا کتابی در اینجا موجود است؟)

(c) اگر ضمائر شخصی در مقابل کلمات سوالی «کیم، نه» قرار گیرد، ضمیر منفصل

شخصی در اول جمله قرار می‌گیرد و سپس اسم با پسوند صرفی (فعل ایملک) صرف می‌شود؛ چنانکه در مباحث قبلی نیز اشاره شده است، ضمیر شخصی در جمله دو بار تکرار می‌شود، یعنی یک مرتبه به شکل ضمیر منفصل (من ، سن) و دفعه دوم به شکل ضمیر متصل (ام ، سن) به کار گرفته می‌شود. مثال:

ج ————— ا ب	{ سن ————— ا ل																									
↓	↓																									
<table border="0"> <tr> <td>məm Səməd,əm.</td> <td>من، صمدم.</td> </tr> <tr> <td>sən Səməd,sən</td> <td>سن، صمد سن.</td> </tr> <tr> <td>bu Həsəndir.</td> <td>بۇ، حسن دیر.</td> </tr> <tr> <td>biz işçiyik.</td> <td>بیز، ایشچی ییک.</td> </tr> <tr> <td>siz tanışsınız.</td> <td>سیز، تانیش سینیز.</td> </tr> <tr> <td></td> <td>اؤنلار مدرسه اؤشاقلاریدیرلار</td> </tr> <tr> <td>o sudur.</td> <td>او، سۇ دۇر.</td> </tr> <tr> <td>onlar davardırlal.</td> <td>اؤنلار، داواردیر (لار).</td> </tr> </table>	məm Səməd,əm.	من، صمدم.	sən Səməd,sən	سن، صمد سن.	bu Həsəndir.	بۇ، حسن دیر.	biz işçiyik.	بیز، ایشچی ییک.	siz tanışsınız.	سیز، تانیش سینیز.		اؤنلار مدرسه اؤشاقلاریدیرلار	o sudur.	او، سۇ دۇر.	onlar davardırlal.	اؤنلار، داواردیر (لار).	<table border="0"> <tr> <td>سن کیمل - سن؟</td> <td rowspan="8" style="vertical-align: middle;">}</td> </tr> <tr> <td>من کیمل - ام؟</td> </tr> <tr> <td>بۇ کیمل - دیر؟</td> </tr> <tr> <td>سیز کیمل - سینیز؟</td> </tr> <tr> <td>بیز کیمل - ایک؟</td> </tr> <tr> <td>اؤنلار کیمل - دیرلر</td> </tr> <tr> <td>اؤ نه - دیر؟</td> </tr> <tr> <td>اؤنلار نه - دیرلر؟</td> </tr> </table>	سن کیمل - سن؟	}	من کیمل - ام؟	بۇ کیمل - دیر؟	سیز کیمل - سینیز؟	بیز کیمل - ایک؟	اؤنلار کیمل - دیرلر	اؤ نه - دیر؟	اؤنلار نه - دیرلر؟
məm Səməd,əm.	من، صمدم.																									
sən Səməd,sən	سن، صمد سن.																									
bu Həsəndir.	بۇ، حسن دیر.																									
biz işçiyik.	بیز، ایشچی ییک.																									
siz tanışsınız.	سیز، تانیش سینیز.																									
	اؤنلار مدرسه اؤشاقلاریدیرلار																									
o sudur.	او، سۇ دۇر.																									
onlar davardırlal.	اؤنلار، داواردیر (لار).																									
سن کیمل - سن؟	}																									
من کیمل - ام؟																										
بۇ کیمل - دیر؟																										
سیز کیمل - سینیز؟																										
بیز کیمل - ایک؟																										
اؤنلار کیمل - دیرلر																										
اؤ نه - دیر؟																										
اؤنلار نه - دیرلر؟																										

توجه: - چنانکه ملاحظه می‌شود، سوال و جوابهای مذکور همراه ضمیر منفصل و متصل شخصی به کار گرفته می‌شوند.

- حرف صدادار پسوند صرفی وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل خود می‌باشد و با هماهنگی آن صرف می‌شود.

(d) اگر آخرین حرف صدادار کلمه ای با آهنگ بالائی (ə, e, i, ö, ü) باشد، صرف فعل « ایملک » هم شکل با ضمیر دوم شخص مفرد به کار گرفته می‌شود. مثال:

سن کیمل سن؟ سن ننه سن. سن گولورسن. سن ایچیرسن. سن گندیرسن و...

سن گۆک سن. سن اوچونجو سن. سن دوزگون سن. و..

- در جملات مذکور « سن » اولی به عنوان ضمیر منفصل شخصی و « سن » دومی

به عنوان پسوند صرفی فعل ایملک (ضمیر متصل دوم شخص مفرد) به کار گرفته می‌شود. به عبارت دیگر در ترکی آذربایجان، پسوند صرفی دوم شخص مفرد، هم شکل با ضمیر دوم شخص منفصل («سن سن» تو هستی) به کار گرفته می‌شود. - توجه شود که این دو کلمه در ایام قدیم نیز به شکل «سن سن» به کار گرفته شده است. برای مثال به اشعار زیر توجه کنید. مثال:

کتاب دده قورقود: از چاپ حسن محمد خانی:

اؤغول سن قیز دیله مزسن، کندونه (کندینه) بیر هامپا ایسترمیشسن و...
خطائی (شاه اسماعیل، اولین شاه سلسله صفوییه):

اؤدی بۇراخان بۇ جانن سن سن، مقصودی وئره ن جهانن سن سن.

بیلدیر منن کیم، نه پیشه سن سن، القصه بۇرادا نیشه سن سن

عزیز محسنی: سن منیم خلقیمین دیله گی سن، ایسته گی،

اوره گی و آرزولارینین جانلی تجسمی سن

سن منیم شعریم، ماهنیم، ذوقوم، حسسیم و پارلاق گونشیم سن

یالاش آذر اوغلو: عزیز آذربایجان ای گؤزه ل دییار آنامین مهربان قۇجاغی سن سن

گؤنول طرلانی اۇچوب قۇندوغو اؤنون چۇخ سؤدیگی بۇداغی سن سن

سن سن دوشوندوگوم، سن سن آندیغیم من بۇ دنیا دا آرخاندیغیم

ینتر آلیشدیغیم، ینتر یاندیغیم شعریمین قلبیمین سوراغی سن سن.

سن بابک یوردوسان آذر تۇرپاغی اصلانلار اویلاغی، یاتاغی سن سن...

توجه: - فعل «ایملک» در زبان ترکی استانبولی برای ضمیر دوم شخص مفرد، به شکل «سین»

صرف می‌شود و آن از هم شکل بودن صرف فعل «ایملک» با ضمیر دوم شخص مفرد

جلوگیری می‌کند، اما در صرف افعال آرزویی امری و... مشکل به وجود می‌آورد.

- ضمیر دوم شخص مفرد در زبان ترکی استانبولی به شکل «سنن sen» به کار گرفته

می‌شود، که آن در صرف مشکلی را ایجاد نمی‌کند.

(k) در رابطه با ضمیر متصل شخصی به پسوندهای کلمات مختلف در

جدولهای زیر توجه کنید:

- کلماتی که آخرین حرف آنها با آهنگ بالائی می باشد:

<p>من: من - بیه - یم سن: سن - بیه - سن اؤ: اؤ - دیر بییز: بیه - بییک سییز: بیه - سیینیز اؤنلار: بیه - دیرلر</p>	<p>من: اوسته - یم سن: اوسته - سن اؤ: اوسته - دیر بییز: اوسته - بییک سییز: اوسته - سیینیز اؤنلار: اوسته - دیرلر</p>	<p>من: من - ام سن: سن - سن اؤ: اؤ - دور بییز: بییز - یک سییز: سییز - سیینیز اؤنلار: اؤنلار - دیرلر</p>
<p>من: انل - م سن: انل - سن اؤ: انل - دیر بییز: انل - یک سییز: انل - سیینیز اؤنلار: انل - دیرلر</p>	<p>من: یئل - م سن: یئل - سن اؤ: یئل - دیر بییز: یئل - یک سییز: یئل - سیینیز اؤنلار: یئل - دیرلر</p>	<p>من: سنل - م سن: سنل - سن اؤ: سنل - دیر بییز: سنل - یک سییز: سنل - سیینیز اؤنلار: سنل - دیرلر</p>

- کلمه ای که آخرین حرف آن صدادار باشد ، در صرف برای اول شخص مفرد و جمع یک حرف تکمیلی « y » به خود می گیرد:

<p>من: انلچی - یم سن: انلچی - سن اؤ: انلچی - دیر بییز: انلچی - بییک سییز: انلچی - سیینیز اؤنلار: انلچی - دیرلر</p>	<p>من: ایشچی - یم سن: ایشچی - سن اؤ: ایشچی - دیر بییز: ایشچی - بییک سییز: ایشچی - سیینیز اؤنلار: ایشچی - دیرلر</p>	<p>من: دیری - یم سن: دیری - سن اؤ: دیری - دیر بییز: دیری - یک سییز: دیری - سیینیز اؤنلار: دیری - دیرلر</p>
--	--	--

- به صرف کلمات زیر با فعل « ایمک » توجه کنید:

<p>من: گؤل - م سن: گؤل - سن اؤ: گؤل - دور بییز: گؤل - وک سییز: گؤل - سونوز اؤنلار: گؤل - دورلر</p>	<p>من: چؤپ - م سن: چؤپ - سن اؤ: چؤپ - دور بییز: چؤپ - وک سییز: چؤپ - سونوز اؤنلار: چؤپ - دورلر</p>	<p>من: کؤک - م سن: کؤک - سن اؤ: کؤک - دور بییز: کؤک - وک سییز: کؤک - سونوز اؤنلار: کؤک - دورلر</p>
<p>من: اوچونجو - یم سن: اوچونجو - سن اؤ: اوچونجو - دور بییز: اوچونجو - یوک سییز: اوچونجو - سونوز اؤنلار: اوچونجو - دورلر</p>	<p>من: اوزوم - م سن: اوزون - سن اؤ: اوزو - دور بییز: اوزوموز - وک سییز: اوزونوز - سونوز اؤنلار: اوزلری - دیرلر</p>	<p>من: گول - م سن: گول - سن اؤ: گول - دور بییز: گول - وک سییز: گول - سونوز اؤنلار: گول - دورلر</p>

- کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پایینی باشد، به شکل زیر با فعل «ایمک» برای ضمائر شخصی صرف می شود:

من: ساغ - آم	من: ساغدا - یام	من: اوجا - یام
سن: ساغ - سان	سن: ساغدا - سان	سن: اوجا - سان
اؤ: ساغ - دیر	اؤ: ساغدا - دیر	اؤ: اوجا - دیر
بییز: ساغ - ییق	بییز: ساغدا - ییق	بییز: اوجا - ییق
سییز: ساغ - سیینیز	سییز: ساغدا - سیینیز	سییز: اوجا - سیینیز
اؤنلار: ساغ - دیرلار	اؤنلار: ساغدا - دیرلار	اؤنلار: اوجا - دیرلار

- کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پایینی باشد، به شکل زیر صرف می شود:

من: قوچ - آم	من: یوخ - آم	من: توخ - آم
سن: قوچ - سان	سن: یوخ - سان	سن: توخ - سان
اؤ: قوچ - دۇر	اؤ: یوخ - دۇر	اؤ: توخ - دۇر
بییز: قوچ - ۇق	بییز: یوخ - ۇق	بییز: توخ - ۇق
سییز: قوچ - سۇنوز	سییز: یوخ - سۇنوز	سییز: توخ - سۇنوز
اؤنلار: قوچ - دۇرلار	اؤنلار: یوخ - دۇرلار	اؤنلار: توخ - دۇرلار

- کلمه ای که آخرین حرف آن صدادار باشد، در صرف برای اول شخص مفرد و جمع یک حرف تکمیلی «y» به خود می گیرد:

من: دۇقوزونچو - یام	من: دۇرسوز - آم	من: بۇشلو - یام
سن: دۇقوزونچو - سان	سن: دۇرسوز - سان	سن: بۇشلو - سان
اؤ: دۇقوزونچو - دۇر	اؤ: دۇرسوز - دۇر	اؤ: بۇشلو - دور
بییز: دۇقوزونچو - یۇق	بییز: دۇرسوز - ۇق	بییز: بۇشلو - یوق
سییز: دۇقوزونچو - سۇنوز	سییز: دۇرسوز - سۇنوز	سییز: بۇشلو - سونوز
اؤنلار: دۇقوزونچودۇرلار	اؤنلار: دۇرسوز - دۇرلار	اؤنلار: بۇشلو - دۇرلار

- کلمه ای که آخرین حرف آن صدادار باشد، در صرف برای اول شخص مفرد و جمع یک حرف تکمیلی «ی» به خود می گیرد:

من: تاجیر - ام	من: آغیر - ام	من: عاغیللی - یام
سن: تاجیر - سان	سن: آغیر - سان	سن: عاغیللی - سان
اؤ: تاجیر - دیر	اؤ: آغیر - دیر	اؤ: عاغیللی - دیر
بییز: تاجیر - ییق	بییز: آغیر - ییق	بییز: عاغیللی - ییق
سییز: تاجیر - سیینیز	سییز: آغیر - سیینیز	سییز: عاغیللی - سیینیز
اؤنلار: تاجیر - دیرلار	اؤنلار: آغیر - دیرلار	اؤنلار: عاغیللی دیرلار

۴) ضمائر نا مشخص شخصی :

ضمایر نا مشخص شخصی کلماتی هستند، که به جای شخص و یا شیئی نا مشخص به کار گرفته می‌شوند؛ به عبارت دیگر ضمیر نا مشخص جایگزین اسمی می‌شود که برای گوینده مطلب مشخص و شناخته شده نمی‌باشد. برای مثال به دو جمله زیر توجه کنید:

a) اسم مشخص: حسن منیم قارداشیم دیر. او بۇرایا (بۇرا) گلیر. در جمله اول، «حسن» اسم مشخص و در جمله دوم «او» (حسن) ضمیر مشخص می‌باشد.

b) اسم نا مشخص: اورداد نه وار؟ اورداد بیر شیئی یۇخدور. اما بۇ طرفه بیزداد گۇرونور. در جملات مذکور، دو کلمه «بیر شیئی، بیزداد»، به شکل ضمیر نا مشخص به کار گرفته می‌شوند، زیرا آنها برای گوینده جمله نا آشنا و نا مشخص می‌باشند.

- کلمات زیر در زبان ترکی به جای اسم و یا ضمیر نا مشخص شخصی به کار گرفته می‌شوند: بیر، بیر آز، بیر چۇخ، بیر چۇخو [چۇخی]، بیر شیئی، بیر زاد، بیر کس، هرکس، هرکیم، هر آدام، بیر آدام، بیر یئر، بیر داغ، بیر نفر، بیر کس، بیر گون، کیم، نه، هنج، هنج شیئی و... هرکس بۇرایا گله بیلیمز. هر کیم نه سۇیله سه کی، آدام اۇنو اینانماز. او طرفه بیر شیئی گۇرونور. بۇگون بۇرایا کیم گله جک؟

- کلمات سوالی امثال کیم، کیمسه، نه، نه ره، هارا، نه یئر و... نیز به جای ضمایر نا مشخص به کار گرفته می‌شوند. مثال:

سوال: یاشار هارادادیر؟ («هارا»، به شکل قید مکانی و یا ضمیر نا مشخص است.)

جواب: یاشار بۇرادادیر. («بۇرا»، به شکل قید مکانی و یا ضمیر اشاره ای مشخص می‌باشد.)

او طرفدن بیری بۇرایا گلیر. («او»، «بۇرایا»، ضمیر مشخص و «بیری» ضمیر نا مشخص می‌باشد.)

بۇرایا بیر شیئی گلیر. («بیر شیئی»، ضمیر نا مشخص می‌باشد.)

او گلن کیم دیر؟ («کیم» ضمیر نا مشخص می‌باشد.)

او منه بیر زاد دندی، آما من دوشونن مه دیم. («بیر زاد» ضمیر نا مشخص می‌باشد.)

بۇ طرفه بیر شیئی وار. («بیر شیئی» ضمیر نامشخص می‌باشد.)

سن نه ره دن گلیرسن؟ سن هارایا گندیرسن؟ («نه ره، هارا»: قید و یا ضمیر نا مشخص می‌باشد.)

۵) ضمائر اشاره ای:

ضمائر اشاره ای به کلماتی گفته می‌شوند که جایگزین اسم و یا ضمیر در جمله می‌باشند. به عبارت دیگر اگر نخواهیم اسم را در جمله تکرار کنیم و به شخص مشخص و یا غیر مشخصی اشاره کنیم، از ضمیر اشاره ای استفاده می‌کنیم. توجه شود که ضمائر اشاره ای « او » و « اۇنلار » هم شکل با ضمائر سوم شخص مفرد و جمع بیان می‌شوند.

a) ضمائر اشاره ای مفرد،

کلماتی هستند، که به شکل کلمه ساده همانند ضمائر مفرد شخصی به کار گرفته

می‌شوند و معنی فرد و یا شیء مفرد را بیان می‌کنند:

بۇ bu (این)	اۇ o (آن، او)
شۇ şu (این)	شول şul (این، این یکی)
بۇرا bura (اینجا)	اؤرا ora (آنجا)
شؤرا şura (اینجا)	اؤیان، بؤیان و...

b) ضمائر اشاره ای جمع،

ضمائری هستند، که به شکل کلمه ترکیبی با علامت جمع (لر، لار) بیان می‌شوند و

معنی شخص و یا شیء جمع را در خود بیان می‌کنند:

بۇنلار bunlar (محاوره ای: بۇلار bular)	بۇرالار buralar (اینها)
اۇنلار onlar (محاوره ای: اۇلار olar)	اۇرالار oralar (آنجاها)
شؤرالار şuralar (اینجاها)	

توجه - ضمیر اشاره ای « شوşu »، (این)، امروزه در زبان ترکی آذربایجان صرف

نمی‌شود، اما آن در بعضی کتب و اشعار قدیمی (همانند زبان ترکی استانبولی)

به کار گرفته شده است.

- ضمائر اشاره در رابطه با اشخاص، حیوانات، حشرات و اشیاء به یک نوع صرف می‌شود.

۴) ضمایر انعکاسی و فرمهای مختلف آن:

ضمایر انعکاسی کلماتی هستند، که در جمله به جای اسم و یا ضمایر شخصی نهاده می‌شوند و اسم و یا ضمیر شخصی را در خود انعکاس می‌دهند.

ضمیر انعکاسی در زبان ترکی، کلمات « اۆز öz » و « کند » و « بیله » با مفهوم « خود »، کلمه « özgə اۆزگه » با مفهوم « بیگانه » و کلمه « باشقا » با مفهوم « دیگری »، آن یکی، آن دیگری» به کار گرفته می‌شود:

۱-۴) کلمه انعکاسی « اۆز öz » (خود، خودی)، به شرح زیر در جمله صرف می‌شود:

من اۆز دئدییمیی دانمارام. آذربایجان بیزیم اۆز اولکه میز دیر.

سن منیم اۆز قارداشیم سان. او سنین بالان و اۆز جانین دیر.

- در رابطه با به کارگیری کلمه « اۆز »، به اشعار زیر توجه کنید:

فضولی: نامه و قاصد پیامیله خوش اولماز خاطریم اۆز لیبندن لهجه گفتارین انیلر آرزو مجید صباغ (یالقیز):

خۆشدر یئنه صحبت انله یك اۆز انلیمیزدن

اۆز اولکه میز، اۆز میلتی میز، اۆز انلیمیزدن...

- کلمه « اۆز öz » همراه ضمیر منفصل شخصی با پسوند ملکی به شکل خاصی به کار گرفته می‌شود و ضمیر شخصی را در خود انعکاس می‌دهد:

من اۆزوم mən özüm (من خودم)	بیز اۆزوموز biz özümüz (ما خودمان)
سن اۆزون sən özün (تو خودت)	سیز اۆزونوز siz özünüz (شما خودتان)
او اۆزو o özü (او خودش)	اونلار اۆزلری onlar özləri (آنها خودشان)

- ضمایر انعکاسی به شکل زیر در جمله به کار گرفته می‌شوند:

من اۆزوم تک باشیما بۇ ایشی گۆردوم. سن ده اۆزون بۇ سۆزو انشیتدین.

- شعراز مجید صباغ ایرانی:

اۆزون گئتمیش سۆزون قالمیش دوشرسن یاده

محفل ده قالان دوستلار دا شعریندن سنین عطرین آلا بیرگون

طریقه صرف ضمیر انعکاسی « اؤز » با فعل ایملک:

a (ضمیر انعکاسی « اؤز » به شکل زیر به وسیله فعل « ایملک » (با مفهوم: من خودم هستم ، تو خودت هستی) برای ضمائر شخصی صرف می شود:

biz özümüzük	بیز اؤزوموزوک	mən özüməm	من اؤزومم
siz özünüzsünüz	سیز اؤزونوزسونوز	sən özünsən	سن اؤزون سن
onlar özləridir(lər)	اونلار اؤزلریدیر (لر)	o özüdür	اؤ اؤزو دور

سن کیمل سن؟ من اؤزومم. اؤ حسن اؤزودور. بلی اؤ حسن اؤزو دور.

توجه: ضمیر انعکاسی « اؤز » همانند سایر کلمات برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی کوچک و برای سایر ضمائر شخصی با هماهنگی بزرگ صرف می شود.

b (ضمائر انعکاسی مذکور در جنب افعال و کلمات دیگر نیز به کار گرفته می شوند. برای مثال کلمه « اؤز » را با فعل « وار » (با مفهوم « موجود بودن، وجود داشتن، زنده بودن ») در نظر گرفته و برای ضمائر شخصی صرف می کنیم:

biz özümüz varıq	بیز اؤزوموز واریق	mən özüm varam	من اؤزوم وارام
siz özünüz varsınız	سیز اؤزونوز وارسینیز	sən özün varsan	سن اؤزون وارسان
onlar özləri vardırılar	اونلار اؤزلری واردیرلار	o özü vardır	اؤ اؤزو واردیر

من اؤزوم بؤگون بؤرادا وارام. من اؤزومده بؤگون اؤرادا وارام

۲-۴) ضمیر انعکاسی « بیله »:

- در بعضی مناطق آذربایجان، به ویژه در محاوره ضمیر انعکاسی « بیله » (خود) را نیز صرف می کنند.

ضمیر انعکاسی « بیله » همراه پسوند مخصوص به خود به کار گرفته می شود. ضمیر انعکاسی « بیله م » مفهومی همانند « اؤزوم » دارد، که به شکل زیر ضمائر

شخصی را در خود انعکاس می‌دهد:

کلمات فارسی	علائم و حروف اضافه ضمائر انعکاسی	ضمیر انعکاسی «بیله»
من خودم	با پسوند اضافه « m م »	من بیلم biləm
تو خودت	با پسوند اضافه « n ن »	سن بیلن bilən
او خودش	با پسوند اضافه (۱) « si سی »	اؤ بیله سی biləsi
ما خودمان	با پسوند اضافه « miz میز »	بیز بیله میز biləmiz
شما خودتان	با پسوند اضافه « niz نیز »	سیز بیله نیز biləniz
آنها خودشان	با پسوند اضافه « ləri لری »	اؤنلار بیله لری bilələri

– ضمیر انعکاسی « بیله » به شکل زیر در جمله به کار گرفته می‌شود:

من بیلم بۇ سوزو سنه دئیم. (من اوزوم بۇ سوزو، سنه دئیم.)
 سن بۇ سوزو بیله وه دئی. (سن بۇ سوزو [اوزوه] اوزونه دئی.)
 سن بۇ سوزو بیله ن بیله سینه دئی. (سن بۇ سوزو اوزون اوزونه دئی.)
 سن بیلن بۇ سوزو اؤنون بیله سینه دئی. (سن اوزون، بۇ سوزو اؤنون اوزونه دئی.)
 من بۇسوزو سنین بیله وه دئیم. سن مندن دئم، بیلن دن دئی،
 سن بۇ سوزو بیله وه دئی. آی قارداش، سن بیر بئله بیله وی شیشیدمه.

ضمایر منفصل شخصی، به شکل زیر همراه ضمیر انعکاسی «بیله» به کمک فعل «ایمک» برای ضمایر شخصی صرف می‌شوند: (با مفهوم «من خودم هستم».)

من بیله مم (من اوزومم)	بیز بیله میزیک (بیز اوزوموزوک)
سن بیله ن سن (سن اوزون سن)	سیز بیله نیزسیز (سیز اوزونوزسونوز)
اؤ بیله سی دیر (اؤ اوزو)	اؤنلار بیله لری دیر (اؤنلار اؤزله ریدیر)

بۇرادا حسن کییم دیر؟ بۇیورون من بیله مم.

بۇ ائوین صاحیبی کییم دیر؟ اؤ بیله سی دیر.

۳-۴) ضمیر انعکاسی « کند »:

- کلمه « کند » همراه علامت ملکی « این ، ی » به شکل زیر ضمائر شخصی را در خود انعکاس می دهد.

من کنديم،	سن کندين،	او کندي (کنديسي)،
بيز کنديمبیز،	سيز کندينبيز،	اؤنلار کنديلري.

سن چاليش، کندين بؤگون بؤرايا گل و بؤ ايشي بؤيا و باشا چاتدير.

- کلمه « کنديم » به شکل زیر با فعل ايک برای ضمائر شخصی صرف شده و با مفهوم « من خودم هستم » به کار گرفته می شود:

من کنديم.	سن کندين سن.	او کندي دير.
بيز کنديمبيز.	سيز کندينبيز سينيز.	اؤنلار کنديلري دير.

بؤ ماشيني سورن. من کنديم. بؤ ماشين، منيم کنديمين دير.

کتاب دده قورقود: از چاپ حسن محمد خانی:

اؤغول سن قيز ديله مزسن، کندونه (کندينه) بير هامپا ايستر ميشسن و...

۴-۴) کلمه انعکاسی « باشقا »: (دیگری، آن یکی، استثنائی)

- ضمیر انعکاسی باشقا به شکل زیر صرف شده و ضمائر شخصی را در خود منعکس می کند:

من باشقايام،	سن باشقاسان،	او باشقا دير
بيز باشقاييقت،	سيز باشقاسينيز،	اؤنلار باشقاديرلار

- ضمیر انعکاسی باشقا همراه حروف اضافی « سی » به شکل زیر به وسیله فعل « ايک » برای ضمائر شخصی صرف می شود:

من باشقاسي يام،	سن باشقاسي سان،	او باشقاسي دير
بيز باشقاسي ييقت،	سيز باشقاسي سينيز،	اؤنلار باشقاسي ديرلار

بؤ ائو منيم دگيل، او باشقاسينين دير. بؤ ماشين منيم دگيل، منيمکي باشقاسيدير.

۴-۵) ضمير انعكاسى « اۆزگه »:

كلمه « اۆزگه »، معنى « ديگرى » و يا « بيگانه » را مى دهد و به شكل زير با فعل ايمك براى اول شخص و دوم شخص مفرد با هماهنگى كوچك و براى ساير ضماير شخصى با هماهنگى بزرگ صرف مى شود:

biz	özgəyik	بیز اۆزگه ييك	mən	özgəyəm	من اۆزگه يم
siz	özgəsiniz	سيز اۆزگه سينيز	sən	özgəsən	سن اۆزگه سن
onlar	özgədirlər	اۇنلار اۆزگه دير (لر)	o	özgədir	اۇ اۆزگه دير

– كلمه « اۆزگه » به شكل زير در جمله به كار گرفته مى شود:

بۇ آقا كيم دير؟

اۇ اۆزگه دگيل منيم قارداشيم دير. اۇ تانيش دير، اۆزگه دگيل (دييل) دير.

اۇنو من تانيميرام، اۆزگه بيرى دير. اۇ اۆزگه سى دير. اۇ اۆزگه بيريسى دير.

من اۇنو تانيميرام؛ اۇ منيم تانيشلاريمدان دنگيل، اۇ اۆزگه دير.

اۇ من تانيش دنگيل، اۇ اۆزگه بير آدم دير. (اۇ اۆزگه دير.)

اۇ بۇرالى دنگيل، اۆزگه يئردن گليبدير. اۇ اۆزگه دير.

من اۇنا اۆزگه يم. بيز بۇبيرلرينه ده اۆزگه ييك. بيز بۇبيرى آدمالارا دا اۆزگه ييك.

من ياشار ايله دوشونه مه ديم، بيز هميشه بير بيريميز ايله اۆزگه قالدیق.

اۆزگه اميدينه بيل باغلاماق اولماز. اۆزگه اۇغلون دان، آداما اۇغول اولماز.

– در رابطه با به كارگيرى و صرف كلمه « اۆزگه » به اشعار زير توجه كنيد:

فضولى: غم گونو اوستومده سندن اۆزگه يۇخ اى دود آه

لطف انديب مندن گۇتورمه سايه اقباليني ...

بختيار وهاب زاده: ايندى داها دۇيوشورم دۇزومله اليمله اۇزومه دير بۇ حمله ...

... اۆزگه نى دينله سن كوك دن دوشرسن،

سن اۇزون اۇزون اۆزگه لشرسن

كلمه اۆزگه همراه « سى » نيز صرف مى شود. مثال: من دين بۇ دنگيل اۆزگه سى دير.

بخش پنجم :

۱) اسم و حالت‌های تصریفی آن :

- اسم را در زبان ترکی « آد » ، حالت تصریفی آن را « آدین دۇرومو adin durumu » [موقعیت اسم] و یا « آدین حالی » [حالت اسم] می‌نامیم.
- حالت تصریفی اسم، به حالتی گفته می‌شود، که اسم در جمله به خود می‌گیرد و بدین وسیله حالت و موقعیت خود را در بین کلمات دیگر جمله آشکار می‌سازد.
- اسم در جمله در شش حالت تصریفی صرف می‌شود، که يك حالت آن در زبان ترکی به شکل ساده و پنج حالت دیگر آن به وسیله پسوند به کار گرفته می‌شود.
- حرف صدادار پسوندهای حالت‌های تصریفی وابسته به آخرین حرف صدادار اسم می‌باشد، که آنها در صرف به دو بخش با آهنگ بالائی و پائینی تجزیه شده و با هماهنگی کوچک و بزرگ صرف می‌شوند.

تشریح نام حالت‌های تصریفی اسم در زبان فارسی و علائم آن در زبان ترکی :

نام حالت‌های تصریفی اسم (متتم و علائم آن) در زبان فارسی		علائم حالت‌های تصریفی اسم ترکی	
۱	حالت فاعلیت اسم (ساده، بدون پیشوند، میانوند و پسوند است)	}	یالین آد (اسم ساده ، بدون پسوند)
۲	حالت مفعول با واسطه با حروف اضافه « به »	}	پسوند: a + ə
۳	حالت مفعول با واسطه با حروف اضافه « در »		پسوند: da + də
۴	حالت مفعول با واسطه با حروف اضافه « از »		پسوند: dan + dən
۵	حالت مفعول بی‌واسطه با حروف اضافه « را »	}	پسوند: u,ı + i , ü
۶	اضافه ملکی (به شکل حرف — e)		پسوند: in,un + in, ün

- در زبان فارسی از شش حالت تصریفی اسم چهار حالت آن (در جدول فوق شماره ۲ ، ۳ ، ۴ ، ۵) به شکل جملات دراز و طویل بیان می‌شود، که اگر بخواهیم آنها را در این کتاب به شکل اصلی خود بنویسیم، صفحات آن پر می‌شود و زمان طولانی برای خواندن و نوشتن آنها که در توضیحات دستوری تکرار می‌شوند و زمان زیادی را به هدر می‌برد و بدین وسیله یادگیری اصول زبان مشکل و خسته کننده می‌شود. برای رفع

این مشکل تصمیم بر این شد که چهار حالت مذکور فارسی در این کتاب به شکل مخفف شده صرف شود:

- « حالت مفعول با واسطه با حروف اضافه « به »، به شکل « حالت به »
- « حالت مفعول با واسطه با حروف اضافه در »، به شکل « حالت در »
- « حالت مفعول با واسطه با حروف اضافه از »، به شکل « حالت از »
- « حالت مفعول بی واسطه با حروف اضافه را »، به شکل « حالت را »

حالت و موقعیت اسم در زبان فارسی به اسمی گفته می‌شود که با یکی از علامت فاعلیت (به ، در ، از ، را ، اضافه ملکی) به کار گرفته شود. مثال:

به حسن. در علی. از علی. علی را. ...

نام حالت‌های تصریفی اسم در زبان ترکی:

- اسم در شش حالت تصریفی صرف می‌شود، که هر کدام از آنها با نام خاصی به کار گرفته می‌شود. برای معرفی نام حالت‌های تصریفی اسم، جدولی در زیر کشیده شده که در سمت راست آن اسمی مخفف شده حالت‌های فارسی، در وسط آن کلمه «حالی» با پسوند (در دو فرم با حروف صدادار با آهنگ بالایی و پائینی) و در سمت چپ آن نام حالت‌های ترکی درج شده است:

نام حالت‌های اسم فارسی		پنج پسوند تصریفی به دوشکل با آهنگ بالایی و پائینی صرف می‌شود.		نام حالت ترکی	
۱	حالت فاعلیت	{	yalın ad یالین آد	{	یالین آد
۲	حالت « به »		a halı آ حالی		یونل دۇرومو
۳	حالت « در »	{	da halı دا حالی	{	قالما دۇرومو
۴	حالت « از »		dan halı دان حالی		چیخما دۇرومو
۵	حالت « را »	{	ı , u halı ای حالی	{	بله نمه دۇرومو
۶	اضافه ملکی		ın, un, hal این حالی		وارلیق دۇرومو

پسوندها با حروف صدادار با آهنگ پائینی

پسوندها با حروف صدادار با آهنگ پائینی

- در رابطه با نام حالت‌های تصریفی اسم ترکی به چهار مطلب زیر توجه کنید:

a) حالت‌های تصریفی اسم ترکی، در زبان فارسی معانی زیر را در خود انعکاس می‌دهند:
دُروم: چگونگی ایستادن، موقعیت، حالت.

۱) یالین آد (اسم لخت، ساده، بدون پوشاک) ۲) یؤلل دُرومو (سمت و سو، طرف، جهت)

۳) قالما دُرومو (ایستا، ساکن، ماندگار) ۴) چیخما دُرومو (خروج، بیرون رفت، در آمدن)

۵) بله نمه دُرومو (نشان شده، هدف مشخص شده) ۶) وارلیق دُرومو (داشتن، هستی، سرمایه)

b) کلمه حالت، کلمه عربی است که در زبان ترکی به آن «حال» (دُروم) گفته می‌شود

و «حالت اسم» نیز «آدین حالی» و یا «آدین دُرومو» نامیده می‌شود.

c) پنج پسوند «حالت تصریفی اسم» را می‌توان در زبان ترکی با سه نام مختلف زیر به کار گرفت:

حالت فاعلیت	حالت به	حالت در	حالت از	حالت را	اضافه ملکسی
۱	آ، آ حالی	ده، دا حالی	دن، دان حالی	ای، او حالی	این، اون حالی
۲	آ، آ دُرومو	ده، دا دُرومو	دن، دان دُرومو	ای، او دُرومو	این، اون دُرومو
۳	یؤلل دُرومو	قالما دُرومو	چیخما دُرومو	بله نمه دُرومو	وارلیق دُرومو

d) با وجودی که در این کتاب از سه نام حالت تصریفی صحبت می‌شود، ولی در توضیحات این کتاب عمدتاً از واژه «آ حالی»، «آ حالی» (حالت آ، حالت ا) استفاده می‌شود، چرا که آن آسان تر است و در زبان فارسی نیز فهمیده می‌شود.

اسم در حالت‌های تصریفی:

اسم در شش حالت صرف می‌شود، که در زبان ترکی يك حالت آن به شکل ساده و پنج حالت دیگر آن به وسیله پسوند به کار گرفته می‌شود.

حرف صدادارپسوندهای حالت‌های تصریفی وابسته به آخرین حرف صدادار اسم می‌باشد، که در صرف به دو گروه با آهنگ بالائی و پائینی تجزیه می‌شود، که سه حالت آن با هماهنگی کوچک و دو حالت دیگر آن با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود. مثال:

a) اسمی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی و با یکی از چهار حرف «a, i, o»

u « باشد، به شکل زیر با پسوند حالت تصریفی به کار گرفته می‌شود:

علائم فارسی		نام حالت‌های ترکی		پسوند حالت‌های تصریفی به شکل زیر با اسم ترکیب می‌شود.						
۱	حالت فاعلیت	yalın ad	یالین آد	{	یاشار	قیز	یؤل	قۆم	{	بدون پسوند
۲	حالت به	a halı	آ حالی	{	یاشارا	قیزا	یؤلا	قۆما	{	این سه حالت باهماهنگی کوچک صرف می‌شود.
۳	حالت در	da halı	دا حالی		یاشاردا	قیزدا	یؤلدا	قۆمدا		
۴	حالت از	dan halı	دان حالی		یاشاردان	قیزدان	یؤلدان	قۆمدان		
۵	حالت را	i, u halı	ای حالی	{	یاشاری	قیزی	یؤلۆ	قۆمو	{	این دو حالت باهماهنگی بزرگ صرف می‌شود.
۶	اضافه ملکی	in,un halı	این حالی		یاشارین	قیزین	یؤلۆن	قۆمون		

(b) اسمی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از پنج حرف «ə, e, i, ö, ü» باشد، به شکل زیر با پسوند تصریفی به کار گرفته می‌شود:

نام حالت‌های ترکی		پسوند حالت‌های تصریفی به شکل زیر با اسم ترکیب می‌یابد.								
۱	yalın ad	یالین آد	{	حسن	انل	خلیل	چؤل	گول	{	بدون پسوند
۲	ə halı	آ حالی	{	حسنه	انله	خلیله	چؤلله	گوله	{	این سه حالت با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.
۳	də halı	ده حالی		حسنده	انلده	خلیلده	چؤلده	گولده		
۴	dən halı	دن حالی		حسندن	انلدن	خلیلدن	چؤلدن	گولدن		
۵	i,ü halı	ای حالی	{	حسنی	انلی	خلیلی	چؤلۆ	گولۆ	{	این دو حالت با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود.
۶	in,ün halı	این،اون حالی		حسنین	انلین	خلیلین	چؤلۆن	گولۆن		

- در رابطه با اسم و حالت‌های تصریفی آن به چهار مطلب زیر توجه کنید:

(a) اسمی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ پائینی باشد، سه حالت آن با هماهنگی کوچک با حرف «a» و دو حالت دیگر آن با هماهنگی بزرگ با یکی از دو حرف صدادار «i, u»

ساخته می‌شود.

(b) اسمی که آخرین حرف صدادر آن با آهنگ بالائی باشد، سه حالت آن با هماهنگی کوچک با حرف « ə » و دو حالت دیگر آن با هماهنگی بزرگ با یکی از دو حرف صدادر « i, ü » ساخته می‌شود.

(c) در زبان ترکی هر پنج پسوند حالت تصریفی با خط عربی پیوسته به اسم نوشته می‌شوند، ولی آنها را می‌توان با خط لاتین به وسیله « کاما » از اسم نیز جدا نوشت:

پسوند های حالات اسم {	پسوند in	پسوند i	پسوند dən	پسوند də	پسوند ə
اسمی که آخرین حرف صدادر آن با آهنگ بالائی می‌باشد. {	Həsən,in	Həsən,i	Həsən,dən	Həsən,də	Həsən,ə
	el,in	el,i	el,dən	el,də	el,ə
	gül,ün	gül,ü	gül,dən	gül,də	gül,ə
اسمی که آخرین حرف صدادر آن با آهنگ پائینی می‌باشد. {	daş,in	daş,ı	daş,dan	daş,da	daş,a
	duz,un	duz,u	duz,dan	duz,da	duz,a

این دو پسوند با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود. این سه پسوند با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.

(d) اسمی که آخرین حرف آن همچون اولین حرف پسوند تصریفی حرف صدادر باشد، در « حالت را » و « اضافه ملکی » یک حرف « n » و « در حالت به » یک حرف « y » به خود گرفته و صرف می‌شود:

این دو حالت با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود.	این سه حالت با هماهنگی کوچک صرف می‌شود.	
اسمی که آخرین حرف صدادر آن با آهنگ بالائی می‌باشد. {	dədə,in	dədə,dən
	bibin,in	bibi,dən
	ütün,ün	ütü,dən
اسمی که آخرین حرف صدادر آن با آهنگ پائینی می‌باشد. {	atan,in	ata,dan
	quzun,un	quzu,dan

این دو حالت با حرف اضافه « n » به کار گرفته می‌شود. این حالت با حرف اضافه « y » به کار گرفته می‌شود.

سوال: چرا « حالت به » با حرف اضافه « n » صرف نمی‌شود؟

جواب: زیرا اگر با حرف « n » صرف شود، هم شکل با کلمات دیگر می‌شود. مثال:

با حرف « y »: آتایا (به مادر)، کلمه « آتا » اگر با حرف n صرف شود، به شکل

« آنا » یعنی هم شکل با « به مادر تو » در می آید، در نتیجه به شکل « آنا یا » صرف می شود.

- اگر کلمه صفتی، قیدی، عددی و سوالی در حالت های تصریفی به کار گرفته شود، اسم محسوب می شود. مثال:

حالت فاعلیت	آ ، آ	ده ، ده	دان ، دن	ای ، او	این ، اون
بورا	بورایا	burada	buradan	buranı	buranın
اؤرا	اؤرایا	orada	oradan	oranı	oranın
نه	نیه	nədə	nədən	nəyi	nəyin
کیم	کیمه	kimdə	kimdən	kimi	kimin
هارا	هارایا	harada	haradan	haranı	haranın
نه ره	نه ره یه	nərədə	nərədən	nərəni	nərənin
گۆزل	گۆزله	gözəldə	gözəldən	gözəli	gözəlin
آلت	آلتا	altda	altdan	altı	altın
حالت فاعلیت	سه حالت مذکور با هماهنگی کوچک صرف می شود.				دو حالت مذکور با هماهنگی بزرگ صرف می شود.

- در رابطه با کلمات جدول مذکور به دو مطلب زیر توجه کنید:

(۱) بعضی از کلماتی که آخرین حرف آنها (مثل: هارا ، بؤرا) صدادار است، در حالت های تصریفی (را، اضافه ملکی) به بین کلمه و پسوند يك حرف « n » افزوده می شود، ولی در موارد کمی هرکس به دلخواه خود کلمات مذکور را با حرف « y » نیز صرف می کند: بؤرایا . اؤرایا . هارایا . (به جای بؤرانی، اؤرانی، هارانی) ...

(۲) کلمه « نه nə » در جدول مذکور « در حالت به »، « در حالت را » و « اضافه ملکی » به وسیله حرف « y » به کار گرفته می شود، چرا که تک سیلابی می باشد. در زبان ترکی کلمات تک سیلابی که آخرین حرف آنها همانند اولین حرف پسوند تصریفی

صدا دار باشد، در میان آنها حرف « n » اضافه نشده بلکه با يك حرف « y » به کار گرفته می شوند. مثال:

نه؟ ، نه یه؟ nəyə ، نه یی؟ nəyi ، نه یین؟ nəyin

۲) ضمایر شخصی در حالت های تصریفی:

- ضمایر شخصی نیز در شش حالت تصریفی صرف می شوند، که يك حالت آنها بدون پسوند و پنج حالت دیگر آنها با پسوند به کار گرفته می شوند. حرف صدا دار پسوندهای تصریفی وابسته به آخرین حرف صدا دار ضمایر شخصی می باشد، که در صرف به دو گروه با آهنگ بالائی و پائینی تجزیه می شود.

- حرف صدا دار ضمیر اول و دوم شخص مفرد و جمع با آهنگ بالائی و ضمیر سوم شخص مفرد و جمع با آهنگ پائینی می باشد، که سه حالت آنها با هماهنگی کوچک و دو حالت دیگر آنها با هماهنگی بزرگ به شکل زیر صرف می شوند:

حالت فعالیت (فاعلی)	من	سن	اؤ	بیژ	سیزه	اؤنلار	بدون پسوند
حالت « به »	منه	سنه	اؤنا	بیژه	سیزه	اؤنلارا	این سه حالت با هماهنگی کوچک صرف می شود.
	منده	سنده	اؤندا	بیژده	سیژده	اؤنلاردا	
	مندن	سندن	اؤندان	بیژدن	سیژدن	اؤنلاردان	
حالت « را »	منی	سنی	اؤنو	بیژی	سیژی	اؤنلاری	این دو حالت با هماهنگی بزرگ صرف می شود.
	منیم	سنیم	اؤنون	بیژیم	سیژیم	اؤنلاریم	

- در رابطه با ضمایر شخص و حالت های تصریفی به شش موضوع زیر توجه کنید:
 يك) ضمیر سوم شخص مفرد تنها يك حرف صدا دار (o) دارد، که آخرین حرف صدا دار کلمه نیز محسوب می شود و در حالت های تصریفی يك حرف « n » به خود می گیرد:
 اؤ : اؤنا ona ، اؤندا onda ، اؤندان ondan ، اؤنو onu ، اؤنون onun

دو) ضمیر سوم شخص مفرد و جمع (o ، onlar) با حروف صدادار با آهنگ پایینی ساخته می‌شود، در نتیجه پسوند آن با حروف صدادار با آهنگ پایینی به کار گرفته می‌شوند. مثال:

o : on;a , on,un , on un,kun,da . onlar : onlar;a , onlar,in , onlar,in ,kin,da

سه) پسوند حالت‌های تصریفی با خط عربی پیوسته به ضمائر شخصی نوشته می‌شوند، ولی آنها را می‌توان در توضیحات دستوری با خط لاتین به وسیله « کاما » از ضمائر شخصی نیز جدا نوشت:

بدون پسوند	mən,bən	sən	o	biz	siz	onlar	یالین آد
این سه ضمیر با هماهنگی کوچک صرف می‌شوند.	mən,ə	sən,ə	on,a	biz,ə	siz,ə	onlar,a	آ ، ه حالی
	mən,də	sən,də	on,da	biz,də	siz,də	onlar,da	ده حالی
	mən,dən	sən,dən	on,dən	biz,dən	siz,dən	onlar,dən	دن حالی
این دو پسوند با هماهنگی بزرگ صرف می‌شوند.	mən,i	sən,i	on,u	biz,i	siz,i	onlar,ı	ای ، ا + ای حالی
	mən,im	sən,in	on,un	biz,im	siz,in	onlar,in	این + in,un حالی

چهار) در زبان ترکی اولین حرف ضمائر شخصی مفرد و جمع هم شکل می‌باشد، در نتیجه ضمیر اول شخص مفرد به شکل « bən بن » اول شخص جمع به شکل « biz بیز » می‌باشد، که امروزه در آذربایجان به شکل « mən من » به کار گرفته می‌شود، ولی در اشعار قدیمی به شکل « من » و « بن » نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

پنج) ضمائر شخصی با علامت ملکی (مثل: منیم ، سنین) در زبان فارسی موجود نیست، ولی مفهوم آن با کلمه عربی « مال » و اضافه ملکی به شکل « مال من ، مل تو » بیان می‌شود و در مواردی به ویژه در اشعار قدیم فارسی، آن را با ترکیب کلمه « از ، آن من » (از آن من) و در مواردی نیز به شکل « ز آن من » به کل برده اند. ولی « مال من » مفهوم کاملی دارد که مترادف با ترکی آن (mənim منیم) بیان می‌شود.

شش) در زبان ترکی ضمیر اول و دوم شخص جمع کلمه «بیز، سیز» می باشد، که به وسیله علائم «لر، لار» مجدداً جمع بسته شده و به شکل زیر در حالت های تصریفی صرف می شود:

فارسی	ترکی	بیز	biz	سیز	siz	چگونگی حالت تصریفی
حالت فاعلیت	یالین آد	{	bizlər	بیزلر	sizlər	{
حالت «به»	ه + حالی		bizlərə	بیزلره	sizlərə	این سه حالت
حالت «در»	ده + حالی	{	bizlərdə	بیزلرده	sizlərdə	} تصریفی با هماهنگی کوچک صرف می شوند.
حالت «از»	دن + حالی		bizlərdən	بیزلردن	sizlərdən	
حالت «را»	ای + حالی		bizləri	بیزلری	sizləri	} این دو حالت با هماهنگی بزرگ صرف می شوند.
اضافه ملکی	این + حالی	{	bizlərin	بیزلرین	sizlərin	

۳) چگونگی به کارگیری و عملکرد حالت های تصریفی اسم و ضمیر و کلمه «کی»:

در صفحات قبلی چگونگی ترکیب اسم و ضمیر با پسوندهای تصریفی شرح داده شد. اکنون در صفحات زیر به تشریح به کارگیری و عملکرد آنها در کنار سایر کلمات در جمله پرداخته می شود.

برای روشن شدن هر چه بهتر چگونگی صرف و عملکرد تک تک حالت های تصریفی اسم و ضمیر در صفحات زیر توضیحاتی داده و مثالهایی آورده می شود؛ سپس چند قطعه شعر از شعرای آذربایجان که در آنها نیز اسم و ضمیر با پسوند حالت های تصریفی به کار گرفته شده اند، برای نمونه و به عنوان سند تاریخی درج شده اند؛ لطفاً به آنها نیز دقت کنید:

۳-۱) حالت فاعلیت (فاعلی) اسم:

حالت فاعلیت اسم را در زبان ترکی، «یالین آد» می نامیم، که آن در جمله بدون پسوند به کار گرفته می شود. مثال:

لاله گلیر. خالا گنریر. حسن دانیشیر.

حسن آياخ يالين دير. حسن كيم دير؟ حسن منيم قارداشيم دير.

در جملات مذکور « حسن ، او ، لاله و خالا » در حالت فاعليت به كار گرفته مي شود.

– « حالت فاعليت » اسم (يالين آد) در جمله با دو مفهوم زير به كار گرفته مي شود:

(a) لاله بۇگون بۇرايا گليير. « لاله » در جمله با مفهوم « فاعليت »، به عنوان « كنده كار، فاعل » و يا « كسي كه عملی را انجام مي دهد »، به كار گرفته مي شود.

(b) لاله ياخشى آدم دير. « لاله » در جمله در حالت فاعليت (يالين آد) به كار گرفته مي شود؛ با وجودی كه لاله كاری را انجام نسي دهد، ولی وی در جمله فاعل محسوب مي شود.

(۲-۳) حالت مفعول با واسطه با حروف اضافه « به »، در زبان تركي « يۇنل دۇرومو » و يا « a , ə حالی » نامیده شده و با هماهنگی كوچك صرف مي شود. مثال:

(a) كلماتی كه آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ بالائی می باشد:

او منه دئيبير. o mənə deyir. (سوال: كيمه دئيبير؟ جواب: منه دئيبير.)

او بيزه گتيرير. o bizə gətirir. (سوال: نه ريه گتيرير؟ جواب: انوه گتيرير.)

من سنه دئيبيرم. من سيزه گليرم. سن كيتابی كيمه وئردين؟ من اوئو لاله يه وئرديم.

(b) كلماتی كه آخرین حرف صدادار آنها با آهنگ پائینی می باشد:

من ياشارا دنديم. سن بۇ كيتابی ياشارا آلدین. سن بۇ كيتابی خالایا وئردین.

اؤنا باخ، او آياخ يالين دير. من اوئو دئيبيرم. آی يا (aya) باخ. سۇيا آت.

آغاچا ديرماش، آغاچا چيخ. اوئو اويرت. اوئو سۇيله. و...

(c) از اينكه « حالت به » حرف صدادار « a , ə » می باشد، اگر آخرین حرف اسم نيز صدادار باشد، در صرف در بين كلمه و پسوند يك حرف « y » افزوده شده و به شكل زير به كار گرفته مي شود:

آنا يا anaya ، دده يه dədəyə ، ننه يه nənəyə. باجی يا baciya. خالایا xalaya

– در رابطه با به كارگيري حالت مفعول با واسطه « به » (a,ə) به اشعار زير توجه كنيد:

وهاب زاده: واخت منی پروانه تك باشينا دولانديرير دونن قانماديغيمي بۇگون منه قانديرير...

من اوز آزادليغيم تانري دنديم بيرحۇكومه بير فرمانا من باشيمي آيمه ديم

خاقانی: سۇزه بۇگون انيله رونق وئردى كه (كى) فتح انتدى اوئونلا بوتون دونيانى

ميرزا ابراهيم اوف: آختاريب شان و شرف چۇخارى گنتدى اوزاغا يادلارا سجده قيليپ سالدى اوزونو آياغا

از کتاب علیار صفری (آذربایجان ادبیاتی تاریخی):

قۇدرو گلیمیشیک سیزه حورمت الیدین بیزه

بۇ گنجہ قیز سیزده دیر صاباج آپاریق بیزه

۳-۳) حالت مفعول با واسطه با حروف اضافه « در » :

حالت مفعول با واسطه با حروف اضافه « در»، در زبان ترکی « قالمادۇرومو » و یا « ده، ط حالی » نامیده شده و با هماهنگی کوچک (da ، də) صرف می شود. مثال:

a) کلمه ای که آخرین حرف صدادر آن با آهنگ بالائی باشد، به شرح زیر با پسوند « ده » در حالت تصریفی صرف می شود:

کیتاب منده دیر. kitab mändəd ir. اینک چیمن ده دیر. (لر) inək çiməndədir.

کیتاب کیم ده دیر؟ کیتاب احمدده دیر. قلم لاله ده دیر. او کیمده دیر؟

کیتاب منده دیر. قلم سنده دیر. کیتابلار بیزده دیرلر. و...

b) کلمه ای که آخرین حرف صدادر آن با آهنگ پائینی باشد، به شرح زیر در جمله به کار گرفته می شود:

من بۇرادا یام. mən buradayam ، من باغدا یام. mən bağdayam ، کیتاب یاشاردا دیر.

سۇ دریادادیر. آنا ماشیندادیر. ماشین یۇلدا دیر. ماشین رسول دادیر. یارپاق آغاج دا دیر

سوال: او کیمده دیر؟

جواب: او اۇندا دیر. او اۇندادنگیل. او یاشاردا دیر.

بۇ کیمده دیر؟ بۇ منده دیر. بۇ اۇنلاردا دیر. او اۇنلاردا دنگیل دیر.

- در رابطه با حالت مفعول با واسطه « در » (ده ، دا) ، به اشعار زیر توجه کنید:

از کتاب علیار صفری: (آذربایجان ادبیاتی تاریخی)

قارا ککلیک، گونده من کؤلگه سن، گونده من

سن یات قایا دیبینه قوی قارالیم گونده من

واحد: گوزلیم، گوزلرینین صحبتی هر یاندا اولور بۇ ملاحظلی باخیشلار قوزی جئیرانده (دا) اولور.

توجه: فعل را می توان با پسوند « ده » در فرم فعل و اسم به کار گرفت:

به فعل در « لحظه آغازین کار » توجه شود.

۳) حالت مفعول با واسطه « در » با اسم و ضمیر و کلمه ربطی « کی » ترکیب می‌یابد و با مفاهیم زیر به کار گرفته می‌شود:

- پسوند حالت مفعول با واسطه « در » (ده ، دا) و کلمه « کی » را می‌توان با اسم و یا با ضمیر شخصی ترکیب داد و به شکل « منده کی » با مفهوم « آنچه [که] در پیش من است » و یا « حسنده کی »، « آنچه [که] در پیش حسن است » (به شکل کلمه انعکاسی) به کار گرفت و بدین سان به جای جمله طولانی از کلمه ترکیبی کوتاه (شبیه جمله) استفاده کرد. مثال:

a) پسوند « حالت در » (ده) و کلمه ربطی « کی » به شکل زیر با ضمیر شخصی ترکیب می‌یابد و با مفهوم « آنچه [که] در پیش من است » به کار گرفته می‌شود. از اینکه آخرین حرف کلمه « کی » صدادار است، در نتیجه در حالت‌های تصریفی يك حرف اضافه « n » به خود می‌گیرد و به شکل زیر صرف می‌شود:

شماره	نام ضمایر شخصی	من	سن	اؤ	بیــــز	سیــــز	اؤ نلار
۱	حالت فاعلیت	منده کی	سنده کی	اؤنداکی	بیزده کی	سیزده کی	اؤنلاردا کی
۲		منده کی نه	سنده کی نه	اونداکي نا	بیزده کی نه	سیزده کی نه	اؤنلارداکی نا
۳	حالت « در »	منده کی نده	سنده کی نده	اونداکي ندا	بیزده کی نده	سیزده کی نده	اؤنلارداکی ندا
۴		منده کی نندن	سنده کی نندن	اونداکي ندان	بیزده کی نندن	سیزده کی نندن	اؤنلارداکی ندان
۵	حالت « را »	منده کی نی	سنده کی نی	اونداکي نی	بیزده کی نی	سیزده کی نی	اؤنلارداکی نی
۶		حالت ملکی	منده کی نین	سنده کی نین	اونداکي نین	بیزده کی نین	سیزده کی نین

توجه: - ترکیب کلمات و پسوندهای مذکور به شکل « من ، من ده کی » می‌باشند، که عملکردی همچون ضمایر انعکاسی می‌باشند. مثال:

کیمده کی؟ بیزده کی (آنچه در پیش ما است)، سیزده کی (آنچه در پیش شما است).
 نه ره ده کی؟ نه یئرده کی . بؤیئرده کی . اؤ یئرده کی .

- کلمات مذکور را می‌توان با خط عربی در ترکیبات مختلف نوشت. مثال:

منده کینین (منده کی نین)، سنده کینین (سنده کی نین) ...

(b) پسوند «ده» همراه اسم به شرح زیر با کلمه ربطی «کی» ترکیب می‌یابد و به شکل «حسنده کی» با مفهوم «آنچه [که] در پیش حسن است.» به کار گرفته شده و در حالت‌های تصریفی صرف می‌شود. مثال:

۱	حالت فاعلیت {	حسنده کی	انلده کی	گولده کی	گولده کی	رسول داکسی	یؤل داکسی
۲	حالت «به»	حسنده کی نه	انلده کی نه	گولده کی نه	گولده کی نه	رسول داکینا	یؤل داکینا
۳	حالت «در» {	حسنده کی نده	انلده کی نده	گولده کی نده	گولده کی نده	رسول داکیندا	یؤل داکیندا
۴	حالت «از»	حسنده کی نندن	انلده کی نندن	گولده کی نندن	گولده کی نندن	رسول داکیندان	یؤل داکیندان
۵	حالت «را» {	حسنده کی نی	انلده کی نی	گولده کی نی	گولده کی نی	رسول داکینی	یؤل داکینی
۶	اضافه ملکی	حسنده کی نین	انلده کی نین	گولده کی نین	گولده کی نین	رسول داکینین	یؤل داکینین

توجه:- کلمات جدول مذکور از سه بخش ترکیب می‌یابند. مثال:

حسن - ده - کی (حسنده کی)

- کلمات جدول مذکور همانند سوم شخص مفرد، با پسوند صرفی (دیر) با

مفهوم «چه کسی» و یا «چه چیزی» مورد سوال و جواب قرار می‌گیرند:

کیمده کینده دیر؟ حسنده کینده دیر. منده کینده دیر. سنده کینده دیر.

نه ده کینده دیر؟ اونداکیندا دیر. بونداکیندا دیر.

- اگر کلمات ترکیب یافته با اسم انسان آغاز شود، با خط لاتین اولین حرف آنها

درشت نوشته می‌شود: Həsən,də,kinə , Rəsul,da,ki , Əli,də,kin,də,ki .

- حالت مفعول با واسطه با حروف اضافی «از»، در زبان ترکی «چیخما دۇرومو» و یا

«دن ، دان حالی» نامیده شده و با هماهنگی کوچک به کار گرفته می‌شود. مثال:

(a) کلماتی که آخرین حرف صدا دار آنها با آهنگ پائینی می‌باشد:

من کیتابی اوندان آلیرام. mən kitabı ondan alıram. (من کتاب را از او می‌گیرم.)

- اۇ بۇرادان گىدىر. o buradan gedir. (او از اينجا مى رود.)
 هوا سۇيوقدور اطاقدان انشىگە چىخماق اولمور. كىتابى يشاردان آلدىم. اۇ قاراباغدان گلىر.
 سۇ داغدان گلىر. بۇ يارپاق اۇ آغاج دان دىر. قاپى تاختادان (تخته دن) دىر. ...
 (b) كىلماتى كە آخريىن حرف صدادار آنها با آهنگ بالائى است:
 اۇ انشىكىدن گلىر. o eşikdən gəlir. (او از بيرون مى آيد.)
 اۇ سندن كوسور. o səndən kūsür. (او از تو قهر مى كند.)
 بۇ ايشدن بيزه چۇرك چىخماز. سندن بيزه خئير گلمز. اۇنار گزمكدن گلىرلر.
 سن بۇ كىتابى كىمدن آلدىن؟ من بۇ كىتابى حسندن آلدىم. ...
 - حالت با واسطه با حروف اضافه « از » (دن، دان) در جمله با مفاهيم مختلف زير
 به كار گرفته مى شود. مثال:
 (a) به شكل بيان اهليت:
 اۇ هارادان گلىر؟ o haradan gəlir. (او از كجا مى آيد.)
 اۇ تبرىزدن گلىر. o təbrizdən gəlir. (او از تبريز مى آيد.)
 اۇ تهران داندىر. اۇ زىجان داندىر. اۇ آمريكادان گلىر.
 اۇ آذربايجاندىن دىر. اۇ قاراباغدان گلىر. اۇ زىجاندىن دنگىل.
 (b) به شكل حالت « از »: (او از كجا مى آيد؟)
 اۇ ايشدن گلىر. o işdən gəlir. (او از كار مى آيد.)
 اۇ انودن چىخدى. اۇ آلىش وئرىشدىن گلىر. اۇ باغدان گلىر.
 اۇ ، پالتوو بازاردان آدى. اۇ چۇلدىن گلىر. اۇ بۇرادان گئتىدى. ...
 (c) به شكل حامى بودن: (طرفدار ، هواخواه بودن)
 اۇ كىم دن دىر؟ o kimdəndir. (او طرفدار كى است.)
 اۇ بىزدن دىر. o bizdəndir. (او از ما است. [طرفدار])
 اۇ بىزدن دنگىل. o bizdən deyil. (او از ما نيست. [طرفدار])
 اۇ سۇلجولاردان دىر. اۇ ساغجىلاردان دىر. اۇ هئچ كىمدن دنگىل.

(d از چه موادی است:) (از چه چیزی ترکیب یافته است .)

- اۇ ئۇ ئۇن دېر؟ o ev nādändir? (آن خانه از چه ساخته شده است ؟)
 اۇ ئۇ پالچىقدان دېر. o ev palçıqdandır. (آن خانه از گل [ساخته شده] است.)
 اۇ ماشين دميردن دېر. o maşın dəmirdəndir. (آن ماشين از آهن [ساخته شده] است.)
 بۇ قاپى نە دن دېر؟ بۇ قاپى دميردن دېر. بۇ قاپى تاختاداندېر. (تخته دندېر)

(k به شکل تشبیهی و وصفی:

بۇ ئۇ ئۇندان اۇجا دېر. bu ev ondan uca,dır.

بۇ گۈل ئۇندان گۈزل دېر. bu gül ondan gözəldir.

بۇ ئۇندان ياخشىدېر. bu ondan yaxşıdır. (این از آن یکی بهتر است.)

بۇ آغاج ، اۇ ئۇندان اۇجارقدير. اۇ ئۇ ، بۇ ئۇندان اۇجا دېر.

– در رابطه با حالت مفعول با واسطه «از» (ترکی: دن ، دان)، به اشعار زیر توجه کنید:

کتاب دده قۇرقود: آپول آپول یۇروشیندن آسلان کیبى تۇروشیندن (یوروشوندن. دۇروشوندان)...

هونرى اۇغول آتادان مى گۇره ر، اۇگره نر، یۇخسا آتار، اۇغولدان مى اۇگره نر؟..

وهاب زاده: ... خبریمیز اۆلمور گلشیمیزدن، اینانا بیلیمیریک گنتمه ییمیزدن.

... یۇرۇلدوق زمان – زمان بۇ وۇرۇشدان بۇ قالدان. عمور یۇلو مجسولدان ...

علی واحد: چیخ ، ای قان ایچن ییرتیجی، چیخ تۇرپاغیمیزدان!

خانن گۇزونی چك ده ره میزدن، داغیمیزدان! ...

توجه: با پسوند « دن » می توان فعل را به فعل فاعلیت صفتی تبدیل کرد:

فعل در لحظه آغازین کار

– حالت مفعول بی واسطه « را » ،

در زبان ترکی « بکه نمه دۇرومو bələnmə durumu » و یا « i , ı , ü , u حالی » نامیده شده

و با هماهنگی بزرگ صرف می شود. مثال:

(a) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شرح زیر در حالت تهلی

تصريفى به كار گرفته مى شود:

منى،	سنى،	بيزى،	سيزى
او بيزى سئوير.	o bizi sevir.	(او ما را دوست دارد.)	
بيز اؤكوزو گوروروك.	biz öküzü görürük.	(ما گاو نر را مى بينيم.)	
من گولو درديم.	من لاله نى گورمورم.	سن كيتابى كيمه وئردين؟	من كيتابى حسنه وئرديم.
b) كلماتى كه آخرين حرف صدادار آنها با آهنگ پائينى باشد، به شرح زير صرف مى شوند:			
سن اؤنو (اؤنى) گورورسن.	sən onu görürsən.	(تو او را مى بينى.)	
سن آغاجى كسيرسن.	sən ağacı kəsirsən.	(تو درخت را مى برى.)	
من ده اؤنو گوردوم.	سن رسولو گورمه دين مى؟	من ياشارى گوردوم.	
من قوزونو قوودوم.	من سؤيو ايچديم.	من دؤزو توكوم.	

– در رابطه با به كارگيرى حالت بى واسطه « را » (i,ı,ü,u)، به اشعار زير توجه كنيد:

فضولى: اى كؤنول غمرومو وئردين يئله عاشيقلىق ايله

باخما هر غنچه لب و گلرخه، آه انتمه داخى

بنى خزر: مرمر ديوارلارا چيرپادى اوزونو... اؤلوم شكتنى ايله دندى سوزونو...

زينال جبار زاده: قارانلىغى چكدين دارا شفق ساچدين هر دييارا

(پناه اولدون مظلوملارا گؤزل ، آزاد وطنيميز)

توجه: اگر آخرين حرف صدادار اسمى صدادار باشد، در « حالت را » يك

حرف « n » به خود مى گيرد. مثال: nənə,ni , əli,ni , quzu,nu

– حالت اضافه ملكى:

حالت اضافه ملكى، پسوند « اين ، in » مى باشد، كه « وارلىق دۇرومو varlıq durumu » و يا

« un , in , in , ün » حالى» ناميده مى شود و حرف صدادار آن وابسته به آخرين حرف صدادار اسم

و يا ضمير مى باشد كه با هماهنگى بزرگ صرف مى شود. مثال:

سنين ايكى آلين وار. sənın iki əlin var. (تو دو دست دارى.)

(من يك بز دارم .)	mənim bir geçim var .	منیم بیر گنجیم وار .
(تو هم يك سگ داری .)	sənin də bir itin var .	سنین ده بیر ایتین وار .
(او هم برای گفتن حرفی دارد .)	onunda deməyə sözü var .	اونوندا دئمیه سؤزو وار .
(من کتاب دارم .)	mənim kitabım var .	منیم کیتابیم وار .
(من يك دختر دارم .)	mənim bir qızım var .	منیم بیر قیزیم وار .
(او يك گوسفند دارد .)	onun bir qoyunu var .	اونون بیر قویونو وار .
(تو هم يك بره داری .)	sənin də bir quzun var .	سنین ده بیر قوزون وار .
(اسم تو ياشار است .)	sənin adın Yaşardır .	سنین آدین یاشار دیر .
(توهم کتاب داری .)	sənin də kitabın var .	سنینده کیتابین وار .
(تو يك پسر داری .)	sənin bir oğlun var .	سنین بیر اؤغلون وار .

(a) کلمه ای که آخرین حرف صدا دار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر با پسوند ملکی صرف می شود:

اٲوین قاپیسی، اؤکوزون بۇرنوزو، بۇ اٲو کیمین دیر؟

بۇ اٲو سیزین دیر می؟ بۇ چیچک، بۇ گولوندور. بۇ ینملر اؤکوزوندور. و..

(b) کلمه ای که آخرین حرف صدا دار آن با آهنگ پائینی باشد، به شکل زیر به کار گرفته می شود:

اؤغلانین یۇلداشی، قیزین قارداشی، اٲونون قارداشین، قۇناغین پلٲوٲو،

قۇچون بۇرنوزو دور، آغاجین یارپاغی دیر، داغین باشی دیر، و...

(c) کلمه ای که آخرین حرف آن صدا دار باشد، « حالت ملکی » آن يك حرف « n » به خود می گیرد و به شکل زیر صرف می شود. مثال:

علی نین بیر ماشینى وار. Əlinin bir maşını var، ننه نین اٲوی، دده نین قارداشی، آتائین

یۇلداشی، باجی نین اؤغلو، بیبی نین خالاسی، دایی نین دا اٲوی وار و...

– در رابطه با به کارگیری پسوند ملکی، به اشعار زیر توجه کنید:

خاقانی شروانی: اؤ کمان قاشینین دیوانه سییم حسنونون اؤدونون پروانه سییم

مجید صباغ ایرانی: ظلم ایله بیزی آیری سالیب لار ائلیمیزدن آیری سالالی هم ائلیمیزدن، دیلیمیزدن وهاب زاده: زمانین آلیندن نه غملمر یئدی، یئنه ده دنیادان اوزو دؤنمه دی...
باش چیخارماق هم چتین دیر هم آسان ایبلیسیندن، مله ییندن دونیانین

۵) پسوند ملکی و عملکرد آن:

a) علامتی که به آن پسوند ملکی می‌نامیم، مفاهیم «نسبت دادن، تعلق داشتن، متعلق بودن، تعلقات خویشاوندی داشتن، مال و ثروت داشتن، صاحب شدن و...» را در رابطه با اشخاص، حیوانات، حشرات و اشیاء در خود انعکاس می‌دهد. مثال:

منیم قارداشیم، منیم انویم، منیم ننه م، منیم ماشینیم، ماشینین صاحبی،
داغین قاری، انوین قاپیسی، آغاجین باری و...
حسنین ایتی، قۇچون بۇرنوزو، ایتین قۇیروغو، قۇیونون سوتو و...

- با وجودی که علامت «in» را پسوند ملکی می‌نامیم، ولی از آن مالکیت دادن انسان به انسان و حیوان به حیوان، حشرات به حشرات و اشیاء به اشیاء دیگر فهمیده نمی‌شود، ولی برای جلوگیری از هرگونه سوء تفاهم در توضیحات این کتاب به ویژه در رابطه با انسان به جای بیان «مالکیت داشتن» و «یا تعلق داشتن» از واژه «نسبت دادن اسم به اسم دیگر» استفاده می‌شود. مثال:

علی‌نین خالاسینین اۇغلو.

یعنی در این جمله به جای بیان «تعلق داشتن، مالک بودن» از کلمه «نسبت دادن» «اۇغلان به خالا و خالا به علی» استفاده می‌شود.

پسوند ملکی بعضی از علائم دستوری (مثال: تعلق داشتن، نسبت دادن، مسند و مسندالیه و...) را در خود انعکاس می‌دهد و بدین سان مسائل و مشکلات دستوری را آسان تر می‌سازد، اما آن چیزی که در این زبان مشکل به نظر می‌رسد، صرف حرف صدادر آن است، که در صفحات زیر چگونگی آن بررسی شده و تشریح داده می‌شود:

پسوندهای ملکی، اسم نسبت داده شده را در ترکیب اسم قبلی بیان می‌کند: (b) پسوند ملکی (in.ün)، در ترکیب اسم، اسم (دیگری) را که به آن نسبت داده شده را در خود منعکس می‌کند و در فرم سوم شخص مفرد صرف می‌شود. به عبارت دیگر پسوند ملکی علامت شخص سومی است که در ترکیب اسم و ضمیر به وسیله « in » (مثل: لاله نین، منیم، سنین، اؤنون) بیان می‌شود. برای مثال در مقابل بیان کلمه « رسولون، لاله نین، منیم، سنین » سوال و جوابهای زیر مطرح می‌شود:

سوال: رسولون نه یین؟ منیم نه ییم؟ سنین نه یین؟ اؤنون نه یی؟ منیم کییم؟
سنین کییمین؟ اؤنون کییی؟

جواب: منیم قارداشیم. منیم ائویم. منیم بالام. سنین ائوین. سنین قارداشین. سنین ماشینی. اؤنون باجی سی. سنین یوردون. اؤنون ننه سی. اؤنون ماشینی. و...

برای نمونه دیگر، کلمه « سنین » را در نظر می‌گیریم، که پسوند ملکی به کلمه « سن » پیوند می‌خورد و بدین سان اسم بعدی را برای آن نسبت می‌دهد و به وسیله پسوند صرفی « دیر » به شکل سوم شخص مفرد مورد سوال و جواب قرار می‌گیرد. مثال:

سنین: سنین نه ییندیر؟ سنین کییمین دیر؟ سنین ماشینی دیر.

بیزیم: بیزیمدیر. کییمین؟ کییمیندیر؟ سیزیمدیر.

اؤنون: اؤنون باجی سی نیندیر. اؤنون دده سی نیندیر. اؤنون خالاسی نیندیر.

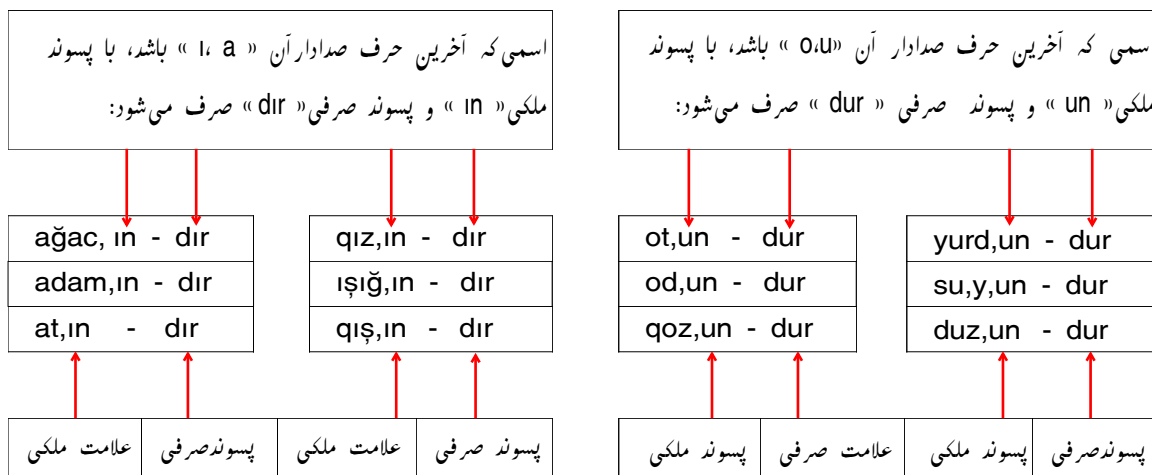
حرف صدادار پسوند ملکی و چگونگی صرف آن با پسوند صرفی (دیر):

حرف صدادار پسوند ملکی و پسوند صرفی وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل خود می‌باشد، که در صرف به دو گروه با آهنگ بالائی و پائینی تجزیه شده و به شرح زیر در فرم سوم شخص مفرد با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود.

یک) پسوند ملکی (in) و پسوند صرفی (dir) در صرف با اسم:

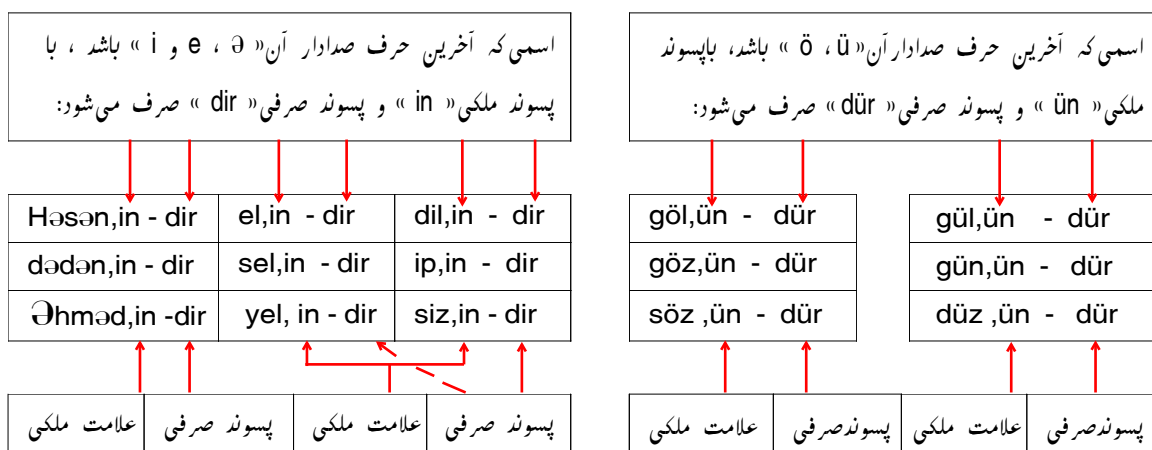
a) پسوند ملکی و پسوند صرفی همراه اسمی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ

پایینی باشد، در فرم سوم شخص مفرد با هماهنگی بزرگ به کار گرفته می‌شود:



بۇ يارپاقلار، بۇ آغاجيندير (لار). بۇ كىتاب لار كيمين دير (لر)؟ اوئلار منيم دير (لر).

(b) پسوند ملکی (این) و پسوند صرفی (دیر) همراه اسمی که آخرین حرف صدادر آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر به کار گرفته می‌شود:



- اسامی مذکور در ترکیب با پسوند ملکی و پسوند صرفی به شکل زیر در کنار کلمات دیگر در جمله به کار گرفته می‌شوند:

حسن منیم یۇلداشیم دیر. بۇ کیتاب کیمین دیر؟ بۇ کیتاب حسنین دیر. بۇ کیتاب رسۇلوندور.

نە منیم دیر؟ بۇ کیتاب منیم دیر. او منیم نە ییمدیر؟ او منیم ائویمدیر. او منیم باجیم دیر.

(c) اسمی که آخرین حرف آن صدادر باشد، در صرف به خود یک حرف « n » می‌گیرد و به شکل زیر با پسوند ملکی (این) همراه پسوند صرفی (دیر) برای ضمائر شخصی

صرف می شود. مثال:

nənə,nin dir	ütü,nün dūr	bibi,nin dir	اسمی که آخرین حرف صدادر آن با آهنگ بالائی است:
--------------	-------------	--------------	--

bacı,nin dir	quzu,nun dur	o,nun dur	اسمی که آخرین حرف صدادر آن با آهنگ پائینی است:
--------------	--------------	-----------	--

ana,nin,dir . dayı,nın,dir . ananın dir .

(دو) پسوند ملکی و پسوند صرفی « dir » در صرف با ضمائر شخصی:

- در صرف ضمائر شخصی، حرف صدادر پسوند ملکی و پسوند صرفی وابسته به آخرین حرف صدادر ضمائر شخصی می باشد، که در فرم سوم شخص مفرد با هماهنگی بزرگ و با چهار پسوند (im , in , in , un) به کار گرفته می شود. مثال:

(a) پسوند ملکی با ضمیر اول شخص مفرد و جمع با هماهنگی بزرگ و با علامت « im » صرف می شود: منیم man im ، بیزیم biz im ، کیمیندیر؟ منیم دیر. بیزیمدیر.

(b) پسوند ملکی با ضمیر دوم شخص مفرد و جمع با هماهنگی بزرگ و با علامت « in » صرف می شود: سنین sən in ، سیزین siz in ، کیمین دیر؟ سنین دیر. سیزیندیر.

- پسوند ملکی (in) و پسوند صرفی (دیر) به شکل زیر در رابطه با دوم شخص مفرد با پسوند سوم شخص مفرد مورد سوال و جواب قرار می گیرد. مثال:

سنین. سنین نه ییندیر؟ سنین کیمیندیر؟ سنین اویندیر. سنین باجیندیر. ...

(c) پسوند ملکی با ضمیر سوم شخص مفرد با هماهنگی بزرگ و با علامت « un » به شکل سوم شخص مفرد به کار گرفته می شود: on , un ، اونوندور. اونون دنگیل دیر.

(d) پسوند ملکی با ضمیر سوم شخص جمع با هماهنگی بزرگ و با علامت « in » صرف می شود:

اونلارین in , onlar ، بونلارین in bunlar

کیمیندیر؟ نه یین دیر؟ اونلاریندیر. کیملریندیر (لر)؟ بونلاریندیر (لار).

- با وجودی که حرف صدادر پسوند ملکی وابسته به آخرین حرف صدادر اسم (و یا ضمیر) می باشد و با هماهنگی بزرگ صرف می شود، ولی بین آنها تفاوتی نیز مشاهده می شود:

یعنی حرف صدادار پسوند ملکی اسم با یکی از چهار حرف صدادر « i, ı, ü, u » و پسوند ملکی ضمائر شخصی با یکی از سه حرف صدادر « i, ı, u » به کار گرفته می‌شود؛ چراکه آخرین حرف صدادر شش ضمیر شخصی (mən , sən , o , biz , siz , onlar) فقط با یکی از چهار حرف صدادر « ə , a , i , o » به کار گرفته می‌شود، یعنی در ترکیب آنها دو حرف صدادر « ö , ü » شرکت داده نمی‌شود، در نتیجه پسوند ملکی آنها به وسیله حرف « ü » ساخته نمی‌شود؛ در صورتی که آخرین حرف صدادر اسم با یکی از ۹ حرف صدادر (ə , e , i , ö , ü , a , ı , o , u) به کار گرفته می‌شود، در نتیجه پسوند آنها با یکی از چهار حرف صدادر « i , ı , u , ü » ساخته می‌شود:

- برای آشنائی هر چه بهتر با نحوه به کارگیری هماهنگی حروف صدادر در ترکیب پسوندهای ملکی، جدولهایی در زیر آمده، که در جدول اول ضمائر شخصی در اول جمله و در جدول آخر اسم در اول جمله قرار گرفته است:

(a) اسمی که آخرین حرف صدادر آن با آهنگ پایینی باشد، پسوند ملکی آن با یکی از دو حرف صدادر « ı , u » ساخته شده و به شکل زیر برای ضمائر شخصی نسبت داده می‌شود:

این دو اسم به ضمیر ما قبل خود نسبت داده شده اند.				این دو اسم به ضمیر ما قبل خود نسبت داده شده اند.											
mən , im	}	qardaş	qız	}	ım	mən , im	}	ox	duz	}	um				
biz , im		qardaş	qız		ım, ız	biz , im		ox	duz		um uz				
sən , in		qardaş	qız		ın	sən , in		ox	duz		un				
siz , in		qardaş	qız		ınız	siz , in		ox	duz		unuz				
on , un		qardaş	qız		ı(n)	on , un		ox	duz		u (n)				
onlar , in		qardaşlar	qızlar		ı(n)	onlar , in		oxlar	duzlar		ı (n)				
im, in, un, ın				im, in, i				im, in, un, ın				üm, ün, ü, i			
اسم با یکی از این چهار نوع پسوند به ضمیر نسبت داده می‌شود.						اسم با یکی از این چهار نوع پسوند به ضمیر نسبت داده می‌شود.									

منیم قارداشیم . منیم قیزیم . منیم یولداشیم . و...

- اسمی که آخرین حرف صدادر آن با آهنگ پایینی باشد، به شکل زیر به ضمائر

شخصی نسبت داده می‌شود:

اسامی زیر به ضمایر ما قبل خود نسبت داده شده اند.					اسامی زیر به ضمایر ما قبل خود نسبت داده شده اند.														
mən , im	}	əl	el	dil	}	im	mən , im	}	söz	gül	}	üm							
biz , im		əl	el	dil		im,iz	biz , im		söz	gül		üm üz							
sən , in		əl	el	dil		in	sən , in		söz	gül		ün							
siz , in		əl	el	dil		iniz	siz , in		söz	gül		ün üz							
on , un		əl	el	dil		i (n)	on , un		söz	gül		ü (n)							
onlar , in		əllər	ellər	dillər		i (n)	onlar , in		sözlər	güllər		i(n)							
im,in,un,in					im,in,i					im,in,un,in					üm,ün,ü,i				
اسم با یکی از این پسوندها به ضمیر شخصی نسبت داده می‌شود.					اسم با یکی از این پسوند ها به ضمیر شخصی نسبت داده می‌شود.														

(b) اسمی که به اسم ما قبل خود نسبت داده شود، اولین و آخرین پسوند ملکی آن با هماهنگی بزرگ به شکل « in, in, ün, un » در فرم سوم شخص مفرد صرف می‌شود:

اسامی زیر به اسامی ما قبل خود نسبت داده می‌شوند					اسامی زیر به اسامی ما قبل خود نسبت داده می‌شوند							
Yaşar ,in	}	əl	el	dil	}	in	Yaşar ,in	}	söz	gül	}	ün
Bacın ,in		əl	el	dil		in	Bacın ,in		söz	gül		ün
Rəsul ,un		əl	el	dil		in	Rəsul ,un		söz	gül		ün
Babək ,in		əl	el	dil		in	Babək ,in		söz	gül		ün
Nader ,in		əl	el	dil		in	Nader ,in		söz	gül		ün
qız , in		əllər	ellər	dillər		in	qız , in		sözlər	güllər		in
Yaşar ,in	saç	aş	baş	in	Lalə , in	don	yol	un				
Rəsul ,un	qız	biğ	qıl	in	Rəsul ,un	duz	suy	un				

- پسوند ملکی به وسیله علامت « لر، لار » جمع بسته شده و در فرم سوم شخص مفرد

با هماهنگی بزرگ با پسوند « دیر » صرف می‌شود. مثال:

کیمیندیر لر؟ اؤنودورلار. اؤنلاریندیرلار. بیزیمدیرلر. نه لریندیر (لر)؟ بؤنلاریندیر (لار).

توجه: - مترادف با کلمه « منیم ، سنین ، اؤنون »، کلمه ای در زبان فارسی موجود نیست، ولی

مفهوم آن را به کمک کلمه عربی « مال » با اضافه ملکی به شکل « مالِ من، مالِ تو،

مالِ او « و یا با کلمه ترکیبی « از آن من » و « ز آن من » بیان می‌کنند.

- در ترکی استانبولی به نادرست پسوند صرفی (əm) را به شکل « im » تغییر داده اند، در

نتیجه صرف پسوند ملکی و پسوند صرفی برای اول شخص مفرد به شکل هم صرف می‌شود:

ترکی استانبولی: benim بننیم (بننیم با دو مفهوم « من هستم، مال من است، معنی می‌دهد).

ترکی آذربایجان: mənim (bənim) مال من. مَنَم (bənəm) mənəm من هستم.

حرف « i » نیز علامت ملکی است که مترادف با پسوند « in » به کار گرفته می‌شود:

- چنانکه در صفحات قبلی بیان شد، پسوند ملکی در صرف با ضمائر شخصی برای اول شخص

مفرد و جمع به شکل « im » و برای دوم شخص مفرد و جمع به شکل « in » و برای سوم

شخص مفرد به شکل « un » و برای سوم شخص جمع به شکل « in » و در رابطه با اسم

به شکل « in , in , ün , un » صرف می‌شود. اما اگر پسوند ملکی در ترکیب آخرین کلمه جمله

(مصرع، بیت و یا اسم عام ترکیبی) به کار گرفته شود، با هماهنگی بزرگ با یکی از چهل

حرف « i , ı , ü , u » به کار گرفته می‌شود. مثال:

منیم کیتابیمین جیلدی. mən,im kitab,im,in cil,di ، حسنین کیتابی. حسینین کیتابباری.

چۆبانین ایتدی. رسولون اؤغلو. علینین پیشیگی. داداشین انونینن قاپیسی. یاشارین اؤغونون

کورکو. رسولون قؤلونون توکلری. اؤکوزون قؤیروغونون قیللاری. و...

حسنین کیتابینین صفحه سی جیریلدی و رسولون دا میدادینین اؤجو سیندی.

- پسوند « in » و « i » هر دو با مفهوم پسوند ملکی به کار گرفته می‌شوند، ولی آنها در مواردی

نیز عملکردهای متفاوتی دارند. مثال:

يك) به شکل اسم خاص:

(۱) آغاجین یارپاغین، گولون کؤکون و.. (سوال: نه یین یارپاغین؟)

(۲) آغاجین یارپاغی، گولون کؤکو و... (سوال: نه یین یارپاغی؟)

دو) حسنین کیتابی: در جملات مذکور پسوند اولی (Həsən in) می‌گوید که حسن کیتاب دارد.

پسوند دومی (kitibi) می‌گوید که کتاب مال حسن است. (نه آغاجی؟)

به شکل اسم عام: آلماناغاجی (آلماناغاجی)، آغاج یارپاغی، گول کؤکو و...

نار گولو، آما سویو، قویون سوتو و...

۵-۱) پسوند ملکی، اسم نسبت داده شده را از لحاظ مفهوم وابسته می‌کند: اگر اسم و ضمیر به شکل ساده بیان شود، آن کلمه کامل محسوب شده و با مفهوم مستقل به کار گرفته می‌شود. مثال: حسن، سن، او
اگر اسم و ضمیر با پسوند ملکی (به شکل: حسنین، سنین، اونون) صرف شود، مفهوم آن به شکل کامل و مستقل بیان نمی‌شود؛ چرا که شنونده کلمات مذکور مضمون آنها را نفهمیده و منتظر شنیدن اسمی می‌شود، که به وسیله پسوند ملکی به آن نسبت داده می‌شود. مثال:

ضمیر با پسوند ملکی:	منیم - کیتابیم (دیر)	سنین - کیتابین (دیر)	اونون - کیتابی (دیر)
اسم با پسوند ملکی:	حسنین - کیتابی (دیر)	آغاجین - یارپاغی (دیر)	رسولون - ماشینی (دیر)

- کلمات مذکور با مفهوم واحدی (همچون اسم ترکیبی) از هم جدا نوشته می‌شوند:
منیم کیتابیم، آغاجین یارپاغی، رسولون ماشینی و...

۶) پسوند ملکی و چگونگی تکرار آن در ترکیب اسم و ضمیر نسبت داده شده:

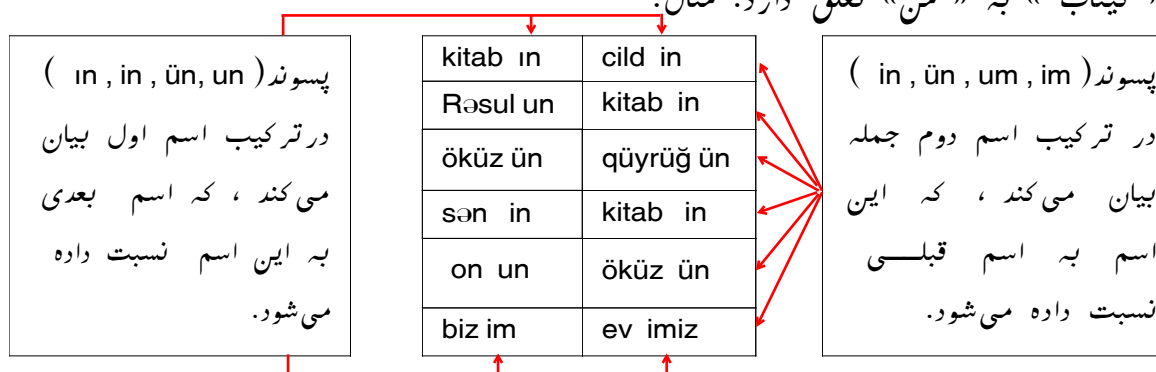
a) اگر اسمی به اسم و یا ضمیری نسبت داده شود، پسوند ملکی دو بار صرف می‌شود، یعنی پسوند ملکی یک بار در اسم و یا ضمیر و یک بار دیگر در اسم نسبت داده شده تکرار می‌شود. مثال:

منیم کیتابیم *mənim kitabım*، رسولون ائوین *Rəsulun evin*، منیم کیتابیم *mənim kitabım*،
منیم قیزیم *mənim qızım*، منیم اوکوزوم *mənim öküzüm*، منیم قوزوم *mənim quzum*،
منیم قارداشیمین ائوین *mənim qardaşımın evin*

تکرار پسوند ملکی و مفهوم متفاوت آن:

- اگر پسوند ملکی به اسم و یا ضمیری پیوند بخورد، اسم بعدی را به اسم و یا ضمیر قبلی نسبت می‌دهد. مثال:

رسؤلون: یعنی اسم بعدی به « رسول » نسبت داده می‌شود. (مثال: Rəsulun kitabı)
 منیم: یعنی اسم بعدی به « من » نسبت داده می‌شود. (مثال: mənim kitabım)
 سنین: یعنی اسم بعدی به « تو » نسبت داده می‌شود. (سنین چارخین. سنین اولین.)
 - پسوندی که به دومین اسم جمله پیوند بخورد، تعلق داشتن و نسبت داده شدن آن را برای اسم و یا ضمیر قبلی بیان می‌کند. برای مثال اگر کلمه « کیتاییم » را به تنهایی بیان کنیم، با وجودی که ناقص است ولی از آن چنین فهمیده می‌شود، که « کیتاب » به « من » تعلق دارد. مثال:



تکرار پسوند ملکی مفهوم جمله را دقیق تر می‌کند:

تکرار پسوند ملکی، علاوه بر بیان « نسبت دادن و متعلق بودن » و...، معنی کلمه را کامل تر کرده و از دو پهلو بودن مفهوم کلمه و جمله جلوگیری می‌کند. برای مثال اگر جمله « بی‌زیم انویمیزین فرشی » را در نظر بگیریم و آن را در زبان فارسی بیان کنیم، به شکل « ما در خانه مان فرشی داریم، که مال خانه خود مان است » معنی می‌دهد، در صورتی که همان جمله در زبان فارسی به شکل « ما در خانه فرش داریم » بیان می‌شود. یعنی در زبان ترکی به وسیله تکرار پسوند ملکی می‌توان به سوالاتی که برای شنونده جمله پیش می‌آید، جواب داد:

شما چه کسی هستید؟

جواب: من صاحب خانه هستم، که فرش مال آن است.

خانه مال کیست؟ خانه مال ماست.

فرش مال کیست؟ فرش مال خانه ما است.

پسوندهای ملکی « in » و تکرار آن (in, in) با مفهوم متفاوت در اسامی وسط جمله:
 اگر اسامی گوناگون در وسط جمله به یکدیگر نسبت داده شوند ، پسوند ملکی به تعداد اسم صرف شده دو بار به کار گرفته می شود. مثال:

اؤنون قیزینین قین آناسینین عمی سینین اوغلو.

onun qız,ının qeynanas,ının əmis,inin oğlu.

- چنانکه ملاحظه می شود، در جمله مذکور پسوند ملکی در ترکیب اسامی وسط جمله تکرار و با دو مفهوم مختلف به کار گرفته شده است. برای مثال به دو پسوند کلمه « qız,ının » توجه کنید:

(۱) پسوند اولی (qız in in) می گوید که « قیز » به اسم و یا به ضمیر قبلی نسبت داده می شود.

(۲) پسوند دومی (qız in in) می گوید که اسم بعدی به « قیز » نسبت داده می شود.

- برای واضح تر شدن موضوع به صرف کلمات مختلف در جدول زیر نیز توجه کنید:

پسوند دوم در ترکیب کلمه « kitab im in »، متعلق بودن « cild » را بر « kitab » بیان می کند.		پسوند ملکی اولی در ترکیب کلمه « kitab im in » متعلق بودن کتاب را به اسم و یا به ضمیر قبلی بیان می کند.	
mən , im	kikab , im , in	cild , i	پسوند ملکی در ترکیب آخرین اسم جمله به شکل مخفف شده « i , ü , u » صرف می شود، که نسبت داده شدن آخری را به اسم قبلی بیان می کند و نقطه پایانی را به پسوندهای ملکی در جمله (مصرع ، بیت) می گذارد.
yaşar , in	qoyun , un , un	tüklər , i	
öküz , ün	quyruğ , un , un	uc , u	
quş , un	qanat , in , in	üst , ü	
gül , ün	qonças , in , in	alt , ı	
این دو پسوند، اسم آخری را به اسم قبلی نسبت می دهد.		این دو پسوند، اسم دومی را به اسم اولی نسبت می دهد.	

توجه: اگر به کتاب نیز چیزی نسبت داده شود آن نیز دو پسوند ملکی « in , in » به خود

می گیرد. مثال: mən,im kitabım in cildin in rasm i.

صرف پسوند ملکی « i » و « inin » برای سوم شخص و اشخاص دورتر:

- پسوند ملکی (inin , i)، نه تنها « نسبت داده شدن » اسم را برای سوم شخص

مفرد بیان می‌کند، بلکه اشخاص دورتر را نیز به یکدیگر نسبت می‌دهد. منظور از « اشخاص دورتر» این است، که در زبانهای زنده جامعه بشری، برای بیان اشخاص دورتر علامت ویژه‌ای (مثل ضمیر و پسوند ملکی و یا پسوند صرفی) به وجود نیامده است، در نتیجه برای بیان آنها از علائم سوم شخص مفرد استفاده می‌شود. مثال:

« من، سنین قارداشینین قیزینین انوینین قاپیسینین آچارینین تاپدیم.»

چنانکه ملاحظه می‌شود، تکرار پسوند ملکی (به شکل: in, in) نه تنها برای سوم شخص مفرد صرف می‌شود، بلکه برای اشخاص دورتر نیز در همان فرم و مفهوم به کار گرفته می‌شود. به عبارت دیگر در جمله مذکور « من » اول شخص، « سن » دوم شخص، « قارداش » سوم شخص و « قیز » چهارم شخص، « انو » پنجم شخص، « قاپی » ششم شخص، « قیفیل » هفتم شخص و « آچار » هشتم شخص مفرد می‌باشد، که همه آنها با پسوند ملکی سوم شخص مفرد به کار گرفته شده اند، چراکه علامت ویژه‌ای برای اشخاص دورتر موجود نیست؛ در نتیجه آنها به شکل سوم شخص مفرد صرف شده اند. در مواردی نیز به جای آن اعداد ترتیبی به کار گرفته می‌شود. مثال:

a) با پسوند ملکی: منیم باجی قیزیمین قین ینین باشینین ساغ طرفینین توکلری آغاریدیر.

b) با شماره و پسوند ملکی: بؤ ایشین ایچینده تک ایکینجی و اوچونجو شخصین آلی یوخ،

بلکه دوردونجو و بنشینجی شخصین ده آلی وار.

- برای آشنائی هر چه بهتر با نحوه به کارگیری هماهنگی حروف صدادار پسوند ملکی و تکرار آن به شکل « in in»، در صفحه بعدی جدولهایی آمده اند، که اولین

کلمه جدول اولی با ضمیر شخصی و اولین کلمه جدول دومی با اسم آغاز می‌شود:

a) اولین کلمه جمله برای ضمیر اول و دوم شخص مفرد و جمع با پسوند « im»
برای ضمیر دوم شخص مفرد و جمع به شکل « in»، برای ضمیر سوم شخص مفرد به شکل « un»، برای سوم شخص جمع به شکل « in» و برای اسامی مختلف دیگر در وسط جمله به شکل « in in» تکرار شده و با پسوند « i» (با هماهنگی بزرگ)

برای آخرین اسم جمله به کار گرفته می‌شود:

آخرین پسوند ملکی جمله با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود. پسوند ملکی ضمایر شخصی به شکل زیر صرف می‌شود:

اول شخص مفرد و جمع	}	mən ,im	qardaş	im in	qız	ının	baş	ının	saçlar	ı
		biz , im	qardaş	ımızın	qız	ının	səş	inin	ucalığ	ı
دوم شخص مفرد و جمع	}	sən , in	qardaş	ının	oğl	unun	səş	inin	ucalığ	ı
		siz , in	bacı	nızın	qız	ının	maş	ının	ön	ü
سوم شخص مفرد و جمع	}	on , un	qardaş	ının	qız	ının	maş	ının	motor	u
		onlar,ın	qardaş	ının	qız	ının	maş	ının	təkər	i

این پسوند ملکی مخفف شده است. پسوند ملکی در اسامی وسط جمله به شکل « inin » تکرار می‌شود.

- پسوند اولین اسم جمله به شکل یک پسوند و پسوندهای اسامی وسطی جمله با دو پسوند « inin » و پسوند آخرین اسم جمله به شکل مخفف شده « i » با هماهنگی بزرگ صرف می‌شود:

Həsən	in	at	ının	qulağ	ının	üst	ünün	yaras	ı
yaşar	ın	at	ının	qulağ	ının	alt	ının	yaras	ı
it	in	başı	ının	yan	ının	tüklər	inin	tökültüs	ü
Rəsul	un	it	inin	boyn	unun	tüklər	inin	rəng	i
yol	un	üst	ünün	torpağ	ının	rəng	inin	sarılığ	ı
gül	ün	üst	ünün	torpağ	ının	rəng	inin	sarılığ	ı

آخرین پسوند ملکی | پسوندهای وسطی جمله تکرار می‌شوند. | پسوند ملکی در اولین اسم جمله تکرار نمی‌شود.

توجه: چرا در اولین کلمه جمله پسوند ملکی تکرار نمی‌شود؟ برای اینکه آن به اسم دیگر نسبت داده نمی‌شود.

- چرا در آخرین اسم جمله پسوند ملکی تکرار نمی‌شود؟

به این دلیل که اسم دیگری به آن نسبت داده نمی‌شود.

- چرا در اسامی وسطی جمله، پسوندها تکرار می‌شوند؟ زیرا یکی از آنها اسم را به اسم قبلی

نسبت می‌دهد و دیگری اسم بعدی را به آن نسبت می‌دهد و بدین سان جمله کامل شده

و مفهوم آن غیر قابل تغییر و تفسیر می‌شود.

۷) اسمی که آخرین حرف آن صدادار باشد، با حرف «س»
 « و پسوند ملکی به کار گرفته می‌شود. مثال:

عموی او	onun əmisi	اؤنون عمی سی	}	مادر او	onun nənəsi	اؤنون ننه سی
خواهر او	onun bacısı	اؤنون باجی سی		عمه او	onun bibisi	اؤنون بیبی سی
پدر او	onun atası	اؤنون آتاسی		نوه او	onun nəvəsi	اؤنون نوه سی
خاله او	onun xalası	اؤنون خالاسی		اتوی او	onun ütüsü	اؤنون اوتوسو
فرزند او	onun balası	اؤنون بالاسی		بسه او	onun qızusu	اؤنون قوزوسو

- کلمات مذکور در آخر جمله با حرف اضافی «s» همراه پسوند ملکی «i» صرف می‌شوند. مثال:

شپستری: مُحْتَشَم دیر تورک بالاسی گؤی مسجد آرکین قالاسی

توجه: اگر حرف «س» در ترکیب اسمی وسط جمله به کار گرفته شود، پسوند ملکی آن همانند سایر کلمات به شکل «in in» تکرار می‌شود و پسوند آخر جمله نیز با پسوند ملکی «i» صرف می‌شود. مثال: اؤنون آتاسینین دوه سی. اؤنون گنچی سینین بالاسی. اؤنون اوداسینین هاواسی.

- از اینکه آخرین حرف کلمات جدول مذکور حرف صدادار می‌باشد، در نتیجه در حالت‌های تصریفی یک حرف «n» به خود گرفته و به شکل زیر صرف می‌شود:

نام حالتها	ترکیبی	فارسی	}	پدر آنان	پدران آنان
حالت فاعلیت	اؤنون آتاسی	onun atası		پدر او	اؤنلارین آتالاری
حالت «به»	اؤنون آتاسی نا	onun atasına		به پدر او	اؤنلارین آتالارینا
حالت «در»	اؤنون آتاسی ندا	onun atasında		در پدر او	اؤنلارین آتالاریندا
حالت «از»	اؤنون آتاسیندان	onun atasından		از پدر او	اؤنلارین آتالاریندان
حالت «را»	اؤنون آتاسی نی	onun atasını		پدر او را	اؤنلارین آتالارینی
اضافه ملکی	اؤنون آتاسی نین	onun atasının		مال پدر او	اؤنلارین آتاسینین

توجه: سوم شخص جمع (اؤنلارین آتالاری) حرف «س» به خود نمی‌گیرد، چرا که آن با پسوند «لار» جمع بسته می‌شود، در نتیجه آخرین حرف آن (مثل: آتالار) به حرف «ر» تبدیل می‌گردد.

۸) پسوند ملكى در تركيب با كلمات تك سيلابى :

- اسامى تك سيلابى كه آخرين حرف آنها صدادار باشد، در حالتهاى تصريفى (بر عكس كلمات چند سيلابى) حرف « n » به خود نمى گيرند، بلكه با حرف تكميلى (y) به كار گرفته مى شوند. مثال:

bizim	suyumuz	سۇيۇموز	بىزىم	mənim	suyum	سۇيۇم	مىنىم
sizin	suyunuz	سۇيۇنۇز	سىزىن	sənin	suyun	سۇيۇن	سنىن
onların	suları	سۇلارى	اونلارىن	onun	suyu	سۇيو	اونون

- به صرف كلمات مذکور در جملات زير نیز توجه کنید:

بۇ چىشمە نىن سۇيو، بۇ ساعاتدان مىنىم دىر. (مىنىم سۇيۇمدور. بىزىم سۇيۇموزدور.)
 بۇ كىرىزده مىنىم اوج ساعات سۇيۇم وار. ايندى بۇ كىرىزىن سۇيو مىنىم دىر.
 من بۇ سۇيۇم لا باغلاريمى سۇوارام. بۇ دننىزىن سۇيو درين و دالقالى دىر.
 بۇ چىشمە نىن سۇيو ايچملى و سرىندىر. من بۇ چىشمە نىن سۇيۇندان ايچمە رم.
 بۇ چىشمە نىن سۇيۇندان ايچمك اولماز.

- كلمه « نه » نیز يك سيلابى و آخرين حرف آن نیز صدادار است، در نتيجه آن نیز با حرف « y » صرف مى شود:

نه يىن؟ او سنىن نه يىن دىر؟ او مىنىم باجىم دىر. او مىنىم انويم دىر.
 بۇ سنىن نه يىندىر؟ بۇ مىنىم باجىم دىر. بۇ مىنىم انويم دىر.
 بۇ مىنىم ماشىنىم دىر. بۇنلار مىنىم كىفيم دىر.
 نه يىنە؟ :nəyinə بۇ سنىن نه يىنە لازىم دىر؟ بۇ مىنىم انويمە لازىم دىر.
 او مىنىم ياشامىما لازىم دىر. بۇنلار مىنىم انويمە لازىم دىر.
 نه يىنى؟ :nəyini بۇ آدم چۇخ پىس آدم دىر. سن هله، او آدمىن نه يىنى گۇرموسن ؟
 سن اونون نه يىنى سۇدىن؟
 نه يىنىن؟ :nəyinin بۇ آچار سنىن نه يىنىن دىر؟

- کلمات تک سیلابی که آخرین حرف آنها صدادار باشد، با حرف تکمیلی « y » به شکل زیر در حالت‌های تصریفی صرف می‌شوند:

mən,im	sən,in	on,un	biz,im	siz,in	on,lar,in	ضمیرو پسوندملکی }
suyum	suyun	suyun	suyumuz	suyunuz	suların	} حالت فاعلیت حالت « به » حالت « از » حالت « در » حالت « را » اضافه ملکی
suyuma	suyuna	suyuna	suyumuza	suyunuza	sularına	
suyumda	suyunda	suyunda	suyumuzda	suyunuzda	sularında	
suyumdan	suyundan	suyundan	suyumuzdan	suyunuzdan	sularından	
suyumu	suyunu	suyunu	suyumuzu	suyunuzu	sularını	
suyumun	suyunun	suyunun	suyumuzun	suyunuzun	sularının	

سوم شخص جمع حرف y به خود نمی‌گیرد. چنین اسمی برای دوم و سوم شخص مفرد به یک شکل صرف می‌شود.

توجه: a) در محاوره کلمه « سۇ » برای دوم شخص مفرد با پسوند ملکی « uv » نیز به کار گرفته

می‌شود: suyuvu ، suyuva ، suyuvun

b) از اینکه آخرین حرف سوم شخص جمع (لر، لار) حرف بی‌صدا می‌باشد، در نتیجه در صرف یک حرف اضافی (y) به خود نمی‌گیرد.

suların ، sularına ، sularında ، sularından ، sularını ، sularının .

c) از اینکه حالت‌های تصریفی « سۇ » برای دوم و سوم شخص مفرد شبیه هم صرف می‌شوند، بهتر است آنها همراه ضمییر شخصی (من ، سن ، او) به کار گرفته شوند. مثال:

منیم سۇیومدان. سنین سۇیوندان. اۇنون سۇیوندان. ...

- کلمات مذکور به شکل زیر در جمله به کار گرفته می‌شوند:

گۈزله یین، اۇشاقلار یاغیش سۇیوندان ایچمه سین (لر)!

سئل سۇیونو قایناتمامیش (قنینه مه میش) ایچمه یین!

آی قارداش، بۇ مۆتورون سویونون صاحبیبی وار، لطفاً اۇنو اۇز باغلارینیزا آچمایین.

۹) پسوند ملکی و حذف آن در محاوره از اسم نسبت داده شده:

چنانکه در بخشهای قبلی بیان شد، اگر اسمی به اسم و یا ضمیری نسبت داده شود، پسوند ملکی آن یک بار با اسم و یا ضمیر و یک بار دیگر با اسم نسبت داده شده به کار گرفته می‌شود. مثال:

منیم انویم *mənim evim*، سنین انوین *sənin evin*، اؤنون انوی. *onun evi*، بیزیم انویمیز، سیزین انوینیز، اؤنلارین انولری ...

- در مواردی (در محاوره)، در رابطه با حیوانات و اشیاء، یکی از علائم ملکی را در دومین اسم جمله که آخرین اسم جمله نیز محسوب می‌شود، به نادرست حذف کرده و آن را به شکل زیر نیز در حالت‌های تصریفی صرف می‌کنند:

<i>mənim bağ</i>	منیم باغ	<i>mənim ev</i>	منیم انو	}	حالت فاعلیت	یالیسن آد
<i>mənim bağ,a</i>	منیم باغا	<i>mənim evə</i>	منیم انوه		حالت « به »	ه ، ə ، حالی
<i>mənim bağ,da</i>	منیم باغدا	<i>mənim evdə</i>	منیم انوده		حالت « در »	ده ، də ، حالی
<i>mənim bağdan</i>	منیم باغدان	<i>mənim evdən</i>	منیم انودن		حالت « از »	دن ، dən ، حالی
<i>mənim bağ,ı</i>	منیم باغی	<i>mənim evi</i>	منیم انوی		حالت « را »	ای ، i ، حالی
<i>mənim bağ,in</i>	منیم باغین	<i>mənim evin</i>	منیم انوین		اضافه ملکی	این ، in ، حالی

- سنین انوه، سنین انوده، سنین انوین. اؤنون انوه، اؤنون انوی، اؤنون انوینین

بیزیم انوه، بیزیم انوده، بیزیم انوی، بیزیم انوین. سیزین انوه، سیزین انوده،

سیزین انوی، سیزین انوین. اؤنلارین انو، اؤنلارین انوینی، اؤنلارین انوین. ...

- کلمات مخفف شده مذکور به شکل زیر در جمله به کار گرفته می‌شوند:

بیزیم قوزو وؤراغان دیر. (اصل جمله: بیزیم قوزوموز وؤراغاندیر.)

سنین اینک یؤنجالیقدا دیر. (اصل جمله: سنین اینگین [اینه ییم] یؤنجالیقیندا دیر.)

سنین آغاچلار سؤسویوبلار. (اصل جمله: سنین آغاچلارین سؤسویوبلار.)

توجه: (a) « منیم انو » در زبان فارسی به شکل « خانه من » معنی می‌دهد، ولی « منیم انویم »

(که در زبان ترکی صحیح است)، به شکل «خانه ام، که مال خودم است.» معنی می‌دهد.
 بدین سان در زبان ترکی به سوال اینکه «خانه» مال کیست؟ به شکل «مال من است»
 و به سوال «من کی هستم؟» به شکل «من صاحب خانه هستم» جواب داده می‌شود.
 b) پسوند ملکی را در رابطه با اشخاص به هیچ وجه نباید حذف کرد، بلکه باید آن را
 به شکل زیر تکرار کرد. مثال:

منیم دده م (mənim dədəm (atam) ، منیم آتام mənim anam
 منیم عمیم، منیم خلام، منیم باجیم، منیم داییم و....

۱. مخفف شدن پسوند ملکی از اسمی که آخرین حرف آن صدادار می‌باشد:

- اگر آخرین حرف اسمی صدادار باشد (مثل: آتا، آتا، باجی، قۇجا) و به دنبال آن پسوند
 ملکی اول و دوم شخص مفرد و جمع، که اولین حرف آن صدادار (مثل: nənə , im)
 هست، به کارگرفته شود، در صرف به جای اضافه کردن حرف تکمیلی « y » (بین دو
 حرف صدادار به شکل: nənəy im)، از آن یک حرف صدادار حذف می‌شود. مثال:
 « ننه م nənəm ، دده م dədəm ، باجیم bacım ، آتام atam » عمیم ،
 بیییم، خلام، داییم و...

چنانکه ملاحظه می‌شود، کلمات مذکور از دو بخش ترکیب یافته اند، که بخش اول آنها اسم
 و قسمت دوم آنها پسوند ملکی می‌باشد، که به شکل زیر از هم تجزیه می‌شوند:

nənə , m ، dədə , m ، bacı , m ، ata , m

در ترکیب کلمات مذکور حرف « m » به جای پسوند ملکی « im » صرف شده است، که
 پسوند ملکی همچون « m » در زبان ترکی موجود نیست، بنابراین این ترکیب اصلی کلمات
 مذکور با پسوند ملکی (im) به شکل زیر می‌باشند:

nənə im (ننه ایم)، dədə im (دده ایم)، bacı im (باجی ایم)، ata im (باجی ایم) ،

خالایم، عمی ایم، عمه ایم، بی بی ایم، قۇزووم، گنچی ایم و...

در صرف کلمات مذکور دو حرف صدادار در کنار هم قرار گرفته اند، که با قانون هماهنگی

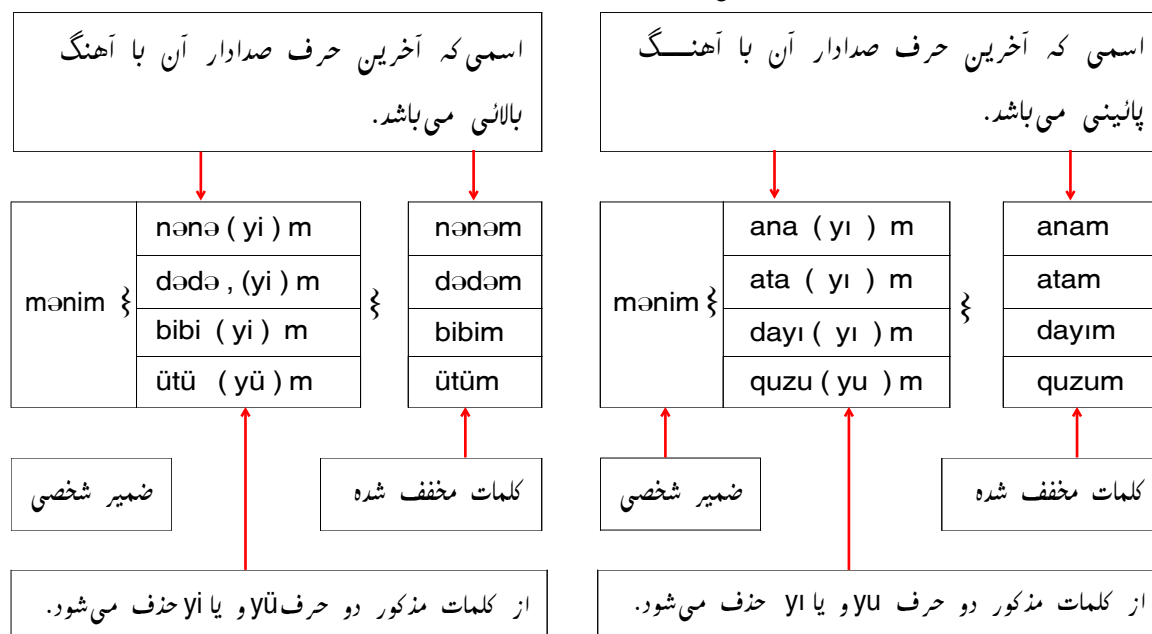
می‌بایست بین آنها يك حرف تکمیلی (y) افزوده شده و به شکل زیر صرف شوند:

منیم ننه ییم mənim nənəyim ، منیم دده ییم mənim dədəyim ،
 منیم باجی ییم . mənim bacıyım ، خالاییم ، عمی ییم ، عمه ییم ،
 بیبی ییم ، قوزویوم ، گچی ییم ...

از اینکه کلمات مذکور طولانی می‌باشند، در نتیجه در سیر تکاملی زبان بدون اینکه به مفهوم اصلی آنها صدمه بخورد، از آنها دو حرف « iy » و یا « uy » حذف شده و امروزه به شکل مخفف شده به کار گرفته می‌شوند:

منیم باجیم mənim bacım ، منیم آتام mənim atam ، خالام ، عمیم ، عمه م ، بی ییم ...
 - برای آشنائی هر چه بهتر با نحوه مخفف شدن پسوند ملکی، در زیر دو جدول کوچک در کنار هم آورده می‌شوند، که آخرین حرف صدادر کلمات جدول سمت چپ با آهنگ بالائی و آخرین حرف صدادر کلمات جدول سمت راست با آهنگ پائینی می‌باشد.

اسامی جدول زیر برای اول شخص مفرد صرف می‌شود:



- چنانکه ملاحظه می‌شود، کلمات مختلف جدول مذکور برای اول شخص مفرد صرف شده اند ، اما شیوه مذکور در رابطه با اول و دوم شخص مفرد و جمع نیز به کار گرفته

می‌شود. اکنون برای مثال کلمه «آنا» و «ننه» را در نظر می‌گیریم و آنها را در دو جدول زیر برای اول و دوم شخص مفرد و جمع صرف می‌کنیم:

اسمی که آخرین حرف صدادر آن با آهنگ بالائی می‌باشد.				اسمی که آخرین حرف صدادر آن با آهنگ پائینی می‌باشد.			
mənim	}	nənə(yi)m	nənəm	mənim	}	ana(yi)m	anam
sənin		nənə(yi)n	nənən	sənin		ana(yi)n	anan
bizim		nənə(yi)miz	nənəmiz	bizim		ana(yi)miz	anamiz
sizin		nənə(yi)niz	nənə niz	sizin		ana(yi)niz	ana niz
ضمایر شخصی		کلمات مخفف شده.		ضمایر شخصی		کلمات مخفف شده	
از اسامی مذکور دو حرف «yi» حذف می‌شود.				از اسامی مذکور دو حرف «yi» حذف می‌شود.			

- توجه شود که کلمات مذکور در صرف برای سوم شخص مفرد و جمع مخفف می‌شوند، چرا که در صرف به آخر آنها حرف بی‌صدا پیوند می‌خورد. مثال:

a) اسمی که آخرین حرف آن صدادر باشد و برای سوم شخص مفرد نسبت داده شود، در حالت تصریفی به آن یک حرف «س» افزوده می‌شود؛ در نتیجه آخرین حرف آن تبدیل به حرف بی‌صدای «س» می‌گردد و بدین سان به اضافه کردن حرف تکمیلی «ی» نیازی نمی‌باشد. مثال:

اؤنون دده سینین ماشینی. اؤنون ننه سینین الوی. اؤنون باجی سینین آری.
 اؤنون خالاسینین ماشینی. اؤنون گنچی سینین بۆرنوزو. اؤنون دوه سینین بؤینو.
 اؤنون دوه سینین سوتو. اؤنون قوزوسونون یونو. ...

b) چنانکه ملاحظه می‌شود، بین کلمه «دده»، «ننه»، «باجی» و پسوند ملکی یک حرف اضافه «س» افزوده شده و بدین سان به جای «nənəyi» به شکل «nənəsi» صرف شده است.

c) ضمیر سوم شخص جمع از ترکیب کلمه « o » و حرف اضافه « n » و علامت جمع « lar » تشکیل می‌یابد، در نتیجه آخرین حرف آن (لار، لر) به حرف بی‌صدای « ر » تبدیل می‌شود و بدین سان نیازی به اضافه کردن حرف « س » و یا حرف « y » ندارد. مثال:

اؤنلارین دده لری، اؤنلارین ننه لری، اؤنلارین باجی لاری، اؤنلارین دایی لاری،
(اگر از يك پدر باشند: اؤنلارین دده سی، اؤنلارین ننه سی، اؤنلارین باجی سی گفته می‌شود.)

۱۱) پسوند ملکی همراه اسم با حالت مفعول با واسطه « در » و کلمه ربطی « کی » با مفاهیم مختلف:

در زبان ترکی، اسم و ضمیر را می‌توان با پسوند حالت تصریفی « ده » و با پسوند ملکی همراه کلمه ربطی « کی » ترکیب داد و به عنوان کلمه ترکیبی و یا جمله (بدون فعل) با مفهوم « آنچه که مال من است » به کار گرفت و به شکل زیر در حالت‌های تصریفی صرف کرد. مثال:

(کلمه « منیمکی » از سه بخش تشکیل می‌یابد: من، ایم، کی)

ضمایر شخصی {	من	سن	اؤ	بیز	سیز	اؤنلار
۱ حالت فاعلیت	منیمکی	سنینکی	اؤنونکو	بیزیمکی	سیزینکی	اؤنلارینکی
۲ حالت « به »	منیمکی نه	سنینکی نه	اؤنونکونا	بیزیمکی نه	سیزینکی نه	اؤنلارینکی نا
۳ حالت « در »	منیمکی نده	سنینکی نده	اؤنونکوندا	بیزیمکی نده	سیزینکی نده	اؤنلارینکی ندا
۴ حالت « از »	منیمکی ندن	سنینکی ندن	اؤنونکوندان	بیزیمکی ندن	سیزینکی ندن	اؤنلارینکی ندان
۵ حالت « را »	منیمکی نی	سنینکی نی	اؤنونکونو	بیزیمکی نی	سیزینکی نی	اؤنلارینکی نی
۶ حالت ملکی	منیمکی نین	سنینکی نین	اؤنونکونون	بیزیمکی نین	سیزینکی نین	اؤنلارینکی نین

بۇ کلید منیم ائویمین کینیندیر. اؤ اچار اؤنونکونوندور.

- اسم را نیز می‌توان با پسوند ملکی و کلمه ربطی « کی » ترکیب داد و با مفهوم

« آنچه که مال وی است.» به کارگرفت و در حالت‌های تصریفی صرف کرد. مثال:

(ترکیب کلمه: حسن، حسنین، حسنینکی)

حالت‌های اسم {	حسن	انل	قیز	رسول	قوش	یؤل
۱ حالت فاعلیت	حسینکی	انلینکی	قیزینکی	رسولونکو	قوشونکو	یؤلونکو
۲ حالت « به »	حسینکی‌نه	انلینکی‌نه	قیزینکی‌نا	رسولونکونا	قوشونکونا	یؤلونکونا
۳ حالت « در »	حسینکی‌نده	انلینکی‌نده	قیزینکی‌ندا	رسولونکوندا	قوشونکوندا	یؤلونکوندا
۴ حالت « از »	حسینکی‌ندن	انلینکی‌ندن	قیزینکی‌ندان	رسولونکوندان	قوشونکوندان	یؤلونکوندان
۵ حالت « را »	حسینکی‌نی	انلینکی‌نی	قیزینکی‌نی	رسولونکونو	قوشونکونو	یؤلونکونو
۶ حالت ملکی	حسینکی‌نین	انلینکی‌نین	قیزینکی‌نین	رسولونکونون	قوشونکونون	یؤلونکونون

توجه شود که در ترکیب کلمات مذکور می‌توان پسوندها را پس و پیش کرده و با مفاهیم جدیدی به کارگرفت. مثال:

حسن ده کی، حسن ده کینده، حسن ده کینده کی و...

- اسم و یا ضمیر شخصی را می‌توان با پسوند « ده » و کلمه ربطی « کی » و پسوند ملکی ترکیب داد و به شکل زیر در حالت‌های تصریفی صرف کرد. مثال:

منده کینین، سنده کینین، اونداکینین،
بیزده کینین، سیزده کینین، اونلارداکینین

- اسم و ضمیر شخصی نه تنها یک بار با کلمه ربطی «کی» و پسوند ملکی ترکیب می‌یابد، بلکه مجدداً تکرار شده و با مفهوم جدیدی نیز به کارگرفته می‌شود:

منیم کینده کی، سنین کینده کی، اؤنونکونداکی،
بیزیمکینده کی، سیزینکینده کی، اونلارینکی‌نداکی
حسن نین کینده کی، لاله نین کینده کی،

- تمامی کلماتی که در فرم مذکور ساخته می‌شوند، به شکل سوم شخص مفرد با فعل

« دیر » با هماهنگی بزرگ صرف می‌شوند. مثال:

کیمده کینده دیر؟ منده کینده دیر. کیمین کینین دیر؟ حسنینکی نین دیر.
 کیمین کینده دیر؟ حسنین کینده دیر. منیم کینده دیر. اؤنونکودور ...
 - اسم و یا ضمیر را می‌توان با پسوند حالت « در » (ترکی: ده، دا) و کلمه ربطی
 « کی » ترکیب داد و با مفهوم « در آن چیزی که در پیش من است » به کارگرفت
 و همانا پسوند « ده » و کلمه ربطی « کی » را تکرار کرد و با مفهوم جدیدی به
 کارگرفت. مثال:

منده کینده کی، سنده کینده کی، اؤنداکی نداکی،

بیزده کی نده کی، سیزده کینده کی، اؤنلارداکی نداکی

- اسم و ضمیر با پسوند « ده »، حرف « ن »، کلمه ربطی « کی » و پسوند
 ملکی ترکیب می‌یابد و به شکل زیر تکرار شده و با پسوند صرفی « دیر » صرف
 می‌شود. مثال:

منده کینده کیندن دیر. سنده کینده کیندن دیر. اؤندا کیندا کیندان دیر.

حسن ده کینده کیندن دیر. ...

بیزده کینده کیندن دیر. سیزده کینده کیندن دیر. اؤنلاردا کیندا کیندان دیر.

یاشاردا کیندا کیندان دیر. ...

منیم کینده کینده کی. سنین کینده کینده کی (لر). (حسنین کینده کینده کی.)

۱۲) تغییر پسوند اسم نسبت داده شده به دوم و سوم شخص مفرد:

یک) به کارگیری پسوند « in » به جای « iv » و « un ، in » :

- چنانکه در بخش‌های قبلی نیز اشاره شد، اگر اسمی به ضمیر دوم و سوم شخص مفرد
 نسبت داده شود، پسوند ملکی آن شبیه هم به کارگرفته شده و با هماهنگی بزرگ به
 شکل « in , in , ün , un » صرف می‌شود.

a) اسمی که آخرین حرف آن صدادر و با آهنگ پائینی باشد، با یکی از دو پسوند « in » و یا « ün » به ضمیر دوم شخص و سوم شخص مفرد نسبت داده می‌شود:

sən in	ξ	atın	qızın	donun	yolun	duzun
onun	ξ	atın	qızın	donun	yolun	duzun

b) اسمی که آخرین حرف صدادر آن با آهنگ پائینی باشد، با یکی از دو پسوند « in » و یا « ün » به ضمیر دوم شخص و سوم شخص مفرد نسبت داده می‌شود:

sən in	ξ	əlin	evin	dışın	gözün	gülün
onun	ξ	əlin	evin	dışın	gözün	gülün

توجه: - پسوند ملکی در مواردی در رابطه با سوم شخص مفرد به شکل مخفف شده (i, u) به کار گرفته می‌شود. مثال:

اؤنون قیزی onun qızı ، اؤنون الوی onun evi

- کلماتی که با پسوند مخفف شده صرف شوند، اگر در حالتی تصریفی صرف شوند، یک « n » اضافه شده و به شکل اصلی خود (in) به ضمیر دوم شخص مفرد نسبت داده می‌شود. مثال:

اؤنون قیزینا onun qızına ، اؤنون الوینی onun ev ini ...

c) برای جلوگیری از تشابه پسوند ملکی اسم نسبت داده شده، آن را در مواردی در رابطه با دوم شخص مفرد از شکل اصلی خود (in) به شکل « iv » تغییر می‌دهند؛ ولی این تغییر شکل به شرح زیر در همه جا به کار گرفته نشده، بلکه آنها تنها در سه حالت تصریفی فهمیده شده و بعضی نیز فهمیده نمی‌شوند:

- اگر اسم را به تنهایی با پسوند ملکی « iv » به ضمیر دوم شخص مفرد نسبت دهیم کلمه نادرست بوده و فهمیده نمی‌شود:

sən in	ξ	ativ	qıziv	donuv	duzuv	
sən in	ξ	əliv	eviv	dışiv	gözüv	gülün

- چنانکه ملاحظه می‌شود، صرف پسوند ملکی با حروف « iv » ، « uv » و همچنین با

حروف « iv » و « iv » غلط است.

- باوجودی که صرف اسامی مذکور با پسوند « iv » نادرست است، ولی آنها را به ویژه در محاوره در حالت تصریفی به کار می‌گیرند. برای مثال کلمه « انو ev » (خانۀ) را در نظر گرفته و آن را در سمت راست دو جدول زیر با پسوند « iv » و در سمت چپ آنها با پسوند « in » به ضمیر دوم شخص مفرد نسبت داده و در حالت‌های تصریفی صرف می‌کنیم، کلمات صرف شده با پسوند « iv » تنها در سه حالت تصریفی فهمیده می‌شوند، در صورتی که با پسوند « in » در هر شش حالت فهمیده می‌شوند:

علائم تصریفی اسم	از شش حالت تصریفی تنها سه حالت آن با پسوند « iv » درست فهمیده می‌شود.
------------------	---

sənin ev in	sənin ev iv : فهمیده نمی‌شود	سنین انویو	}	یالین آد
sənin ev in ə	sənin ev ivə: فهمیده می‌شود	سنین انویوه		ه حالی
sənin ev in də	sənin ev ivdə : فهمیده نمی‌شود	سنین انویوده		ده حالی
sənin ev in dən	sənin ev ivdən : فهمیده نمی‌شود	سنین انویودن		دن حالی
sənin ev in i	sənin ev ivi: فهمیده می‌شود	سنین انویوی		ای حالی
sənin ev in in	sənin ev ivin: فهمیده می‌شود	سنین انویوین		این حالی

صرف پسوند ملکی « in » در همه شش حالت تصریفی صحیح فهمیده می‌شود.

- | | |
|-----------------------------------|-----------------------------------|
| سنین دده نده دیر. درست است. | ولی سنین دده و ده دیر غلط است. |
| سنین انوینده دیر. درست است. | ولی سنین انویوده دیر غلط است. |
| سنین انویین هارادا دیر؟ درست است. | ولی سنین انویو هارادادیر غلط است. |
| سنین انوینده دیر. درست است. | ولی سنین انویوده غلط است. |

- اسمی که آخرین حرف صدا دار آن با آهنگ پائینی باشد و با پسوند « iv » صرف شود، تنها در سه حالت تصریفی فهمیده می‌شود؛ ولی اگر با پسوند « in » صرف